

جلد اول



ویژه نامه

وبسایت خبری، تحلیلی

تئاتر فستیوال

فجرز
بین المللی
سی و پنجمین
تئاتر

35th Fadjar
International
Theater
Festival

۱۰ دی تا ۱۲ بهمن ۱۳۹۵
تهران و استان های
آذربایجان شرقی، مازندران
بوشهر، خراسان رضوی
خوزستان، فارس و یزد

TF

فهرست

- سرمقاله / جشنواره ای که به نظر می رسد خوب باشد..... ۹
- نشست خبری سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر ۱۱
- نقدی بر پوستر سی و پنجمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر / دیوارهایی که بدون پوستر باقی مانده اند ۱۳
- تشریح جزئیات "کارگاه های تخصصی تئاتر کاربردی" / حسین رحیمی از اشتغال زایی در تئاتر کاربردی می گوید ۱۵
- مصاحبه / احمد سلیمانی : "راهبان معبد وانگ" مضمونی جهان شمول دارد..... ۱۹
- اختصاصی تئاتر فستیوال از نمایشگاه پوستر / ۳۵ سال فجر بر دیوارهای تئاتر شهر ۲۰
- یادداشتی بر نمایش "همه دختران من" به کارگردانی جواد روستایی: مخاطب شناسی ، برگ برنده "همه دختران من" ۲۱
- افتتاحیه نمایشگاه عکس و پوستر سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر ۲۲
- افتتاحیه نمایشگاه عکس سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر: مهدی شفیعی : عکس و پوستر به دوام و بقای جشنواره کمک می کند ۲۳
- حاشیه های نخستین روز جشنواره تئاتر فجر: از یاد آتش نشانان قهرمان تا خودکشی با چاقوی میوه خوری ۲۵
- گزارش تصویری نمایش خیابانی "مونگ بهیتی" / ماه گرفتگی بر فراز شهر آمل..... ۲۸
- مصاحبه / بهنام کاوه: همه شهرهای آلوده ، مخاطب نمایش "کوچ" هستند ۲۹
- مصاحبه / جواد روستایی : اصلی ترین رسالت تئاتر انسان سازی است ۳۰

- گزارش تصویری نمایش خیابانی "روایت پیچیده یک کلنگ زنی ساده" ۳۲
- مصاحبه / سیف الله صمدیان: در انقلاب دیجیتال، فرم بر محتوا غلبه دارد ۳۳
- یادداشتی بر نمایش "گنبدگاه" به کارگردانی هرش آرمند: "گنبدگاه" ی، بدون
- چارچوب و میزانش ۳۵
- مصاحبه / هرش آرمند: می‌خواهیم از فرهنگ خودمان وارد هنرهای معاصر شویم ۳۷
- نقدی بر نمایش "فرشته مرگ" به کارگردانی مسعود رایگان / مرگی بدون تاثیر ۳۹
- نقدی بر نمایش "تئاتر سعدی تابستان سی و دو" به کارگردانی حسین کیانی: ریتم،
- پاشنه آشیل "تئاتر سعدی تابستان سی و دو" ۴۱
- گزارش تصویری نمایش خیابانی "آرت" ۴۳
- حاشیه های دومین روز جشنواره تئاتر فجر: روزهای کم حاشیه و خلوت جشنواره تئاتر
- فجر / اهدای یک هدیه دلچسب به خبر نگار تئاتر فستیوال ۴۴
- مصاحبه / صادق نصیری: "جی" یک درام روانشناسی در رابطه با مسائل اجتماعی ۴۷
- مصاحبه / محمدرضا شجاعی: هر سال سطح تئاتر در استان مازندران بالاتر می رود ۴۹
- یادداشتی بر نمایش "خواب زمستانی" به کارگردانی لیلی عاج / تلاقی مستند و درام،
- خلق روایتی پرکشش ۵۰
- مصاحبه / میثم سرآبادانی: نگاه تئاتر باید عوض شود / وضعیت تئاتر تفرش بغرنج ۵۲
- گزارش تصویری / شمع هایی که به یاد آتش نشانان سوختند ۵۴
- یادداشتی بر نمایش "جی" به کارگردانی صادق نصیری / مانیفستی برای داوران ۵۵

- مصاحبه / پوریا شکیبایی : نیت من از حضور در جشنواره رقابت نیست ۵۶
- نقدی بر نمایش " شازده کوچولو " به کارگردانی مهرداد خامنه ای / تجربه گرایی تا کجا ؟
- یا تئاتر با سینما فرق دارد ۵۸
- به قلم حسن شمس کارشناس و مدرس تئاتر و سینما: ضد یادداشتی بر نقد منتقد
- تئاتر فستیوال ، بر نمایش "شازده کوچولو" ۶۰
- "جهش" برفراز تئاتر شهر / گزارش تصویری نمایش خیابانی "جهش" ۶۳
- یادداشتی بر نمایش " دلپیچه " سعید دولتی /تنزل نرخ خنده در بازار تئاتر..... ۶۴
- حاشیه های روز سوم جشنواره تئاتر فجر / داورهای جشنواره تئاتر فجر رکورد تاخیر را در
- ایران شهر زدند ۶۵
- یادداشتی بر نمایش "دوازده" جواد خروشا / قضاوت بین واقعیت و حقیقت..... ۶۸
- مصاحبه / علیرضا داوری : جشنواره امسال برنامه ریزی و سیستم اطلاع رسانی خوبی
- داشته است ۷۰
- یادداشتی بر نمایش "بازگشت در چهارشنبه آخر سال " به کارگردانی رضا حسینی /
- انتظاری که برآورده نشد ۷۱
- مصاحبه / گروه حرکت و بدن ماها : باید بهای مالی بیشتری به بخش "به علاوه فجر "
- داده شود..... ۷۲
- نقدی بر نمایش " نیمروز اسکاتلند " به کارگردانی ندا هنگامی / یک تئاتر تجربی
- اصولی و صادق ۷۴

- مصاحبه / فرزین صابونی: امیدوارم هنرمندان از ندیدن "جاودانگی" پشیمان نشوند ۷۶
- نقدی بر نمایش "مستاجر" به کارگردانی ستاره امینیان / مالیخولیای استیجاری ۷۹
- مصاحبه / بریس باتان: اصل تئاتر خیابانی پرداختن به مسائل اجتماعی است ۸۱
- یادداشتی بر نمایش "خر مهره" به کارگردانی محسن قصابیان / نمایشی برای رضایت مخاطب و منتقد! ۸۲
- گزارش تصویری نمایش خیابانی "هفت خوان" ۸۳
- مصاحبه / سیامک احصایی: متن "خانه ابری" بر اساس روزمرگی نوشته شده است ۸۴
- یادداشتی بر نمایش "حادثه در ویشی" به کارگردانی منیژه محامدی: قابل قبولی که اقناع کننده نبود ۸۶
- مصاحبه / لیلی عاج: تئاتر فجر فرصتی برای بازتولید خوب آثار است ۸۸
- یادداشتی بر نمایش "پزشک نازنین" به کارگردانی حسین رحیمی / پزشکی نازنین به نام تئاتر ۹۰
- یادداشتی بر نمایش "راهبان معبد وانگ" کارگردانی احمد سلیمانی / بی کلام ۹۲
- قصه گوی دوست داشتنی ۹۲
- حاشیه های روز چهارم جشنواره تئاتر فجر "حافظ" به صدر جدول سالن های پر حاشیه جشنواره تئاتر فجر بازگشت ۹۴
- مصاحبه / کوکونا: جشنواره تئاتر فجر در خاورمیانه اتفاق بزرگی است ۹۶
- یادداشتی بر نمایش "سلفه" به کارگردانی عامر ابوالهیل از کشور عراق / زرق و برق های یک اتود دانشجویی ۹۸

- یادداشتی بر نمایش "خاطرات هنرپیشه نقش دوم" به کارگردانی افشین زمانی /
هنرپیشه در میزانشنی درست ۹۹
- مصاحبه / حسین فرخی : ما اهداف بلند مدت برای جشنواره تئاتر فجر نداریم . / بخش
مرور تئاتر ایران ، سبب کهنگی جشنواره شده است ۱۰۰
- یادداشتی بر نمایش " پاییز نگفته بود " به کارگردانی زیبا دریاسفر / پائیزی که قصه ای
نگفته بود ۱۰۲
- حاشیه های روز پنجم جشنواره تئاتر فجر : تاخیر داورهای جشنواره ، صدای مرادخانی و
شفیعی را هم بلند کرد / "عکاسی " سوژه ی حاشیه ساز پنجمین روز تئاتر فجر ۱۰۳
- گزارش تصویری نمایش خیابانی " نیمه " ۱۰۷
- مصاحبه / علیرضا رحیم دل : جشنواره تئاتر فجر قله تئاتر ایران است ۱۰۸
- گزارش تصویری نمایش خیابانی " املت با گوجه ایرانی / املت وطنی ۱۱۰
- یادداشتی بر نمایش " جزیره " به کارگردانی سعید دشتی " جزیره " ی پرهیاهو ۱۱۱
- حاشیه های روز ششم جشنواره تئاتر فجر : پر مخاطب ترین روز چهارسو با
آروند دشت آرای ۱۱۲
- گزارش تصویری نمایش خیابانی " مستند پخش نشده میرزا " ۱۱۵
- مصاحبه / ندا هنگامی : نسبت به انتقاد و پیشنهاد به جشنواره بی تفاوت شده ایم ۱۱۶
- مصاحبه / جواد خورشیا : ایده ی تبدیل فیلم به تئاتر را همیشه در ذهن داشته ام ۱۱۸
- مصاحبه / میهران توماسیان : نمایش "سار" به هر بیننده ای احساس متفاوتی را
منتقل می کند ۱۱۹

- مصاحبه / فرهاد جم : امیدوارم دوباره به صحنه تئاتر بازگردم ۱۲۰
- یادداشتی بر نمایش " چند خوان رستم " به کارگردانی علیرضا رحیم دل / چند خوان
- فاصله تا شاهکار شدن ۱۲۱
- مصاحبه / محمد جواد صرامی : " چرخه سودایی " فضایی سورئال دارد ۱۲۳
- مصاحبه / حمید پورآذری : جشنواره تئاتر فجر در این دو سال اخیر هویت
- پیدا کرده است ۱۲۴
- یادداشتی بر نمایش " علی کوچیکه " به کارگردانی حسین فرخی / خلق تصویری
- دلچسب از علی کوچیکه ۱۲۵
- گزارش تصویری نمایش خیابانی " زیر زمین " ۱۲۷
- مصاحبه / فاطمه کاظمی: تئاتر فجر زمینه خوبی را برای دیده شدن فراهم می کند ۱۲۸
- یادداشتی بر نمایش " یرمای درون من " به کارگردانی ستاره تبریزان / اتود دانشجویی
- ساده و قابل قبول ۱۲۹
- حاشیه های روز هفتم جشنواره تئاتر فجر: وقتی لهستانی ها برای ما سنگ
- تمام گذاشتند ۱۳۰
- مصاحبه / محمد یعقوبی : باید ساختار روشن و واضحی برای انتخاب آثار وجود
- داشته باشد ۱۳۴
- مصاحبه / محمدهادی عطایی : وضعیت تئاتر خیابانی فاجعه است / همه چیز به غیر از هنر
- ارزش افزوده دارد ۱۳۶

- حضور " آقای دلواپس " در تئاتر شهر / گزارش تصویری ۱۳۷
- نقدی بر نمایش " آبگوشت زهرمـــــاری " قاسم لطفی خواجه پاشا: خط سیر
- آبگوشت تا زهرمار ۱۳۸
- مصاحبه / کارگردان " من ، سیزیف " : جشنواره تئاتر فجر برای ایران اتفاق خوبی را رقم
- زده است ۱۴۰
- گزارش تصویری نمایش خیابانی " بزم و رزم " ۱۴۲
- یادداشتی بر نمایش " دو به دل " به کارگردانی سلمان پهلوان " : دو به دل " اثری از
- تمدن ناشناخته ۱۴۳
- اختتامیه بخش عکس، پوستر و هویت بصری سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر ۱۴۴
- گزارشی از مراسم اختتامیه بخش عکس ، پوستر ، هویت بصری و نمایشنامه /
- علی مرادخانی : رسالت تئاتر با حضور سه نسل در کنار هم به جا آورده شد ۱۴۵

جشنواره ای که به نظر می رسد خوب باشد

به بهانه ی آغاز سی و پنجمین
جشنواره بین المللی تئاتر فجر



۱ - شروع سی و پنجمین جشنواره ی بین المللی تئاتر فجر هم زمان شد با حادثه غم بار و دلخراش ساختمان پلاسکو و از دست دادن آتش نشانان فداکار و جان باخته ی کشور عزیزمان ، از صمیم قلب برای سلامتی آتش نشانانی که هنوز خبر موثقی از وضعیت شان در دسترس نیست ، دعا و آرزوی سلامتی می کنیم و این حادثه دردناک را به مردم ایران تسلیت می گوئیم.

۲ - ما در **تئاتر فستیوال** در هر جشنواره تئاتری تمام تلاش خود را کرده ایم که در بیشترین حد ممکن جشنواره ها را پوشش خبری دهیم و در حد توان تمامی آثار جشنواره را بررسی کنیم و از قلم نیاندازیم . در سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر تا امروز که جشنواره هنوز آغاز به کار نکرده است ۱۰۴ خبر و مصاحبه در سایت قرار گرفته است و مرداد ماه ۱۳۹۵ اولین خبر در رابطه با سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر روی خروجی سایت قرار گرفته است . در روزهای جشنواره نیز شما مخاطبین عزیز و گرامی می توانید جدیدترین اخبار ، مصاحبه ها و نقدها و حاشیه های جشنواره را در **تئاتر فستیوال** دنبال کنید.

۳ - معتقدیم در هر زمینه ای اگر نقد نباشد ، آن موضوع به مرور پویایی خود را از دست می دهد و دچار رکودی می شود که بیرون آمدن از آن تقریبا غیرممکن خواهد بود . نقد می تواند پایه و اساس پویایی و به روز بودن هر فعالیتی باشد که در سایه آن رشد کند و به بالندگی برسد . جشنواره بین المللی تئاتر فجر نیز از این قاعده مستثنی نیست پس در ایام جشنواره تمام تلاشمان را می کنیم که با تیزبینی ، جشنواره ، حواشی آن و آثار موجود در جشنواره را به تیغ نقد بسپاریم تا به امید خدا هر سال جشنواره ای پویاتر و به روز تر داشته باشیم.

۴ - از تمامی رسانه های فعال و غیرفعال در حوزه تئاتر خواهشمندیم که در هر شرایطی که مطلبی اعم از عکس، گزارش ، مصاحبه و نقد و یادداشت از رسانه **تئاتر فستیوال** در رسانه های مجازی و غیرمجازی خود استفاده می کنند جانب امانت داری را رعایت کرده و با ذکر منبع، حقوق نویسنده و صاحب اثر را رعایت نمایند. و یا زحمتی به خود دهند ، خودشان دست به قلم و دوربین شوند و تولید داشته باشند که بی شک هر که نان بازوی خویش خورد !

۵ - چند سالی است که شعار " تئاتر برای همه " شعار اصلی و خط مشی جشنواره تئاتر فجر شده است . همگانی کردن تئاتر، جز با دخیل کردن مردم در جشنواره رخ نمی دهد و نمی توانیم به عنوان یک شعار هر ساله از کنار آن بگذریم و در نهایت جشنواره تئاتر فجر بازهم مختص تئاتری باشد و بس .

ما امسال در **تئاتر فستیوال** تصمیم گرفتیم با برگزاری مسابقه ی عکاسی با موبایل از جشنواره تئاتر فجر از مردم درخواست کنیم تا جشنواره و حواشی آن را از نگاه خود ثبت کنند ، چرا که بی شک نگاه تیزبین ، نقادانه و هنرمندانه ی مردم می تواند در بهتر دیده شدن و برگزار شدن جشنواره کمک شایانی کند .
در این راستا برای بهتر برگزار کردن این مسابقه و اهدای جوایز به برگزیدگان ، جوایزی را توسط حامی مالی مسابقه ی " تئاتر از نگاه همه " ، از محصولات **box bama** که هر یک به ارزش ۲۰۰ هزار تومان است در نظر گرفتیم . هدایایی به مناسبت روز عشق که بهترین هدیه برای چنین مناسبتی است . عشقی که اگر نباشد هیچ چیز معنا ندارد ، خواه عشق به فرد باشد ، خواه عشق به هدف ، خواه عشق به تئاتر و یا عشق به وطن که به قول نادر ابراهیمی ضرورت است ، نه حادثه!

۶ - به نظر می آید جشنواره ی خوبی در پیش خواهیم داشت .

نشست خبری سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر

نشست خبری سی و پنجمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر صبح امروز ، ۲۶ دی ماه با ارائه توضیحاتی از جانب سعید اسدی ، دبیر این دوره از جشنواره در سالن کنفرانس مجموعه تئاتر شهر برگزار شد.



به گزارش **تئاتر فستیوال** ، در نشست خبری این دوره از جشنواره که روز ۲۶ دی ماه با حضور اصحاب رسانه در سالن کنفرانس مجموعه تئاتر شهر برگزار شد، سعید اسدی دبیر و پیمان شریعتی دبیر اجرایی این دوره از جشنواره، بخش های مختلف این دوره از جشنواره تئاتر فجر را تشریح کردند.

در این نشست رسانه ای سعید اسدی با ارائه ی آماری از آثار بخش های گوناگون جشنواره گفت: به سیاق سال گذشته جشنواره امسال نیز از فصل پاییز و با برگزاری بخش های نمایشنامه نویسی و نمایشنامه خوانی، کارگاه های آموزشی، همایش هنرمندان استان ها و جشنواره های فجر استانی آغاز شد.

وی افزود: در این دوره از جشنواره ۱۳۰ نمایش اجرا دارند که از این میان ۱۱۱ نمایش داخلی و ۱۹ اثر از کشورهای دیگر هستند.

اسدی با اشاره به اجرای آثاری از کشورهای عراق، ترکیه، اسپانیا، لهستان، فرانسه، سوئیس، یونان و ... در این دوره از جشنواره افزود: ۷۹ نمایش در بخش صحنه ای و ۳۲۲ نمایش در بخش تئاتر محیطی و تعاملی اجرا می شوند.

به گفته دبیر جشنواره تئاتر فجر، از میان آثار داخلی، ۶۲ اثر از تهران و ۴۹ اثر از دیگر شهرها اجرا دارند ضمن اینکه میانگین سنی کارگردان های حاضر در جشنواره ۳۶ سال است. جوان ترین کارگردان حاضر در جشنواره ۲۱ سال و سمن ترین آنها ۷۱ سال سن دارند.

اسدی با ابراز خرسندی از افزایش حضور بانوان هنرمند در این دوره از جشنواره گفت: حتی در بخش محیطی هم حضور بانوان در قیاس با دوره های گذشته پررنگ تر است.

وی خاطر نشان کرد: خراسان رضوی با ۷ نمایش، بیشترین آثار را در این دوره از جشنواره دارند.

دبیر جشنواره تئاتر فجر با ارایه توضیحاتی درباره بخش بین الملل تاکید کرد: رویکرد ما در انتخاب آثار این بخش، معرفی شیوه های اجرای تئاتر است. علاوه بر آن تلاش کرده ایم کسانی را به عنوان مهمان دعوت کنیم که این امکان را بدهند تا تئاتر ایران در دیگر کشورها شناخته شود.



اسدی درباره بخش عکس گفت: در این بخش هزار و ۲۵ اثر رسید که در نهایت ۷۱ عکس برای حضور در نمایشگاه و چاپ در کتاب انتخاب شد.

همچنین پیمان شریعتی دبیر اجرایی این دوره از جشنواره از حضور یوجینیو باربا هنرمند سرشناس تئاتر جهان خبر داد و گفت: جشنواره امسال در بازه زمانی ۱۲ تا ۲۲۲ بهمن ماه نیز برگزار می شود و باربا در این مقطع در ایران خواهد بود و ۵۵ اجرا دارد و در کنار آن نیز مستر کلاس و کارگاه هایی برای وی پیش بینی شده است.

در بخش پرسش و پاسخ این نشست، سعید اسدی درباره تداخل نمایش های بین الملل جشنواره تئاتر با جشنواره فیلم فجر گفت: از آنجاکه مهمانان ما در بخش بین الملل، هنرمندان خارجی هستند، نمی توانستیم زمان حضور آنان را تغییر بدهیم چون آنها از مدتها قبل برای فعالیتهایشان برنامه ریزی می کنند بنابراین هرچند ممکن است سینما برای تعدادی از مخاطبان جذابتر باشد، اما شأن تئاتر فوق العاده است.

وی درباره اجرای آثاری درباره انقلاب اسلامی در جشنواره تصریح کرد: آثاری که در جشنواره تئاتر فجر اجرا می شوند، گفتمان های انقلاب همچون مخالفت با تروریزم، توجه به عدالت اجتماعی و ... را مورد توجه قرار می دهند. از سوی دیگر نگاه هنرمندان ما به جامعه سویه ای انتقادی و کاوشگرانه دارد که این موضوع نیز جزو گفتمان ها و اهداف انقلاب اسلامی است.

اسدی در بخش دیگری از این نشست درباره معیار انتخاب آثار بخش بین الملل گفت: انتخاب آثار خارجی در تئاتر بسیار دشوار است چون باید با فرهنگ ما تطابق داشته باشد. البته یکی از نمایش های بین المللی امسال کاملاً منطبق بر مسایل اجتماعی در غرب است.

او در ادامه از برخی بی عدالتی ها در عرصه بین الملل انتقاد کرد و توضیح داد: متأسفانه کشور آمریکا در صدور ویزا برای برخی از کسانی که به ایران سفر کرده اند، مشکل تراشی می کند و همین مساله ما را برای دعوت از مهمانان خارجی با مشکل روبرو می کند.

در بخش دیگری از این نشست پیمان شریعتی دبیر اجرایی جشنواره، این دوره از جشنواره را یکی از خاص ترین دوره ها به لحاظ حضور مهمانان خارجی و استانی دانست.

او با اشاره دشواری های برگزاری جشنواره تئاتر فجر خاطرنشان کرد: این جشنواره به لحاظ اجرایی یکی از سخت ترین جشنواره ها است زیرا هماهنگی برای صدور ویزا، ارسال دکور گروه ها و ... بسیار سخت است و این گونه نیست که در بخش بین الملل فقط کارهای مبتنی بر تکنیک انتخاب شده باشند، چراکه تلاش کرده ایم آثار این بخش از تنوع کافی برخوردار باشند.

پیمان شریعتی همچنین یادآور شد: همه آثار بخش مرور تئاتر ایران که در جشنواره تئاتر فجر حضور دارند پیش از این از سوی اداره کل هنرهای نمایشی مجوز اجرا گرفته بودند و هیچ مشکلی برای حضور آن ها در جشنواره نبود. اگر برخی آثار در جشنواره حضور ندارند به دلیل این است که برخی گروه ها به دلیل اینکه چند ماه پیش اجرای عمومی خود را سپری کرده بودند و دکور و بعضی بازیگران خود را در اختیار نداشتند.

وی درباره بودجه این دوره از جشنواره گفت: بودجه جشنواره به تناسب سال گذشته خیلی افزایش نداشته است. پیش بینی روی مبلغ ۴۴ میلیارد تومان است. کمک هزینه ها طبق فراخوان به گروه ها پرداخت می شود این مدیر هنری همچنین از همراهی بخش های مختلف شهرداری تهران در زمینه اطلاع رسانی و تبلیغات شهری جشنواره قدردانی کرد.



نقدی بر پوستر سی و پنجمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر

دیوارهایی که بدون پوستر باقی مانده اند

روز گذشته که یکی از بچه های تحریریه به ستاد برگزاری جشنواره رفته بود ، وقتی برگشت ۲-۳ عدد پوستر جشنواره را همراه داشت . ما نیز به رسم هر سال که پوستر جشنواره را به دیوار می زنیم تا در دوران جشنواره ، تحریریه حال و هوای جشنواره ای به خود بگیرد ؛ خواستیم تا این پوستر جدید را نیز به دیوار نصب کنیم...

اما...



از زمان رونمایی از پوستر سی و پنجمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر ، حرف و حدیث ها در مورد این پوستر بسیار بود . عده ای سریعاً این پوستر را نفی کرده ، کپی بودنش را اثبات کرده و سر و صدا به راه انداختند و به شیوه ی خودشان آن را نقد کردند ؛ البته چون در تعداد انگشت شمار بودند ، نه صدایشان به جایی رسید و نه در فرم نقادی توانستند کسی را و یا گروه و رسانه ای را با خود همراه کنند.

عده ی پر تعداد دیگری هم بودند که سریعاً فرمت png پوستر را دانلود کرده و عکسی تمام رخ از خودشان را با فتوشاپ به آن افزوده و همراه با هشتگ " من هم تئاتری ام " در صفحات شان در شبکه های اجتماعی منتشر کردند و اعلام حضور و وجود نمودند!

در این میان ما هم مانده بودیم حیران و البته کمی امیدوار.

حیران از اینکه در مراسم رسمی رونمایی از پوستر ، در واقع از یک پوستر رسمی رونمایی نشده بود . بلکه از یک طرح کمپین رونمایی شده بود ؛ کمپینی با عنوان " من هم تئاتری ام! "

جدا از این که این کمپین و اساساً این گونه کمپین ها و در حقیقت ، ذات کمپین ، چقدر - به ویژه در ایران زمین - کارآمد است و موجبات حرکت و پویای اجتماعی و فرهنگی را فراهم می کند ، ایده ی راه اندازی کمپین " من هم تئاتری ام " همراه با چنین طرحی به نظر ایده ی بدی نبود . اما این طرح نمی توانست و نباید که پوستر رسمی یک جشنواره بین المللی باشد ، جشنواره ای که بزرگترین رویداد تئاتری یک کشور محسوب می شود.

و امیدوار از آن جهت که شاید به عنوان پوستر اصلی جشنواره (برای نصب روی در و دیوار شهر و...) حداقل به جای عکس های افراد ناشناس ، از عکس های پیشکسوتان تئاتر استفاده شود و پوستر رسمی جشنواره با این روش ، معنا و رسمیت پیدا کند و مثلاً وقتی فلان گروه اروپایی در طول جشنواره از یک ایرانی بپرسد که عکس روی پوستر کیست ؟ او جواب ندهد که نمی دانم ! بلکه بگوید که این فلان استاد تئاتر است که فلان آثار را نوشته و کارگردانی کرده و چه و چه و چه.

سی و پنجمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر



همین طرح کلیشه ای و گل درشت استفاده از تصاویر پیشکسوتان می توانست به این به اصطلاح پوستر، هویت و رسمیت ببخشد و در کنار آن زمینه یک کمپین مردمی (در واقع به ظاهر مردمی) را فراهم کند.

چنانکه وقتی دوره قبلی جشنواره، پوستری خوب و قابل دفاع داشت و ما هم در موردش نوشتیم (مطلبی با عنوان **"پوستری که می گوید تئاتر برای همه"**) و از دلایل خوب بودن و اتفاقاً مردمی بودنش گفتیم.

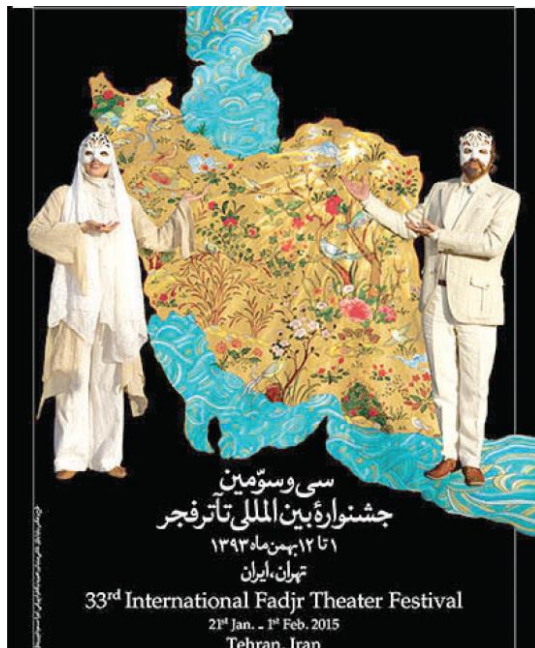


در حالی که پوستر دوره ی سی و پنجم نه تنها خوب نیست بلکه در شعارِ مردمی بودنش هم از پوستر دوره ی قبل گامی به عقب برداشته است.

...و امروز ما مانده ایم و ۳ عدد پوستر در ابعاد ۵۰ در ۷۰ با عکس هایی تمام رخ و چشمانی خیره به دوربین؛ که هیچ یک از اعضا تحریریه تمایلی ندارد که در طول ساعات طولانی کار در ایام جشنواره مدام با آن روبرو شود و از آن نقاب بالمسکه ای عجیب روی عکس ها بترسد.

و این طور شد که تا این لحظه پوستری از سی و پنجمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر روی دیوارهای تحریریه **تئاتر فستیوال** نصب نشده است و به همان جدول برنامه ی جشنواره اکتفا کرده ایم.

راستی به نظر شما، پوستر امسال تعدیل شده ی همان پوستر عجیب و غریب جشنواره ی سی و سوم نیست؟! پوستری خنده دار و عجیب که صدای عده ی زیادی را درآورد، چنانکه دبیر آن دوره، دکتر اردشیر صالح پور تغییر کردن پوستر را پذیرفت.



و شاید در این دوره مجریان و طراحان از ترس گرفتار شدن در مشکلی مشابه دوره سی و سوم، با افزودن عنوان "کمپین" جلوی نقدها و مخالفت های احتمالی را گرفته اند، البته شاید.

المیرا نداف - نویسنده میهمان

سی و سومین جشنواره بین المللی تئاتر فجر



تشریح جزئیات "کارگاه های تخصصی تئاتر کاربردی" سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر:

حسین رحیمی از اشتغال زایی در تئاتر کاربردی می گوید.

حسین رحیمی کارگردان عرصه تئاتر که سال ها با بازیگران معلولین پرتوان کار می کند ، در سی و پنجمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر به عنوان دبیر ستاد جشنواره فجر در تماشاخانه استاد مشایخی حضور دارد و کارگاه هایی تحت عنوان "کارگاه های تخصصی تئاتر کاربردی" از روز شنبه دوم بهمن تا روز پنجشنبه هفتم بهمن به مدیریت وی در تماشاخانه استاد مشایخی برگزار خواهد شد.

به این بهانه خبرنگار **تئاتر فستیوال** با او در رابطه با جزییات برگزاری این کارگاه ها و موضوعات آنها به گفتگو نشست:



حسین رحیمی دبیر "کارگاه های تخصصی تئاتر کاربردی" در بخش به علاوه فجر در ابتدا در رابطه با شکل گیری این کارگاه ها چنین توضیح داد: " حدود دو ماه پیش طی جلسه ای با آقای شاهین چگینی مدیر موسسه هنری مان - تماشاخانه استاد مشایخی ، من به ایشان پیشنهاد دادم که بر خلاف تماشاخانه های دیگر که فقط به دنبال اجرای صرف و پروپاگانداهای تبلیغاتی هستند ، ما یک کار اصولی انجام دهیم که در فجر کلید بخورد و در طول سال نیز ادامه پیدا کند . ما تصمیم گرفتیم چه در اجراهای این تماشاخانه و چه در کارگاه ها به سمت تئاترهای کاربردی برویم . آقای چگینی نیز لطف کردند و بنده را به عنوان دبیر ستاد جشنواره فجر در تماشاخانه استاد مشایخی معرفی کردند . سپس قرار شد ما در این برنامه به دنبال گروه هایی باشیم که با افراد خاص کار می کنند " .

رحیمی با معرفی گروه های راه یافته به این بخش گفت " : در این بخش چهار گروه حضور دارند ، یک گروه از کرمان با عنوان " گاوی که می خواست شیر باشد " حضور دارد ، این نمایش اثری در حوزه تئاتر کودک است که با بچه های کم توان جسمی - حرکتی اجرا می شود . کار دیگر به کارگردانی علیرضا دهقانی است به نام " حواست کجا بود؟ " که با جانبازان اعصاب کار شده است ، " افسانه ننه ماهی و چترهای سپید " به کارگردانی رسول حق شناس نمایش دیگری است که در این بخش با بازی بچه های معلول ذهنی حضور دارد و چهارمین اثر نیز ، نمایش " پزشک نازنین " به کارگردانی بنده است .

وی ضمن اشاره به مراسم اختتامیه نمایش های برگزار شده در تماشاخانه استاد مشایخی در بخش به علاوه تئاتر فجر ، بیان کرد " : در روز یازدهم بهمن مراسم اختتامیه ای با حضور گروه های شرکت کننده و

سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر



مخاطبان برگزار خواهد شد و از گروه ها تجلیل به عمل خواهد آمد . همچنین آثار برگزیده در بخش های بازیگری مرد ، بازیگری زن ، کارگردانی ، نویسندگی و اثر برتر معرفی خواهند شد . قابل ذکر است که برگزار کننده این مراسم در تمامی بخش ها اعم از مجری گری ، اجرای موسیقی و همچنین اهدای جوایز از بازیگران این اجراها خواهند بود."

این مدرس تئاتر کاربردی در کارگاه های آموزشی جشنواره تئاتر فجر در ارتباط با داوری این اجراها گفت : داوری به اقبال مردم و امتیازی که آنها می دهند ، بستگی دارد و اثر برتر بر اساس داوری های مردمی است ؛ ولی برای انتخاب بازیگر برتر ، ما همانند جشنواره های خارجی یک نفر داور داریم که شاید کسی او را نشناسد ؛ ولی در سالن حضور می یابد ، به تماشای هر چهار اجرا می نشیند و نظرش را اعلام می کند."

دبیر ستاد جشنواره فجر در تماشاخانه استاد مشایخی با بیان اینکه کارگاه های تخصصی در این تماشاخانه بیشتر بر تئاتر کاربردی تاکید دارد ، توضیح داد : هدف ما در این بخش چه در نمایش های این بخش و چه در کارگاه ها تنها اجرا و یا رقابت با سایر تماشاخانه ها نبوده ، بلکه بیشتر به دنبال این بوده ایم که کاری اساسی و اصولی ، فرای آنچه که در جشنواره فجر در حال رخ دادن است ؛ انجام دهیم . در کارگاه هایمان به سمت تئاتر کاربردی رفته ایم . تئاتر کاربردی شاخه های مختلف و ابعاد متفاوتی دارد که خیلی از دانشجویان تئاتر ما از آن غافل هستند . بحث اقتصادی و درآمدزایی مهمترین بخش تئاتر کاربردی است . حتی خیلی از دوستان تئاتری نمی دانند چنین قضیه ای وجود دارد و می تواند برای آن ها منبع درآمدی هم باشد . اشتغال زایی در تئاتر کاربردی یکی از مواردی است که در کارگاه های ما مطرح می شود."

وی در ادامه به معرفی مدرسان این کارگاه پرداخت و یادآور شد : پنج مدرس در این کارگاه حضور دارند . دکتر رحمت امینی ، با توجه به اینکه رساله ی دکترای ایشان راجع به تئاتر پداگوژیک بوده کارگاهی در رابطه با " تئاتر پداگوژیک و نقش آن در جهش و رشد سریع فکری کودکان و نوجوانان " ارائه خواهند داد.

دکتر امرائی که سال ها در بخش اعصاب و روان با این عزیزان کار تئاتر درمانی انجام داده اند کارگاه " سایکودرام و نقش آن در درمان اختلال روانی " را بر عهده خواهند داشت ، آقای علیرضا دهقانی نیز جزء کسانی هستند که با بچه های اعصاب و روان بیمارستان ثارالله کار کرده اند و کارگاهی تحت عنوان " تئاتر درمانی و تاثیر آن بر ویژگیهای روانی جانبازان اعصاب و روان " برگزار خواهند کرد.

دیگر مدرس این کارگاه آقای رسول حق شناس هستند که سال ها در حوزه تئاتر معلولین کار می کنند و بیشتر قرار است که تجربیات خود را در دو کارگاه " مانیفیست تئاتر درمانی کاربردی " و " مانیفیست تئاتر درمانی_ کاربردی قوانین، بایدها و نبایدها " به هنرجویان انتقال دهد و دو کارگاه " تئاتر کاربردی، انواع آن و نقش مؤثر آن در برطرف کردن معضلات جوامع شهروندی " و " اگر طلایی ... تئاتر درمانی نوین... ارتقا " را نیز بنده برگزار می کنم.

کارگاه تئاتر کاربردی به انواع مختلف تئاتر کاربردی و حوزه های مختلف آن می پردازد که فوق العاده می تواند برای دانشجویان جذاب باشد . مخصوصا دانشجویان تئاتر که می توانند به این حوزه ها به دید دیگری چون اشتغال زایی نگاه کنند و کارگاه تئاتر درمانی نیز مختص افراد کم توان ذهنی است که قرار است هفتم بهمن برگزار شود.



کارگردان نمایش “پزشک نازنین” که در حال آماده کردن کتابی در زمینه تئاتر درمانی مختص معلولین ذهنی است ، توان خواهان ذهنی را این گونه تعریف کرد : “توان خواهان ذهنی یعنی بچه هایی که معلول ذهنی هستند . در تئاتر درمانی استدلال خیلی مهم است . اینکه ما بتوانیم توسط استدلالی که به خود فرد می رسد ، بسیاری از بیماری ها و نواقص را رفع کنیم . اما چون در بچه های معلول ذهنی این استدلال وجود ندارد ، مجبور بودیم به گونه ای تئاتر درمانی را دراماتورژی کنیم و اسلوب و شیوه ی جدیدی را طراحی کنیم که مختص این بچه ها باشد و خدا را شکر می کنم که من به این اسلوب رسیدم و تایید آن را از سازمان آموز و پرورش استثنایی کشور گرفتم و در حال آماده کردن یک کتاب در زمینه تئاتر درمانی مختص بچه های ذهنی و تفاوت آن با سایر تئاتر درمانی ها هستیم”.



رحیمی در ادامه از افتتاح یک مرکز ملی تئاتر کاربردی در تهران خبر داد و گفت : “جامعه هدف ما در این کارگاه ها ؛ دانشجویان رشته های تئاتر ، روانشناسی ، مددکاری و کارشناسان آموزش و پرورش ، کارشناسان حوزه سلامت شهرداری ، دانشجویان هستند ، ما حتی از کارشناسان پلیس پیشگیری از جرائم نیز دعوت کرده ایم که با این حوزه آشنا شوند . به امید خدا قصدمان این است که بعد از برگزاری این کارگاه ها یا با همکاری تماشاخانه استاد مشایخی و یا با گروه تئاتر پاپیون یک مرکز ملی تئاتر کاربردی را به همت معاونت شهرداری تهران ، جناب دکتر عبداللهی در تهران افتتاح کنیم . آن مرکز علاوه بر داشتن یک پلاتوی تئاتری همانند تمام تماشاخانه های خصوصی که در آن تئاتر اجرا می شود ، پلاتوهایی برای تولید تئاتر کاربردی وجود دارد که کودکان بی سرپرست و بد سرپرست و حتی کودکان کار ، افراد بزه کار اجتماعی ، سالمندان ، بچه های معلول ذهنی ، اعصاب و روان و تمام کیس های (case) مختلف را در بر می گیرد . به امید خدا تیر یا مرداد ماه کلید خواهد خورد و بعد از آن کارهای اصلی این مرکز انجام خواهد شد”.

حسین رحیمی حضور در این کارگاه ها را برای افراد فعال در حوزه تئاتر رایگان اعلام کرد و گفت : “مهلت ثبت نام در این کارگاه ها تا روز جمعه اول بهمن ماه است و اولین کارگاه روز شنبه با عنوان کارگاه تئاتر کاربردی و انواع آن برگزار خواهد شد . افتتاحیه کارگاه ها با کارگاه بنده است .

همچنین از آقای چگینی ممنون هستم که قبول کردند دانشجویان و فارغ التحصیلان تئاتر و یا افراد فعال در حوزه تئاتر مانند خبرنگاران ، عکاسان و ... بتوانند به صورت رایگان از این کارگاه ها استفاده کنند . این اتفاق نوینی در جشنواره تئاتر فجر امسال است ، با آن که فقط ۶ کارگاه برگزار می شود و شاید خروجی آن چنانی نداشته باشد ؛ ولی قضیه این است که این اتفاق ، حرکت درستی است . ما فقط به دنبال اجرا و شو نیستیم بلکه به دنبال این هستیم که اتفاق مثبتی رخ دهد و بتواند ادامه پیدا کند” .



وی در ادامه با دعوت از افرادی که در حوزه تئاتر فعالیت دارند ، گفت " : از بچه های تئاتر ، کارشناسان ، فارغ التحصیلان تئاتر که تا به امروز در این زمینه کار نکرده اند ، درخواست می کنم که به این سمت بیایند و فقط به دنبال اجرایی سالن های اصلی جشنواره فجر نباشند.

ماهیت اصلی تئاتر از همان آغاز پیدایش ، برای اجتماع بوده است . در ابتدا تئاتر و اساسا هنر در خدمت درمان بود . در کشورها، فرهنگ ها و قبایل مختلف از نمایش و موسیقی برای درمان استفاده می کردند ، یعنی کسی که دچار مریضی روحی و روانی می شد ، به کمک کارهای نمایشی و موسیقی ، روح پلید بیماری را از وجود آن فرد بیرون می کشیدند . سپس بعدها تبدیل به تئاتر بورژوازی و یا تئاتر تماشاگر-بازیگر شده و از هم جدا شد و الان تبدیل به تئاتر برای تئاتر شده است . من بسیار دوست دارم که دانشجویان تئاتر به دیدن این حوزه بیایند ، این حوزه را کشف کنند . زیرا کارهای زیادی می توان کرد و بازار کار خیلی خوبی خواهد داشت . در حقیقت یک اقتصاد دو طرفه است . سازمان ها نیز می توانند به جای برنهای تبلیغی که هیچ تاثیر مثبتی ندارند ، از فارغ التحصیلان تئاتر که در این رشته کار می کنند ، استفاده کنند."

سرپرست گروه تئاتر پاپیون در پایان ضمن تشکر از شاهین چگینی ، مدیر تماشاخانه استاد مشایخی افزود

" :تماشاخانه های خصوصی با یکدیگر رقابت دارند ولی ایشان به دور از هر گونه رقابتی ، قبول کرد که این کار را انجام دهیم و می توان گفت روح بزرگی می خواهد که این کار علی الخصوص در جشنواره فجر با ریسکی بالا انجام شود . در حالی که تماشاخانه های دیگر بهترین آثار خوب سال گذشته خود را اجرا می کنند ، این تماشاخانه قرار است در جشنواره بین المللی تئاتر فجر برنامه دیگری داشته باشد ، یک شهامت در مدیریت می خواهد.

همچنین از آقای دکتر رحمت امینی رئیس شورای نظارت ، آقای مهدی شفیعی مدیر کل مرکز هنرهای نمایشی و آقای سعید اسدی دبیر سی و پنجمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر تشکر می کنم که اجازه دادند این اتفاق در جشنواره تئاتر فجر بیفتد و از ایشان خواهش می کنم که کارگاه های ما را ببینند و پیگیری کنند و با دیدن کارهای بچه از این حرکت حمایت شود تا در کشور ما این اتفاق بنیادین شود."



احمد سلیمانی: "راهبان معبد وانگ" مضمونی جهان شمول دارد.

نمایش "راهبان معبد وانگ" به کارگردانی احمد سلیمانی که پیش از این اجرای عموم خود را پشت سر گذاشته بود ، در سی و پنجمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر در بخش مسابقه بین الملل مرور تئاتر حضور دارد. به همین بهانه خبرنگار **تئاتر فستیوال** با احمد سلیمانی گفت و گویی ترتیب داده است که در ادامه می توانید آن را بخوانید:



احمد سلیمانی در رابطه با حضور نمایش "راهبان معبد وانگ" در جشنواره بین المللی تئاتر فجر گفت: "ما "راهبان معبد وانگ" را برای اجرای عموم آماده کرده بودیم و پس از آن برای شرکت در جشنواره تئاتر فجر درخواست دادیم. با توجه به تجربه ای که در اجرای نمایش بدون کلام داشتیم، همچنین با در نظر گرفتن موضوعی که مضمونی جهان شمول دارد به سراغ این نمایش رفتیم و خودمان را برای اجرا در جشنواره تئاتر فجر آماده کردیم تا بتوانیم در جشنواره های داخلی و یا خارجی شرکت کنیم."

وی با اشاره به اینکه اجرای جشنواره ای این نمایش نسبت به اجرای عموم آن تغییرات آنچنانی نداشته، در پاسخ به این سوال که چقدر به کسب جایزه در بخش مسابقه مرور تئاتر خوشبین هستید، گفت: "قصد ما از اجرای "راهبان معبد وانگ" این بود که در جشنواره تئاتر فجر حضور داشته باشیم و بیشتر به حضور در جشنواره فکر می کردیم تا اتفاقاتی اینچنینی، اگر در مسابقه برگزیده شویم خوشحال خواهیم شد ولی امیدوارم که بتوانیم حضور خوبی در این جشنواره داشته باشیم."

سلیمانی در خصوص انتخاب این نمایشنامه توضیح داد: "ما قرارمان این بود که این نمایش را با یک گروه دانمارکی به صورت مشترک تولید کنیم و یک اجرای مشترک داشته باشیم. انتخاب سوژه و روندی که برای به سرانجام رساندن نمایشنامه طی کردیم این بود که بیشتر با گروه مشترکمان در دانمارک همراه باشیم. چون آن ها هم در این اجرا دخیل بودند و بیشتر سعی کردیم موضوعی را انتخاب کنیم که دایره مخاطبانمان را از مخاطبان کشور خودمان فراتر ببریم."

کارگردان نمایش "راهبان معبد وانگ" استقبال مخاطبان از این اجرا را در نخستین روز جشنواره رضایت بخش بهترین شرایط برای ما باشد، اما ممکن است این اتفاق رخ ندهد زیرا یک ستاد، با درخواست های فراوان وجود دارد. اگر من بخواهم به برگزاری جشنواره انتقاد کنم و بگویم بعضی از اتفاقات باید قبل از برگزاری یا در طول برگزاری این رویداد رخ می داد، نتیجه ای نخواهد داشت زیرا من به عنوان کارگردان به مسئولین برگزاری جشنواره حق می دهم و می گویم در شلوغی کار ممکن است نتوانند خیلی از کارها را انجام دهند. ولی امیدوارم هستم که سی و پنجمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر به خوبی برگزار شود و فکر می کنم کیفیت آثار مهم ترین است."



اختصاصی تئاتر فستیوال از نمایشگاه پوستر سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر

۳۵ سال فجر بر دیوارهای تئاتر شهر



یادداشتی بر نمایش "همه دختران من" به کارگردانی جواد روستایی:

مخاطب شناسی، برگ برنده "همه دختران من"

نمایش "همه دختران من"، نمایشی اندیشه محور است که در سه اپیزود با استمداد از مؤلفه های فمینیستی سعی دارد مصائب زنان را در سه دوره تقریباً متوالی (مشروطه، پهلوی، انقلاب) به چالش بکشد و در همین راستا جستارهایی از خشونت، آزادی و حقوق نادیده زنان را در لایه ی سطحی متن عنوان کرده و با گره افکنی و متعاقباً گره گشایی هایی زود هنگام به نتیجه می رسد.



متن از لایه های زیرین قابل اعتنایی برخوردار نیست،

به همین خاطر مخاطب غیر جشنواره ای و به طور مشخص مخاطب عام راحت تر با متن ارتباط برقرار می کند، تمام اندیشه ی محوری متن در همان لایه اولیه اتفاق می افتد و سیر تحول شخصیت ها گاهی به قدری سهل الوصول هستند که در دام شعار می افتند (مخصوصاً در اپیزود سوم)، با این حال سیر این تحول در اپیزود سوم بر خلاف اپیزود اول و دوم منطقی تر است به همین خاطر می توان از کنار شعارهای گاه و بیگاه این اپیزود عبور کرد.

در اپیزود اول و دوم این سیر منطقی مشهود نیست و در اپیزود اول شخصیت مرد (هنگام قتل زن) و در اپیزود دوم شخصیت زن (هنگام بازگویی خاطرات کودکی) تغییر رفتارهایی کاملاً غیر منطقی دارند.

و اما در طراحی صحنه نمایش از عدم انسجام رنج می برد و رویه و تفکر مشخصی در آن به چشم نمی خورد و بیشتر نوعی آشفتگی در طراحی صحنه هویدا است و از یکپارچگی و وحدت در طراحی خبری نیست، این عدم سنخیت در طراحی صحنه به ویژه در اپیزود اول بیشتر نمایان است و دچار نوعی سهل انگاری و شلختگی شده است.

شاید بهتر بود کارگردان تمامی اپیزودها را در همان قاب های مختص به اپیزود دوم اجرا می کرد.

در بازیگری به هیچ عنوان نمی توان از کنار بازی خوب داود فضل الهی در اپیزود دوم و جواد روستایی در اپیزود سوم عبور کرد، بازی هایی روان و کم نقص که در هر زمانی قدرت نجات اجرا را داشتند و روحیات شخصیت را به خوبی برای مخاطب ملموس می کردند.

با توجه به توضیحات بالا می توان به ویژگی مخاطب شناسی کارگردان پی برد، اینکه کارگردان در ارتباط با مخاطب عملکردی نسبتاً خوب داشته، اما به خاطر دسترسی نداشتن به طراح صحنه ای خوب به ناچار به میزانشن هایی محدود اکتفا کرده و البته با همین بضاعت اندک خوش درخشیده، هرگز نباید فراموش کرد که داشته های این کارگردان در حوزه طراحی، در شهرستان، ناچیز بوده است.

اکبر نجفی - نویسنده میهمان

افتتاحیه نمایشگاه عکس و پوستر سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر



افتتاحیه نمایشگاه عکس سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر:

مهدی شفیعی: عکس و پوستر به دوام و بقای جشنواره کمک می کند.

سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر روز جمعه اول بهمن ماه با افتتاح نمایشگاه عکس و پوستر و هویت بصری و تقدیر از شهدای آتش نشان حادثه ساختمان پلاسکو کار خود را آغاز کرد.



به گزارش **تئاتر فستیوال**، روز جمعه اول بهمن ماه در ساعت ۴ بعدازظهر نمایشگاه آثار برگزیده مسابقه عکس، پوستر و هویت بصری سی و پنجمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر، با حضور مهدی شفیعی مدیر کل هنرهای نمایشی، مجید رجبی معمار مدیر عامل خانه هنرمندان و سعید اسدی دبیر سی و پنجمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر، مهدی افضلی رئیس موسسه توسعه هنرهای معاصر و جمعی از هنرمندان عکاس و گرافیست در گالری های «نامی» و «بهار» خانه هنرمندان ایران با تقدیر از شهدای آتش نشان حادثه ساختمان پلاسکو افتتاح شد.

در ابتدای این مراسم حضار مقابل یادبود شهدای آتش نشان با ذکر صلوات به جانبختگان حادثه ساختمان پلاسکو ادای احترام کردند.

مهدی شفیعی مدیر کل هنرهای نمایشی به عنوان نخستین سخنران، با اشاره به ضایعه تلخ ساختمان پلاسکو، گفت: همیشه هنرمندان نسبت به اتفاقات اجتماعی واکنش نشان می دهند. واقعه تلخ خیابان جمهوری طی دو روز گذشته، ما را بسیار دل نگران و سوگوار کرد.

شفیعی بیان اینکه سی و پنجمین دوره جشنواره تئاتر فجر از امروز به طور رسمی آغاز به کار می کند، گفت: خیلی خوشحال هستم که این جشنواره با بخش نمایشگاه عکس، پوستر و هویت بصری آغاز به کار می کند.

وی ادامه داد: بی تردید عکس و پوستر به دوام و بقای جشنواره کمک بزرگی می کند.

در ادامه سعید اسدی دبیر جشنواره سی و پنجم تئاتر فجر نیز بیان کرد: امروز ما سوگوار عزیزانی هستیم که با رشادت های شان یادآور ایثار و فداکاری شدند. تمام نمایش ها در تمامی سالن های اجرایی به احترام آتش نشانان فداکار به صحنه خواهند رفت و امیدواریم که افراد محبوس به سلامت از این حادثه خارج شوند.

در ادامه این مراسم سعید اسدی در رابطه با نمایشگاه عکس و پوستر و هویت بصری جشنواره تئاتر





فجر، گفت: این بخش جزو بخش‌های اصلی جشنواره است که امسال بار دیگر به بخش هویت بصری جشنواره نو است. این حرکت آغاز شده و امیدواریم از سال بعد تداوم بیشتری پیدا کند.

سیف‌اله صمدیان دیگر سخنران این مراسم و داور بخش عکس، از طرف داوران آثار انتخابی برای درگذشت آتش نشانان اظهار تاسف کرد و گفت: با گسترده‌ی نمایش‌های تئاتر به مرزهای رشد تئاتر می‌رسیم.

او ادامه داد: حتما باید تلاش کنیم آرشیو منظمی از تئاتر کشور داشته باشیم.

مجید رجبی معمار در پایان به عنوان آخرین سخنران این مراسم با اشاره به اینکه خانه هنرمندان خانه همه اصناف هنری است، گفت: خوشحال هستیم که توانستیم وظیفه خودمان را برای برگزاری جشنواره تئاتر فجر با برگزار کنندگان این رویداد هنری همکاری و به وظیفه خود عمل کنیم.

آیین افتتاحیه نمایشگاه عکس، پوستر و هویت بصری سی و پنجمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر با گرفتن عکس یادگاری حضار و مسئولین در کنار یکدیگر پایان یافت.

حاشیه های نخستین روز جشنواره تئاتر فجر:
 از یاد آتش نشانان قهرمان تا خودکشی با چاقوی میوه خوری

نخستین روز سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر سراسر مملو از یاد و خاطره ی آتش نشان های دلیری بود که در حادثه ی دلخراش ساختمان پلاسکو دل به آتش زدند.



به گزارش **تئاتر فستیوال** ، در نخستین روز سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر ، نمایش های بخش های مختلف جشنواره (بخش صحنه ای ، خیابانی و به علاوه فجر) به همدردی با آتش نشان های از جان گذشته ی حادثه ی دلخراش ساختمان پلاسکو پرداختند.

نمایش های بخش خیابانی که در واقع آغازگر سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر بودند ، با نمایش "کوچ" به نویسندگی و کارگردانی بهنام کاوه از آبادان که در محوطه خانه ی هنرمندان اجرا شد ، کار خود را شروع کردند.

بهنام کاوه پیش از آغاز اجرای نمایش خود خطاب به تماشاگران گفت : قبل از انقلاب تجربه ی سینما رکس آبادان را داشته ایم که خیلی غم انگیز بود و امروز از شما خواهش می کنم به خاطر حادثه ی ساختمان پلاسکو یک دقیقه سکوت کنید.

سپس بهنام کاوه از مردم خواست که برای همدردی با بازماندگان این حادثه دلخراش دور حوض خانه هنرمندان با گچ هر چیزی که می خواهند بنویسند یا اینکه نقاشی کنند.

امیر آتشی بازیگر تئاتر ، سینما و تلویزیون از جمله هنرمندانی بود که به تماشای نمایش "کوچ" نشست.

در مجموعه تئاتر شهر نیز نمایش های خیابانی با یادی از آتش نشان های حادثه ی ساختمان پلاسکو اجرا شدند.

پیش از اجرای نمایش "مونگ بهیتی" به کارگردانی غنچه شکوهیان و محسن اردشیر که کاری از شهرستان آمل بود ، نماینده گروه ضمن تسلیت حادثه ی ساختمان پلاسکو ، اعلام کرد با توجه به اینکه بخش هایی از این نمایش شامل رقص و موسیقی محلی مازندران می باشد ، برای احترام و همدردی با از دست رفتگان این فاجعه این قسمت ها اجرا نخواهند شد . و از حاضران خواست که برای این عزیزان صلواتی ختم کنند.



- پس از اجرای نمایش خیابانی "روایت پیچیده یک کلنگ زنی ساده" به نویسندگی و کارگردانی مهسا افتحی از تفرش، میثم سرآبادانی بازیگر کار از تماشاچیان تقاضا کرد که به احترام درگذشتگان در حادثه دلخراش ساختمان پلاسکو یک دقیقه سکوت کنند.
- نمایش خیابانی "ارت" به نویسندگی و کارگردانی علی محمد رادمش نیز پیش از اجرا به جان باختگان حادثه ساختمان پلاسکو ادای احترام کرد و با ذکر این نکته که هر سال با گروه خود با نمایشی کمدی در جشنواره تئاتر فجر حضور دارد، گفت: امروز به خاطر این حادثه بخش های کمدی را کم می کنیم و روز ۶ بهمن با یک نمایش کمدی در خدمت شما هستیم.
- امروز افتتاحیه نمایشگاه پوستر و عکس سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر نیز با حضور مسئولین و هنرمندان حوزه ی تئاتر در تالار بهار و تابستان خانه هنرمندان برگزار شد؛ که برای همدری با آتش نشان های حادثه ی دلخراش ساختمان پلاسکو، در ورودی تالار بهار یک لباس آتش نشانی قرار داده بودند و همچنین پوستر جشنواره را نیز با عکس یک آتش نشان در آن قسمت گذاشته بود.
- از مسئولین و هنرمندانی که در افتتاحیه نمایشگاه عکس و پوستر سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر حضور داشتند می توان به مهدی شفیعی مدیر کل اداره هنرهای نمایشی، سعید اسدی دبیر سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر، مجید رجبی معمار، اتابک نادری، ارمان بهداروند، سامان خلیلیان، رحمت امینی، رضا معطریان، سیامک زمردی مطلق، سیف الله صمدیان و ... نام برد.
- در روز افتتاحیه نمایشگاه عکس و پوستر سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر در تالار بهار و تابستان خانه هنرمندان، در طبقه همکف این مجموعه نیز یک نمایشگاه هنرهای تجسمی افتتاح شد که باعث تجمع علاقمندان و هنرمندان بسیاری در خانه هنرمندان شد.
- در آغاز اجرای نمایش "بازگشت در چهارشنبه آخر سال" به نویسندگی و کارگردانی رئوف دشتی از مشهد تماشاگران برای ادای احترام به آتش نشانان از دست رفته یک دقیقه سکوت کردند.
- مهدی شفیعی مدیر کل هنرهای نمایشی در نخستین روز جشنواره به تماشای این نشست.
- در نمایش "همه دختران من" به کارگردانی جواد روستایی اعلام شد که عوامل نمایش پیش از اجرا به ایستگاه آتش نشانی رفته اند و برای احترام به آتش نشانان از دست رفته در آنجا گل گذاشته و پس از اجرا نیز به یاد آن ها از تماشاگران خواستند که ۱۰ ثانیه آن ها را تشویق کنند.
- از هنرمندانی که به تماشای این نمایش نشستند می توان به لوریس چکناواریان، جواد انصافی، شهرام کرمی، عزت الله رضانی فر اشاره کرد.
- یکی از نکات جالب توجه این نمایش طراحی بروشور متفاوت و غیرعادی آن بود. طراحی بروشور به صورتی بود که یک چاقوی میوه خوری از بروشور آویزان بود.



- لوریس چکناواریان پس از دیدن بروشور، به شوخی خطاب به عوامل نمایش گفت: "یعنی نمایش تان آنقدر بد است که قرار است خودمان را بکشیم".
- همچنین از میان تماشاچیان نمایش، زوجی بودند که به شوخی به یکدیگر می گفتند کاش ۶ نفر بودیم تا یک دست کامل چاقو به خانه می بردیم



- پیش از شروع نمایش "حادثه در ویشی" به کارگردانی منیژه محامدی یکی از بازیگران نمایش در لابی تماشاخانه ایرانشهر برای صدور مجوز ورود به سالن ، کف دست تماشاگران را مهر می زد . مهری که نام نمایش بود.
- رضا صابری و منوچهر اکبرلو از جمله هنرمندانی بودند که به تماشاش این نمایش نشستند.
- و اما در تماشاخانه خصوصی مشایخی اجرای نمایش " پزشک نازنین " به کارگردانی حسین رحیمی که با هنرمندی بازیگران معلول پرتوان به روی صحنه رفت ، با استقبال بسیاری از سوی مخاطبان روبرو شد.
- پیش از آغاز نمایش حسین رحیمی این با یادی از مرحوم آیت الله هاشمی رفسنجانی و زنده یاد رکن الدین خسروی ، با اشاره به حادثه ی پلاسکو گفت : امیدوارم از این اتفاقات بد برای مملکت و مردمان ما پیش نیاید.
- او ادامه داد : جدی نگرفتن مسائل ایمنی چه راحت جان عده ای از آتش نشانان ما را گرفت . این اتفاق مصداق این حکایت است که به خاطر میخی نعلی افتاد ، به خاطر نعلی اسبی افتاد ، به خاطر اسبی سواری افتاد و به خاطر سواری جنگی شکست خورد و به خاطر شکستی مملکتی شکست خورد و همه ی این ها به خاطر شخصی بود که میخ را خوب نکوبید.
- در زمان اجرای نمایش " گنبدگاه " به کارگردانی هرش آرمند که در تماشاخانه دا به روی صحنه رفت ، عوامل نمایش ترانه هایی را که قرار بود در حین اجرا خوانده شود را بر روی کاغذهایی پرینت گرفته بودند و در اختیار تماشاگران قرار دادند تا آن ها در حین اجرا همراهی کنند.
- از هنرمندانی که به تماشای این نمایش نشستند می توان به مصطفی محمودی مدیر بخش به علاوه تئاتر فجر ، مصطفی ملکیان نویسنده و فیلسوف ، علی بیانی نگارگر و موسیقیدان و علیرضا حنیفی نمایشنامه نویس نام برد.



گزارش تصویری نمایش خیابانی " مونگ بهیتی " / ماه گرفتگی بر فراز شهر آمل



بهنام کاوه: همه شهرهای آلوده، مخاطب نمایش "کوچ" هستند.

نمایش "کوچ" به نویسندگی و کارگردانی بهنام کاوه و از آبادان در سی و پنجمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر در بخش اجرای نمایش های محیطی، آلترناتیو، تعاملی و دیگر گونه های تئاتر بیرونی حضور دارد. این نمایش در نخستین روز جشنواره تئاتر فجر در محوطه مجموعه تئاتر شهر و خانه هنرمندان اجرا شد. خبرنگار تئاتر فستیوال به بهانه ی این اجرا، با این کارگردان گفت و گویی داشته که ماحصل آن را در ادامه می توانید بخوانید



بهنام کاوه که در سال گذشته نیز با نمایش "موضوع انشا: تابستان جنگ کجا بودید؟" در بخش خیابانی جشنواره تئاتر فجر حضور داشت، در رابطه با سوژه نمایش "کوچ" چنین توضیح داد: "این نمایش در رابطه با جنگ زدگی است، سوژه ای به روز دارد که مربوط به سال ها قبل نیست. بلکه زندگی آدم هایی است که در اصابت جنگ قرار می گیرند و مجبور به کوچ می شوند و اتفاقات ناخوشایندی را تجربه می کنند. چرا که جنگ همیشه اتفاقات ناخوشایندی را به همراه دارد. من به این خاطر چنین سوژه ای را انتخاب کرده ام که کمتر کسی به جنگ زدگی و آدم هایی که در مناطق جنگ زده زندگی می کنند، می پردازد".

کاوه در پاسخ به این سوال که به روز کردن سوژه جنگ چقدر می تواند در جذب مخاطب تاثیرگذار باشد، گفت: "غالباً در حوزه جنگ و دفاع مقدس موضوعات به تکرار می رسند ما باید در کارهایمان مسائل روز را با تکنیک های مختلف ترکیب کنیم تا تاثیر بیشتری بر مخاطب بگذارد. در این نمایش نیز سعی کرده ام با دخیل کردن مخاطب در اجرای موسیقی و اجرای بخش هایی از نمایش به نوعی مخاطب را درگیر کار کنم. همچنین دوست داشتم به یک موقعیت جدید برسم، امیدوارم نتیجه آن به دل مخاطب نشسته باشد".

کارگردان نمایش "موضوع انشا: تابستان جنگ کجا بودید؟" با بیان این که استفاده از خاک در این نمایش نمادی از خاک آبادان است و اضافه کردن بخشی که مربوط به مشکلات آلودگی هوای این روزهای استان های جنوبی است بیان کرد: "در انتهای نمایش ما خاک را به کار اضافه کردیم که نمادی از خاک آبادان است ولی در حقیقت چه تفاوتی می کند که این خاک آبادان باشد؟! این خاک متعلق به همه جای ایران است و هر شهری که این روزها مشکلات آلودگی و آلاینده می تواند مخاطب این نمایش باشد و تحت تاثیر قرار بگیرد. من سعی کرده ام این مسئله را با قصه اصلی تلفیق کنم و حرف دل همه باشد. تا مردم به آن چیزی که دوست دارند، برسند".

کارگردان نمایش خیابانی "کوچ" در پایان ضمن خسته نباشید به مسئولین برگزاری جشنواره، در خصوص رضایت از اجرای این نمایش اذعان داشت: "من توقع داشتم تاثیر این نمایش را بعد از اجرا بر مخاطب ببینم و این بازخورد را داشته باشم که مخاطبان نمایش به من بگویند که موضوعات مطرح شده در این اثر را ما نیز تجربه



جواد روستایی : اصلی ترین رسالت تئاتر انسان سازی است

نمایش "همه دختران من" به نویسندگی جواد روستایی و محمد قاسمی و کارگردانی جواد روستایی از ساوه در دو نوبت ۱۷ و ۱۹ در تالار سایه به روی صحنه رفت . به بهانه اجرای این نمایش خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفتگوی کوتاه و خواندنی با جواد روستایی انجام داده است که می توانید در ادامه بخوانید.



جواد روستایی درباره نحوه حضور نمایش "همه دختران من" در سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر به خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفت: "ما برای اجرای این نمایش ، حدود پنج ماه تمرین داشتیم و در جشنواره استانی تئاتر فجر در استان مرکزی شرکت کرده ایم . تمامی عوامل این نمایش جوایز اول و دوم را در زمینه ی خودشان دریافت کردند و رکورد دریافت بیشترین تعداد جایزه را این نمایش در جشنواره شکست . و سپس به بخش مسابقه ی مرور تئاتر فجر راه پیدا کردیم . امروز در اولین روز جشنواره تئاتر فجر دو بار به روی صحنه رفتیم که در اجرای اول این نمایش داوری مورد داوری قرار گرفت."

وی در رابطه با تغییرات صورت گرفته نسبت به اجراهای قبلی این نمایش اذعان داشت : طبیعتاً وقتی قرار است نمایشی در مرحله ای بالاتر حضور پیدا کند ، نیازمند این است که تغییراتی در آن ایجاد شود . ترکیب بازیگران در این اجرا تغییری نکرده اما در بحث کارگردانی و نوع نوشتار تغییراتی ایجاد شده است."

کارگردان نمایش برگزیده تئاتر استانی درباره ی ایده ی شکل گیری این نمایشنامه توضیح داد : "ایده ی شکل گیری نوشتن این متن ، از یک داستان در صفحه حوادث روزنامه شروع شد که در آن زنی توسط یک راننده ی مسافرکش نما ربوده شده و به قتل می رسد . همین بهانه ای شد تا نقبی تاریخی به مشکلات زنان در طول تاریخ بزنیم و در پی پاسخ به این سوال برآییم که چرا زنان جامعه ما به خاطر باورها و سنت های غلط دچار مشکل شده اند . سپس با دوست خوبم جناب آقای قاسمی که نویسنده ی بسیار خوبی هستند ، مشورت کردم و نمایش در چهار اپیزود نوشته شد . ایشان اپیزود اول را که در دوره ی قاجار می گذرد را نوشتند . هم چنین در اپیزود چهارم این نمایش ، زنانی را می بینید که در عشق و وفاداری در همه ی دنیا شهره هستند اما به خاطر نوع رفتارهای غلط مردان در سال ۹۵ تبدیل به عروسک هایی شده اند که دچار عشق های خیابانی هستند . روستایی با بیان اینکه کار اصلی اش کارگردانی تلویزیونی است در رابطه با طراحی صحنه نمایش گفت

"کار اصلی من کارگردانی تلویزیون است ، به همین دلیل سعی کردم تلفیقی بین دکوپاژ تلویزیونی و میزانشن تئاتری داشته باشم . اپیزود اول فضای بازی است که تقریباً یک نمای لانگ شات است . اپیزود دوم یک نمای مدیوم ، اپیزود سوم ؛ کلوزآپ و اپیزود چهارم اینسرت است به همان صورتی که در تاریخ به زمان حال نزدیک می شویم این قاب بسته تر می شود . این روند تا جایی ادامه دارد که در سال ۹۵ ما فقط پاها را داریم . در واقع این نمایش

سی و پنجمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر



بین سبک ایستا و دکوپاژ تلویزیونی است و فکر می کنم به نتیجه ای که میخواستیم رسیده ام . و این کار را به نام خودم سند بزیم که من آن را اختراع کرده ام."

کارگردان نمایش " همه دختران من " با ابراز نارضایتی به حضور داوران در اجرای اول خود اظهار داشت : اولین اجرای ما در این سالن حکم اجرای جنرال را داشت در صورتی که قطعاً باید اجرای دوم مان را در حضور داورها به روی صحنه می بردیم . ولی کاری از دستمان بر نمی آید و این از بدشانسی ما در جشنواره بود . جشنواره ای که با ما شروع شد و اولین داوری برای کار ما صورت گرفت . و البته بدشانسی های دیگری که همیشه دامن گیر تئاتر شهرستان است و کاری هم نمی شود کرد."

جواد روستایی در پاسخ به این سوال که چقدر در بخش مسابقه شانس این نمایش را بالا می دانید با طنازی پاسخ داد : " ما در حال حاضر با بچه های نمایش مشغول برنامه ریزی این هستیم که برای مراسم اختتامیه که قرار است دریافت جایزه به روی صحنه برویم چه بپوشیم . (با شوخی) . ولی جدای از شوخی این قضیه برایمان مهم نیست . مهم این است که با افتخار به جشنواره فجر آمده ایم و جزو دوازده نمایش برگزیده بوده ایم که قبل از جشنواره تئاتر فجر از بین شصت و هشت اثر نمایشی انتخاب شده است و در بین بزرگان عرصه تئاتر قرار گرفته ایم ، در حالی که بسیاری از بزرگان در بخش مرور حذف شده اند . آمدن به جشنواره فجر برای ما جایزه است ، حال اینکه در یک مراسمی به اسم اختتامیه بالا برویم و لوح تقدیر بگیریم ، زیبا است اما ایده آل ما برای تئاتر نیست . ایده آل ما این است که از بعد از جشنواره کارمان را آغاز کنیم تا سال بعد با قدرت بیشتری به جشنواره تئاتر فجر بیاییم و آن را تجربه کنیم."

وی در پایان با ابراز همدردی با حادثه غم انگیز ریزش ساختمان پلاسکو گفت : " ما امروز قبل از اجرا به همراه گروه مان هر کدام با شاخه گلی به کنار مرکز آتش نشانی رفتیم که درهائش هم بسته بود و چند نفر از هم شهری های خوبمان هم آمده بودند و شاخه گل گذاشته بودند . وقتی در مسیر می آمدم به این فکر می کردم که ای کاش رسالت تئاتر فقط اجرای روی صحنه ها نبود . کاش اصلی ترین رسالتش را که انسان سازی است و ما می توانستیم کارمان را به گونه ای روی صحنه بیاوریم که اصلی ترین رسالتش را انجام دهیم . من با این نمایش سعی کردم قدمی در این راستا بردارم . امیدوارم که موفق شوم تا چه پیش آید."

گزارش تصویری نمایش خیابانی "روایت پیچیده یک کلنگ زنی ساده"



سیف الله صمدیان: در انقلاب دیجیتال، فرم بر محتوا غلبه دارد

آیین گشایش نمایشگاه آثار برگزیده مسابقه عکس، پوستر و هویت بصری سی و پنجمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر در نخستین روز جشنواره تئاتر فجر افتتاح شد. به بهانه ی افتتاح این نمایشگاه خبرنگار **تئاتر فستیوال** در رابطه با کیفیت آثار ارائه شده در این دوره از جشنواره و داوری آثار گفت و گویی با سیف الله صمدیان داور آثار انتخابی در بخش "عکس" ترتیب داده است که ماحصل آن را در ادامه می‌توانید بخوانید:



سیف الله صمدیان درباره ی کیفیت آثار این دوره از جشنواره، نسبت به دوره های قبلی جشنواره گفت: "انقلاب دیجیتال، کیفیت تکنیکی آثار را بالا برده است، در این سال ها که من در جریان عکس های تئاتر بوده ام، خوشبختانه توفیقی در ذهنیت و نگاه بچه ها ایجاد شده و کیفیت آثار بالا رفته است. معمولا شتابزدگی اتفاقات سریع مثل انقلاب دیجیتال ایجاد می کند. این است که فرم معمولا بر محتوا غلبه دارد و پیشی می گیرد. خوشبختانه الان با جا افتادن این امکانات در دست بچه ها در ذهنشان هم آرامشی ایجاد شده است که با یک نگاه خلاقانه ای به تصاویری که می توانند از صحنه های تئاتر تولید کنند فکر کنند.

وی در رابطه با اهمیت انقلاب دیجیتال و مقایسه ی آن با عکاسی آنالوگ گفت: "دیجیتال، امکاناتی را به وجود آورده است که در آن دوران برای ما آرزو بود که به یک دهم این امکانات برسیم. مثلا امکان نورگیری در عکاسی را بیشتر کرده است، امکان حرکت با سرعت های بالا را بیشتر کرده است، تفکیک رنگ ها در دوربینها خیلی بیشتر شده است. آنالوگ دنیای خودش را داشت ولی الان رسیدن به امکانات دوربین و ثبت طبیعی روی صحنه خیلی واقعی تر شده است نسبت به آن دوران که ما با مشکلات عدیده و با سرعت های پایین فیلم ها و کیفیت هایی که احتمالا در تاریکخانه ها به دست مسئولین تاریک خانه خراب می شد رو به رو بودیم و نهایت عکاس دستش از همه جا کوتاه بود.

داور بخش عکس سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر افزود: "نمی شود به جنگ انقلاب دیجیتال رفت. چون هر چیزی درست استفاده کنیم، امکانات می دهد و خوب است. می خواهیم بگویم امکانات دوران دیجیتال غیرقابل انکار است و بسیار ویژگی هایی دارد که هنوز به آن نرسیدیم. چون همانگونه که در عالم سینما و عکاسی هنوز به خیلی از داشته های این دو مدیوم نرسیدیم. مثل کامپیوتر که اوایل وارد ایران شد و عده ای فقط یک دهم امکاناتی را که الان می شود استفاده کرد را استفاده می کردند. الان هم مطمئن باشید که باز یک دهم و یا کمتر از یک دهم به امکانات دیجیتال و اینترنت و دنیای مجازی پی می بریم و از آن بهره مند می شویم. چون ذهنمان و تجربه مان باید با آن درست کنار بیاید."

وی در ادامه درباره نحوه ی داوری و انتخاب آثار گفت " : اگر تجربه ی شخصی خودم را بگویم که بیش از سی و پنج سال گرفتار این مشکل بودم ، چرا که واقعا مشکل ترین کار جانبی هنر ، داوری آن است و حتی خطرناک است و از یک جهت آزاردهنده هم هست که به خودت اجازه بدهی از طرف خودت و نگاهی که با خودت از گذشته ها آورده ای ، تصمیم بگیری . ولی متاسفانه یا خوشبختانه ما را به عنوان افرادی که تجربه دیدن و داوری مان بیشتر بوده است انتخاب می کنند که اشتباهات کار را کم کنند . چرا که ما برای ورود به بحث احتیاج به بحث زیادی با دیگر داوران نداریم . معمولا می دانیم که کار خوب ویژگی هایی دارد که باید چراغش در ذهن و دل ما روشن شود و ما بگوئیم بله . این ویژگی ها را نه می شود نوشت و نه می شود یاد داد و نه می شود آموزش دید . مثلا شما وقتی از یک موسیقی خوشتان می آید امکان ندارد بتوانید بگوئید چرا آن موسیقی خوب است . این عوالم غلطی است که دوروبر عکاسی و کلا داوری عکاسی ایجاد کرده اند که به چه چیز عکس می گوید بله ، مسلما معلوم است که از نظر تکنیکی باید درست باشد ، ورود به حیطه ی موضوعی که انتخاب کرده است باید درست باشد ، حسی را اگر بتواند به کل صحنه اضافه بکند با زاویه ای که انتخاب کرده و اندازه کادری که انتخاب کرده است . اما هیچ وقت قانون نوشته شده و امضا شده ای نداریم که به آن اقتدا کنیم . هر کسی از تجربه و ذهن خودش و همچنین اگر دستی هم در آن هنر داشته باشد به آن هم طبیعتا رجوع می کند " .

وی در نهایت در رابطه با داوری آثار این دوره از جشنواره اضافه کرد " : اصولا سعی کردیم برخوردهای خلاقانه با یک تئاتر برایمان مدنظر باشد . چون یک تئاتر ظاهرش این است که اتفاقی جلوی چشم همه می افتد ، و اگر صد عکاس هم بگذاری برای همه یکسان است . اما در همین صد عکاس باور بفرمائید بعضی مواقع صد برخورد و صد زاویه و اندازه کادر می بینید و حتی لحظه ای که شکار شده است فرق می کند . برای همین خیلی باید همه چیز را درست مدنظر قرار داد " .



یادداشتی بر نمایش "گنبدگاه" به کارگردانی هرش آرمند:

"گنبدگاه" ی، بدون چارچوب و میزانش

پیش از اجرای نمایش "گنبدگاه" به تماشاچیان اعلام می شود می توانند در هر کجای سالن که دوست دارند بنشینند ، بایستند و یا در حین اجرا جای خود را تغییر دهند و میزانشن نمایش به گونه ای طراحی شده که بازیگران برای اجرا به مشکل نخواهند خورد . ولی آنچه عملاً به روی صحنه می رود خلاف انتظار کارگردان است و این ایده حداقل در این نمایش که می توانست در شرایط دیگری یا در نمایشی دیگر به ایده ای خلاقانه و جذاب تبدیل



شود موجب سردرگمی مخاطب است . چرا که به خاطر نوع خاص طراحی سالن "دا" با وجود ستون های میانی ، باعث از دست رفتن بخشی از اجرا در صورت انتخاب جای ثابتی از جانب تماشاگران خواهد شد . در واقع از آن جهت که در طراحی چنین میزانشی در این نمایش ، موقعیت و نقش تماشاگر نامشخص و تعریف نشده است و از سوی دیگر فضا سازی خاصی به عنوان تعریف فضا در قسمت های مختلف سالن صورت نگرفته و یا جهت دهی خاصی برای تماشاگر تعیین نشده که بخواهد نمایش را به صورت کامل ببیند و ارتباط حسی اش با کار قطع نشود و در نهایت در حین اجرا نوعی شلختگی در سالن به چشم می آید که نه توجیه میزانشی دارد و نه در خدمت قصه است . در قسمت هایی از کار هم میزانشن بازیگران به نحوی است که جهت و سمت شان پشت به تعدادی از تماشاگران می شود در حالی که با توجه به روند قصه در نمایش این مسئله خارج از کارگردانی و در راستای اجرای درست نمایش نیست .

جا به جایی مدام بازیگران بین دو طرف ستون های سالن در حالی که فضا ها و این تغییر و جابه جایی ها برای مخاطب تعریف نمی شود ، آن هم در نمایشی که قصه ی آن بدون دیالوگ و صرفاً با حرکات فرمی پیش می رود ، فقط ارتباط حسی مخاطب را از بین می برد . حتی در بخش هایی از کار که کارگردان اکت های طنزآلوده ای را جهت خنداندن مخاطب طراحی کرده است ، به دلایلی که گفته شد از نگاه برخی از تماشاگران دور می ماند و در نهایت ، نتیجه و بازخوردی که مد نظر اوست از سوی تماشاچی دریافت نمی کند . بنابراین با شرایط موجود ، ایده پراکنده نشستن تماشاگران ، الکن و باعث ضربه زدن به کار شده است .

همچنین همخوانی تماشاگران در اجرای قطعات نوستالژیک و قدیمی در بین برخی از صحنه های نمایش ، اگرچه فضای شاد و خاطره انگیزی را برای آنها فراهم کرده ، اما نمی تواند پیوند خوبی بین صحنه ها را ایجاد کند .

نمایش در آغاز با یک آیین سنتی ترکمنی با طراحی لباس سنتی متعلق به این قوم آغاز می شود و در همان ابتدا

میزانسن نمایش



جذابیت لازم را برای جذب مخاطب ایجاد می کند . (بهتر بود در حین اجرای این آیین از موسیقی اصیل ترکمنی هم استفاده می شد) اما در ادامه ناگهان قصه به زمان قاجار پرت شده و به نوعی نسبت به بخش اول دو پاره می شود . در قسمت قاجار ، قصه ی جوان روشنفکر مآبی را روایت می کند که عاشق یک دختر قاجاری می شود و برادر لوتی دختر ، مخالف این عشق و عاشقی است . و در قسمت پایانی نمایش بدون هیچ المانی در طول روایت قصه ، مشخص می شود این دختر از قوم ترکمن است و به این ترتیب به اجرای آیینی ابتدای نمایش ربط داده می شود . این مسئله ادا چفت و بست لازم را در کلیت نمایش ایجاد نکرده است . مثلاً شاید از همان لباس سنتی ترکمنی برای پوشش دختر جوان استفاده می شد . یا به عنوان مثال مشخص می شد که این خانواده ترکمن هم به تهران کوچ کرده اند و این دختر و پسر با یکدیگر آشنا شدند . یا در حین نمایش به واسطه تفاوت موسیقی دو خانواده از هم شناسانده می شدند . به طور کلی می توان گفت که ویژگی پرسوناژها و ارتباط بین شان به درستی انتخاب نشده بود .

علی رغم ضعف هایی که در شخصیت پردازی پرسوناژها گفته شد . بازیگران نمایش “گنبدگاه” توانسته بودند به خوبی از عهده نقش های تیپیکال خود برآیند و با مخاطب ارتباط برقرار کنند و بازی اگرچه ای که لازمه ی این نمایش بود را ایفا کنند . هرش آرمند هم به عنوان کارگردان این کار به هماهنگی خوبی بین بازیگران رسیده بود .

آرزو شفق – دپارتمان نقد تئاتر فستیوال



هرش آرمند: می‌خواهیم از فرهنگ خودمان وارد هنرهای معاصر شویم

نمایش "گنبدگاه" به نویسندگی و کارگردانی هرش آرمند در بخش به علاوه فجر در خانه نمایش دا به روی صحنه رفت. به بهانه اجرای این نمایش در اولین روز جشنواره بین المللی تئاتر فجر خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفتگویی با هرش آرمند انجام داده است که می‌توانید در ادامه بخوانید.



هرش آرمند در رابطه با شکل‌گیری ایده‌ی اولیه‌ی این نمایش گفت: "ایده‌ی این کار پیوندی بود بین فرهنگ‌ها و قومیت‌هایی که در ایران زندگی می‌کنند ما ترکمن و تهران را انتخاب کردیم و از آیین‌هایی که در این مناطق وجود داشت با هم پیوندی را ایجاد کردیم. این مناطق می‌توانست هر منطقه‌ی دیگری هم باشد. اما خطوطی که در ذهنمان بود، به حدود هشتاد سال پیش بر می‌گشت و اتفاقاتی که در تهران می‌افتاده است. مثلاً جوانهایی که از شهرستان به تهران می‌آیند و تحت تاثیر اتفاقات روز قرار می‌گیرند و مدرن می‌شوند و با تفکرات غربی آشنا می‌شوند ولی همچنان پایش در سنت هست. این اتفاقی ست که خیلی وجود داشته و وجود دارد".

وی در رابطه با بی‌کلام بودن نمایش گفت: "چون بدن‌گویی کامل را دارد و ما می‌توانیم از طریق بدن و میمیک چهره تمام اتفاقات را روایت کنیم تصمیم گرفتیم از موسیقی و فرم‌ها برای بیان یک داستان و اتفاق نمایشی استفاده کنیم".

کارگردان نمایش "گنبدگاه" در رابط با دلیل استفاده از آیین‌های سنتی ترکمن در نمایش افزود: "من با اقوام ایرانی آشنایی زیادی دارم، چه با مراسم‌شان و چه موسیقی‌های نواحی بازی‌ها و آیین‌های نمایشی که وجود دارد. ترکمن یک از مناطقی ست که خود من خیلی دوست دارم. آیین ذکر خنجر که به عنوان یک آیین مطرح هست و فقط جنبه‌ی حرکتی ندارد، از گذشته‌ی بسیار دوری می‌آید و روایتگر بخشی از احساسات آن قوم در ایران است. در واقع دلیل این انتخاب یک علاقه‌ی قلبی در من بوده است".

آرمند در رابطه با نحوه و میزان تمرینات نمایش گفت: "این کار را تابستان شروع کرده بودیم. اما وقتی تصمیم گرفتیم این اجرا را به صورت عمومی در بیاوریم حدود سه ماه زمان گرفت که پرداخت نهایی بشود و خطوط داستانی مشخص تر بشود و به اجرا برسد".

وی در رابطه با احرهای عموم این نمایش و حضور در جشنواره تئاتر فجر گفت : " اجراهای عموم از لحاظ استقبالی که از کارمان شد برای ما بی نظیر بود و آشنایان و دوستان و دیگر مخاطبان به ما لطف داشتند و آمدند و کار ما را دیدند . ما از تک اجرا با چهل و پنج نفر ظرفیت سالن شروع کردیم . ولی بعد از چند اجرای اول ظرفیت به پنجاه و چهار نفر و بعد به شصت نفر رسید . بعد دو سانس شدیم و خوشبختانه هفته ی آخر که دو سانس بود ما از هفته ی قبلش تمام بلیت هایمان فروش رفته بود و مجبور شدیم تعداد بیشتری به سالن راه دهیم . این خیلی برای ما لذت بخش بود که پذیرای دوستان و مردم باشیم ، چون هنرمند دوست دارد کاری که انجام می دهد دیده شود و مردم استقبال کنند . این استقبال ما را برای اجراهای بعدی دلگرم کرد که بتوانیم با قدرت بیشتری کار کنیم . اجرای جشنواره مکمل تمام آن احساسات خوب بود ، جشنواره تئاتر فجر مهم ترین رخداد هنری کشور است . این اولین تجربه ی من به عنوان کارگردان در جشنواره تئاتر فجر بود و نقطه ی پایان درستی را بر اجراهای ما گذاشت " .

این کارگردان و بازیگر تئاتر در آخر افزود : " امیدوارم بتوانیم ادامه بدهیم . ما به سنت های ایرانی و فرهنگی که در نواحی مختلف ایران وجود دارد خیلی اهمیت می دهیم . دوست داریم از دل سنت هایی که داریم راه های جدیدتری برای هنرهای امروزی هم پیدا کنیم و از دل فرهنگ خودمان وارد هنرهای معاصر بشویم " .



نقدی بر نمایش "فرشته مرگ" به کارگردانی مسعود رایگان

مرگی بدون تاثیر

به نظر می آید که مقصود نمایش "فرشته مرگ" بیان گریز اجباری انسان از خویشتن به واسطه محیط و عوامل پیرامون و کرده هایش است؛ که در تسلسلی گره خورده با انتقام به ناکجا آباد می رود. در نمایش دو نفر را می بینیم که هر کدام به واسطه ای از خویشتن دور شده و جنایتی مرتکب شده اند و این ارتکاب شاید از نگاهی حق آنان است و وضعی طبیعی برای آنان و از نگاهی دیگر غلط.



و به همین دلیل در آغاز نوشته شد به "نظر می آید"؛ چرا واقعا نمایش به طرز عجیبی گنگ و سر در گم کننده است.

علت این گنگی مشخص است:

ما دو شخصیت داریم که سرگذشتی به دور از هر گونه پیچیدگی و لایه های تو در تو داشته اند. اما آنقدر این دو شخصیت دیالوگ ها و اکت های پراکنده دارند که به کلی تماشایی را از اصل ماجرا منحرف می کند.

میزانسن های نمایش هم به هیچ وجه ارتباطی را بین تماشایی و اثر بر قرار نمی کنند؛ که البته طراحی صحنه هم به این مشکل دامن زده است.

در نهایت تکلیف آن دو محفظه یا دو سلول یا دو اتاق و یا هر چیز دیگر مشخص نمی شود که بالاخره چیست و این دو نفر در آنجا چه می کنند؟

و سوال مهم تر اینکه ارتباط این دو نفر اساسا چیست؟ البته مقصودم از ارتباط در قالب نمایش است. چرا این دو با هم در نمایش حضور دارند؟ آیا در یک زمان زیست می کنند؟ آیا در یک شهر زیست می کنند؟ یا اساسا فصل مشترکی دارند؟

کارگردان همه تلاش خود را کرده تا این دو را از هم تفکیک کند. در قسمتی از نمایش می بینیم که مرد، بازیگر زن را "نسیم" صدا می کند! این به معنی عدم ارتباط این دو در نمایش است. اما چرایی این عدم ارتباط روشن نیست. چرا که دیالوگ های این دو نفر در ادامه ی یکدیگر و به نوعی تکمیل کننده هم هستند. این تناقض در کنار مسائل گنگ دیگر واقعا آزار دهنده است.

در جایی بازیگر مرد از واژه "انشا الله" استفاده می کند!! این در حالی است که شخصیت ها نه ایرانی هستند و نه

فرشته مرگ
مسعود رایگان
تئاتر فستیوال



حتی عرب ؛ و این سوال ایجاد می شود که مکان نمایش کجاست ؟ به این ها اضافه کنید رقص وسط نمایش و صحنه باریدن برف را .

البته عدم هماهنگی زیر نویس انگلیسی با دیالوگها و قطع و وصل شدن تصویر هم به این آزار دهنده گی می افزود .

به نظر می آید مفاهیمی که مد نظر کارگردان بوده است آنقدر از درون وی جوشیده بوده اند که اصلاً بیرون نیامده اند و کاگردان محترم از پس ارتباط بین این عناصر مهم بر نیامده است که این باعث می شود تماشاچی با اثر ارتباط بر قرار نکرده و از نمایش خسته شود .

البته با ذکر نکات منفی اثر نباید بازی خوب بازیگران اثر مغفول بماند . نسیم ادبی و توماج دانش بهزادی به حق بازی درخشانی را به نمایش گذاشتند و این نقطه قوت مهم نمایش فرشته مرگ است .

محمد جواد حبیبی – دبیر تمان نقد تئاتر فستیوال



نقدی بر نمایش "تئاتر سعدی تابستان سی و دو" به کارگردانی حسین کیانی:

ریتم، پاشنه آشیل "تئاتر سعدی تابستان سی و دو"

"تئاتر سعدی تابستان سی و دو" چنان که از اسمش بر می آید به دنبال شرح واقعه است، شرح واقعه در زمان و مکان خاص و مشخص.

"تئاتر سعدی تابستان سی و دو" روایتگر واقعی تاریخی مرداد ماه ۱۳۳۲ و جنایات شعبان جعفری است، بستر برای تعریف قصه کاملاً مهیا است یک گروه تئاتری در تئاتر سعدی و اجرای نمایش باغ آلبالو و مشکل همیشگی سانسور شدن نمایش ها ... و



بخش ابتدایی نمایش که بار طنز نمایش را به دوش می کشد را می توان گفت تقریباً بهترین بخش نمایش است، بخشی که تکلیفش با خودش و مخاطب روشن است.

بازی اکزجره علیرضا آرا به خاطر طنز بودن اجرا قابل قبول است، شهرام حقیقت دوست خوب و به جا و تاثیرگذار ظاهر می شود؛ البته به غیر از خاطره اسدی که نتوانسته است با کل گروه ترکیب شود و همگن با بقیه نقش ایفا کند. گویا خاطره اسدی را از سال ۱۳۹۵ برداشته ای و در سال ۱۳۳۲ پایین گذاشته ای. معضلات مطرح شده هم از مشکل سانسور تا نیامدن بازیگر و آماده نمودن گروه و قهر کردن دیگری همه باور پذیر و خوب پیش می رود اما از جایی به بعد حوصله سر بر خسته کننده و ملال آور می شود مخاطب خسته از دعوای پشت هم منتظر اتفاقی است که رخ دهد و فضا را از دعوای و قهر کردن های بازیگر و ناراحتیهای از نقطه ای به بعد ملال آور کارگردان به دلیل تکرار بیش از حد دور کند

در اواسط نمایش هر چند که یک اتفاق تکراری و قابل حدس زدن یعنی عاشق بودن سرهنگی بر بازیگر مطرح زن آن روزها و مخالفت بازیگر زن شکل می گیرد اما همین اتفاق می توانند مجدداً نمایش را سرپا کنند و ریتم از دست رفته این نمایش را احیا کنند تا بخش پایانی نمایش که البته همه چیز قابل حدس زدن و مشخص پیش می رود و لحظه ای که باید تراژیک ترین بخش قصه را به نمایش بگذارد، آن چنان بی روح و خشک رخ می دهد که تنها حسی که باقی می گذارد پیام به پایان نمایش نزدیک شدن است.

با این همه "تئاتر سعدی تابستان سی و دو" قصه دارد، میزانشن دارد، طراحی صحنه مناسبی دارد؛ بازیگران خوبی دارد؛ اما جمع تمام این خوبی ها نمی توانند چنان که باید و شاید مخاطب را بر انگیزاند و کاملاً راضی از سالن خارج کند.

سینما سی و دو



پس مشکل چیست؟!

حسین کیانی در مقام نویسنده نمایش "تئاتر سعدی تابستان سی و دو" خوب عمل کرده است و متنی را مبتنی بر دغدغه های تاریخی و یا دغدغه های امروزش در رابطه با کم ارزش شدن هنر تئاتر نگاشته است

اما حسین کیانی در مقام کارگردان این اثر نمی تواند خوب و موفق ظاهر شود گویی وی در مقام کارگردان دلش نیامده است بخشی از دیالوگ های نمایشنامه را حذف کند و خواسته است همه چیز را عیناً به روی صحنه بیاورد. در نتیجه ما با متنی روبه رو هستیم که دراماتورژی نشده است، طولانی است و اصلاً و ابداً حواسش به مخاطب و حوصله او نیست. طولانی بودن نمایش از این جهت بد و از حوصله خارج است که اگر از زمان ۱۰۰ دقیقه ای نمایش ۳۰ دقیقه کم می شد، هیچ اتفاقی در نوع روایت نمی افتاد و در عوض به دلیل حفظ شدن ریتم اثر مخاطب را راضی از سالن خارج می کرد. "تئاتر سعدی تابستان سی و دو" یک نمایش خوب است که می توانست هر قشر مخاطبی را راضی نگه دارد اما این شانس و موقعیت خوب را به راحتی از دست می دهد.

سعید خالقی – دبیر تمان نقد تئاتر فستیوال



گزارش تصویری نمایش خیابانی "آرت"



حاشیه های دومین روز جشنواره تئاتر فجر:

روزهای کم حاشیه و خلوت جشنواره تئاتر فجر / اهدای یک هدیه دلچسب به خبر نگار تئاتر فستیوال

دومین روز سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر کم حاشیه و بی سر و صدا پایان یافت . فقط ادای احترام به شهدای آتش نشان برای ساعاتی جمعیت زیادی را به محوطه تئاتر شهر کشاند تا یاد آن عزیزان را گرامی بدارند.



- سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر ، روزهای ابتدایی خود را کم حاشیه و خلوت پشت سر می گذارد.
- امروز که به دلیل حادثه دلخراش ساختمان پلاسکو عزای عمومی اعلام شده بود ، مراسم یادبودی برای آتش نشانان شهید این حادثه در محوطه مجموعه تئاتر شهر با حضور مسئولین ، هنرمندان و مردم برگزار شد
- به همین مناسبت در قسمت غربی مجموعه عده ای با گذاشتن کلاه آتش نشانی بر سر ، پلاکارت هایی با نام شهدای این حادثه بر گردنشان آویختند و شمعی به دست داشتند . یک نفر هم با ساز گیتار آهنگ غمگینی برای این حادثه می نواخت و آواز می خواند . جمعیت زیادی هم برای روشن کردن شمع و ادای احترام ایستاده بودند و بعضی ها هم اشک می ریختند و صدای صلوات شنیده می شد.
- گروهی هم با همان کلاه آتش نشانی و پلاکارت هایی به نام شهدای این حادثه و با داشتن شمعی به دست ، دور محوطه تئاتر شهر و در بین جمعیت می گشتند.
- یک برگه طراحی شده در بین جمعیت پخش شد که روی آن با فونت درشتی نوشته شده بود : آتش ، نشان شماس.
- در این مراسم مهدی شفیعی (مدیر کل هنرهای نمایشی) ، سعید اسدی (دبیر این دوره از جشنواره) ، سهراب سلیمی (داور این دوره از جشنواره) ، اصغر همت (رئیس خانه تئاتر) ، هرمز هدایت ، حمیدرضا نعیمی ، رضا کیانیان ، مریم معترف ، محمد ساریان ، شکرخدا گودرزی ، سیامک حلمی و ... حضور داشتند.



- علی رغم آنکه امروز عزای عمومی بود ، به غیر از نمایش " دوازده " (در تالار مولوی) که بعد از اجرا به یاد این شهدا یک دقیقه سکوت کردند ، در باقی سالن هایی که خبرنگاران تئاتر فستیوال حضور داشتند ، هیچ اجرایی به شهدای آتش نشان تقدیم نشد.
- نمایش " دوازده " (در تالار مولوی) و نمایش " خواب زمستانی " (در تالار استاد انتظامی) به دلیل تاخیر داوران با ده دقیقه تاخیر اجرا شد.
- سالن های دولتی تا اینجای جشنواره برخوردی حرفه ای ، درست و با احترام با اصحاب رسانه داشته اند که به نظر می رسد تجربه چندین و چند سال برگزاری جشنواره در این سالن ها به کمک شان آمده است ، در حالی که سالن های خصوصی گویا بعد از دو سال حضور در بخش " به علاوه فجر " هنوز هم برای خبرنگاران طاقچه بالا می گذارند!!!
- در صورت تکرار این عملکرد از جانب این تماشاخانه ها حتما نامشان را ذکر خواهیم کرد.
- نمایش " وام " از کشور عراق که در تالار هنر اجرا شد اولین نمایشی بود که از کشور دیگری در جشنواره بین المللی تئاتر فجر به روی صحنه رفت . پرستو گلستانی هم برای دیدن این اثر رفته بود.
- البته نمایش " وام " با تاخیر زیادی اجرا شد . پانزده دقیقه ای طول کشید تا اجازه ی ورود به سالن را دادند و بعد از ورود هم اعلام کردند که بالانویس دچار مشکل شده است و تماشاگران باید همچنان منتظر بمانند . نهایتا با ۲۵ دقیقه تاخیر نمایش شروع شد!
- البته مشکلات اجرا با شروع آن تمام نشد و تا مدتی بعد از آن سر و صدای بازیگران از پشت صحنه شنیده می شد.

- با اینکه امروز در تالار هنر یک نمایش خارجی در بخش بین الملل اجرا می شد با این حال استقبال زیادی از آن نشد و این تالار روز خلوتی را پشت سر گذاشت.
- اما نمایش "جزیره" به کارگردانی سعید دشتی در تالار سایه پر مخاطب بود. عده ای از تماشاگران حتی برای دیدن این کار روی پله ها و زمین نشسته بودند.
- نمایش "مستاجر" در تالار حافظ فقط با ده دقیقه تاخیر شروع شد. در شرایطی که نمایش های این سالن، در دوره های پیشین جشنواره با تاخیر زیادی (حتی ۵۰۰ دقیقه تاخیر) به روی صحنه می رفت، این میزان تاخیر می تواند روند رو به رشدی برای تالار حافظ باشد و امیدوار کننده.
- امروز جهانبخش سلطانی بازیگر پیشکسوت اصفهانی به تماشای دو نمایش نشست. ابتدا برای دیدن نمایش "خواب زمستانی" به خانه هنرمندان رفت و بعد هم در تالار قشقایی تئاتر شهر به تماشای نمایش "پنجگانه خون، خور، ملمداس" نشست.
- هادی حوری هم برای دیدن نمایش "خواب زمستانی" رفته بود.
- یکی از اتفاقات انرژی بخش امروز برای ما، هدیه دادن سه ماهی قرمز به خبرنگار **تئاتر فستیوال** از طرف گروه نمایش "پنجگانه خون، خور، ملمداس" از بندرعباس بود. این گروه بعد از مصاحبه خبرنگار **تئاتر فستیوال** با آنها این هدیه ی دلچسب را به او دادند.



صادق نصیری: "جی" یک درام روانشناسی در رابطه با مسائل اجتماعی

نمایش "جی" به نویسندگی کیوان میرمحمدی و کارگردانی صادق نصیری از یزد از جمله نمایش هایی است که در دو بخش مسابقه بین الملل و مسابقه مرور تئاتر ایران در سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر شرکت دارد. خبرنگار **تئاتر فستیوال** به بهانه ی حضور این نمایش در جشنواره تئاتر فجر گفت و گویی با صادق نصیری داشته است که می توانید آن را در ادامه بخوانید.

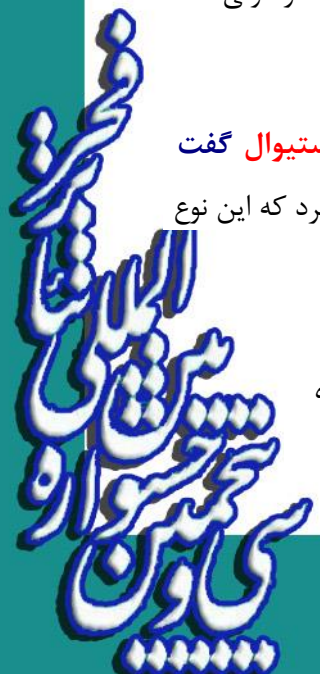


صادق نصیری با بیان اینکه نمایش "جی" دومین همکاری او با کیوان میرمحمدی است، در مورد سبک نوشته های میرمحمدی گفت: نوع کارهای ایشان بیشتر کارهای اجتماعی و درام های روانشناسی در رابطه با مسائل اجتماعی است. اتفاقی که در نمایش "جی" می افتد با توجه به شرایط اقتصادی که وجود دارد، معضل روز است. ما در این نمایش کاراکتری داریم که مدتی است بیکار شده و این بیکاری کل زندگی اش را بهم ریخته و او را دچار توهم کرده است. البته در نمایش به صورت مستقیم به این موضوع پرداخته نشده است.

کارگردان نمایش "جی" با ذکر این نکته که این نمایش از جشنواره استانی به جشنواره فجر آمده است، در مورد مدت زمان تمرینات و حضور در بخش بین الملل جشنواره گفت: ما نزدیک به سه ماه به صورت فشرده تمرین داشتیم. برای بازیگران سانحه ای پیش آمد و یک بازیگر را عوض کردیم و با بازیگر جدیدمان تنها ۲۰ روز کار کردیم. برای اولین بار است که حضور در بخش بین الملل جشنواره فجر را تجربه می کنم که فشارهای خاص خود را دارد. بخش مسابقه بین الملل ویژگی خاص خود را دارد و وقتی می بینید باید با افرادی که از خارج کشور آمده اند، رقابت کنید، کمی کار سخت می شود ولی لذت های خاص خودش را دارد.

وی در ادامه در مورد اجرای عموم نمایش "جی" در یزد و استقبال از این نمایش به خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفت

ما نزدیک به ۲۴ شب در یزد اجرا داشتیم و خوشبختانه اجرا و استقبال مردم خوب بود. ولی هنوز زمان می برد که این نوع تئاتر در شهرستان جا بیفتد. چون فضای شهرستان با تهران فرق می کند، تئاتر در تهران مخاطب خاص و حرفه ای خودش را دارد. فکر می کنم که در یزد اتفاقات خوبی در حال رخ دادن است و به سمت این می رویم که تماشاگر خود را داشته باشیم، تماشاگری که با نگاهی حرفه ای به تئاتر نگاه کند. اتفاقات خوب دیگری نیز افتاده



است اینکه تماشاگر پرورش داده شده ، بلیت می خرد و به تماشای نمایش می نشیند و تقریباً نمایش ها با سالنی پر اجرا می شوند . گرچه بیشتر نمایش های کمدی و طنز را می پسندند .

صادق نصیری در پایان در مورد اجرای عموم در تهران گفت : در رابطه با اجرای عموم باید گفت که متأسفانه کعبه آمال و آرزوی کارهای شهرستان بالا آمدن از جشنواره استانی و قرار گرفتن در فضای جشنواره فجر که بالاترین سطح جشنواره ی کشوری است ، می باشد . برای اجرای عموم باید مسئولین تئاتر کشور تدابیری بیاندیشند تا کارها بتوانند در تهران اجرا شوند تا حداقل ویتروینی باشند از کارهایی که در شهرستان اجرا می شود . امیدوارم که این اتفاق بیفتد و زمانی را برای اجرای گروه های شهرستانی فراهم کنند تا بتوانند اجرا داشته باشند و کارشان را ارائه کنند .



محمدرضا شجاعی : هر سال سطح تئاتر در استان مازندران بالاتر می رود.

نمایش خیابانی "مونگ بهیتی" به کارگردانی غنچه شکوهیان و محسن اردشیر کاری از گروه تئاتر سونر شهرستان آمل یکی از نمایش هایی است که در سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر در محوطه تئاتر شهر اجرا شد . به همین بهانه خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفت و گویی با محمدرضا شجاعی دستیار کارگردان و بازیگر این نمایش داشته است که می توانید آن را در ادامه بخوانید.

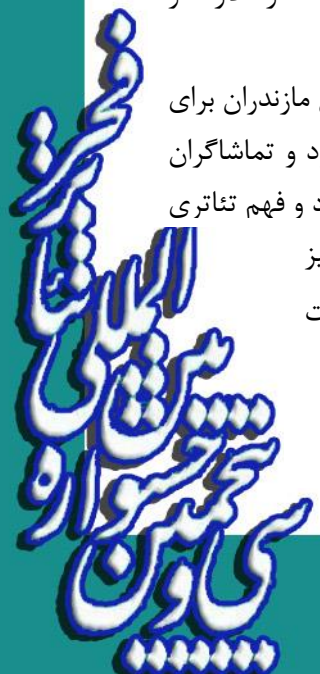


محمدرضا شجاعی با بیان اینکه نمایش "مونگ بهیتی" یک نمایش آیینی و بومی است ، در توضیح این نمایش گفت : چون استان مازندران را با شالی و برنج و کاشت و برداشت آن می شناسند ، ما آیینی از کاشت و داشت و برداشت برنج را به نمایش درآوردیم و بعد از آن آیین دیگری را به نام ماه گرفتگی . وقتی که ماه گرفتگی (مونگ بهیتی) می شود ، طبق اعتقادات ، مردم بر ظرف ها و کاسه های مسی می کوبند تا بلا را دور کنند و ما آن آیین را هم اجرا کردیم .

وی ادامه داد : چون نمایش ریتمیک است و ساز و آواز مازندرانی زیادی دارد ، به خواسته ی کارگردان و بچه های گروه ، به دلیل اتفاقات اخیر که در ساختمان پلاسکو رخ داد و چندین نفر از آتش نشانان و هم وطنان عزیزمان را از دست دادیم ، نمی توانستیم آن شادی را انجام دهیم و قسمت رقص ها را حذف کردیم . هرچند موظفیم نمایش را اجرا کنیم ، اما به احترام آنها و به میل و خواسته خودمان برخی قسمت ها را حذف کردیم .

این بازیگر تئاتر در مورد حضور گروه تئاتر سونر در دوره های مختلف جشنواره تئاتر فجر گفت : در سی و چهارمین جشنواره تئاتر فجر با نمایش "خوشه برنج" در جشنواره شرکت داشتیم و موفق به کسب دو تندیس از بخش موسیقی و طرح و ایده شدیم . همچنین در بخش کارگردانی و طراحی فضا نیز مورد تقدیر قرار گرفتیم . امسال نیز گروه مان در دو بخش محیطی با نمایش "مونگ بهیتی" و مرور تئاتر فجر با نمایش "مرگ آنجلها" حضور دارد که توصیه می کنم این نمایش را که در تالار هنر به روی صحنه می رود ، از دست ندهید .

شجاعی در پایان در مورد وضعیت تئاتر استان مازندران به خبرنگار تئاتر فستیوال گفت : امسال استان مازندران برای اولین سال میزبان تئاتر فجر استانی به نمایندگی آمل بود . ۳۳ اجرا در آمل برگزار شد و روند اجرایی خوب بود و تماشاگران بسیار استقبال کردند . روز به روز ، هفته به هفته ، سال به سال سطح تئاتر دیدن در استان مازندران بالاتر می رود و فهم تئاتری پیدا می کند . این مسئله باعث خوشحالی ما است چون تماشاگران با کار ارتباط برقرار می کنند . در تهران نیز نسبت به سال های قبل مخاطبان از کار بیشتر استقبال می کنند و بلیت اکثر نمایش های صحنه ای تمام شده است که این باعث خوشحالی است و آمل هم از این قاعده مستثنی نیست .



یادداشتی بر نمایش "خواب زمستانی" به کارگردانی لیلی عاج

تلاقی مستند و درام ، خلق روایتی پرکشش

"خواب زمستانی" یک نمایش اپیزودیک شسته رفته ی خوب ، متشکل از ۳ اپیزود است که با یک حلقه ی ربط بامعنا و تاثیرگذار به یکدیگر مرتبط می شوند. درواقع اپیزودهای اول و دوم با رابطه ی علت و معلولی به یکدیگر ربط پیدا می کنند و نهایتا مرگ نقطه ی تلاقی آن ها با اپیزود سوم است .

نویسنده اثر که در واقع کارگردان آن نیز می باشد ،



در هر کدام از اپیزودها به صورت مجزا و در خود اثر به عنوان یک کل به بیان و نقد معضلات اجتماعی ، سیاسی و فرهنگی می پردازد که خوشبختانه در بیان دغدغه های خود سنجیده عمل می کند و با یک سری شعارهای سوپژکتیو به دنبال انتقال پیام ، معنا و مفهوم در اثرش نیست . در اینجا یکی بودن نویسنده و کارگردان به کمک اثر آمده و لیلا عاج به دلیل آشنایی با زیر و بم های نمایشنامه توانسته در کارگردانی متن برای اجرای صحنه ای به درستی عمل کند .

در اپیزود اول با ۳ پرسوناژ ، ۳ خواهر روبرو می شویم که با آنکه در حد تیپ باقی می مانند و پا فراتر نمی گذارند اما با بازی خوب یلدا عباسی ، ساناز رسول زاده ، کیمیا موسوی و مطرح کردن برخی معضلاتی که به وفور در جامعه قابل رویت هستند ، برای مخاطب باورپذیر و قابل لمس می شوند . حضور چند ثانیه ای و شبیح وار پرسوناژ اپیزود دوم در این اپیزود ، همانند یک معادله ی چند مجهولی عمل کرده و مخاطب را برای کشف آن به دیدن نمایش ترغیب می کند .

اما در اپیزود دوم با یک گراندی که از پرسوناژ اصلی ارائه می شود و بازی خوب نسرين درخشان زاده ، شخصیت پردازی کاملی صورت می گیرد که اثر را برای مخاطب دراماتیک می کند .

و نهایتا دو اپیزود اول و دوم که هر دو با مرگ پایان می یابند ، با یک حلقه ی ربط هوشمندانه و غیرقابل پیش بینی به یکدیگر می رسند ، غسالخانه . کارگردان با معطوف کردن بیشترین بار طنز نمایش در این اپیزود ، در کنار آنکه تماشاچی را می خنداند

اما به جا و درست به نقد مسائل فرهنگی و اجتماعی می پردازد از حضور پررنگ مردم در مراسم تشییع مرتضی پاشایی گرفته تا حضور انگشت شمارشان در مراسم تشییع بهمن فرزانه ، مترجم بزرگ کشور و اینگونه او را به تامل وامی دارد . بازی ساناز روشنی در این اپیزود بسیار تماشایی ، دلنشین و به اندازه است . (من نمایش را با بازی ساناز روشنی دیدم . اما در ادامه اجراهای نمایش "خواب زمستانی" این پرسوناژ را الهام شعبانی ایفا کرده

است.)

در اینجا جا دارد چند سطری نیز به سایر اجزای تشکیل دهنده این اثر نمایشی همچون موسیقی ، طراحی صحنه و نورپردازی پرداخته شود.

موسیقی در راستای نمایش و متناسب با اتمسفر هر اپیزود انتخاب شده که در یک شمای کلی نیز با کل اثر هماهنگ و مرتبط است . موسیقی نه برای دراماتیک کردن اثر سوء استفاده می شود و نه آنکه به عنوان یکی از اجزای خلق درام نادیده انگاشته می شود ، بلکه به درستی و سر جای خود به رسالتش عمل می کند و به عنوان جزئی از کل در خلق اثری قابل تامل مشارکت می کند.

طراحی صحنه تقریباً ساده و البته کاربردی است . ساده به معنای آنکه کارگردان از شلوغ کردن بی مورد صحنه پرهیز کرده و برای حضور هر کدام از آکسسوارها در صحنه دلیل قابل توجیهی وجود دارد . آکسسوار صحنه در اپیزودهای مختلف اجزای متفاوتی را شامل می شوند که در میان آن ها تنها یک صفحه ی فلزی بزرگ است که در اپیزودهای مختلف قابلیت تبدیل به اشیای گوناگونی را دارد که می تواند در فضا سازی موثر عمل کند.

در مورد نورپردازی تنها می توان به نورپردازی اپیزود دوم پرداخت چرا که در دو اپیزود دیگر تنها شاهد بوده ایم که صحنه بدون نورپردازی خاص یا موضعی روشن می شود . اما در اپیزود دوم ، نورپردازی موضعی به درستی اعمال می شود و حتی در جهت فضا سازی ، با اعمال باریکه ی نوری که بر دیوار فرضی زندان می افتد ، حس و حال محبوس بودن و قرار گرفتن در یک فضای تنگ و تاریک را به مخاطب القا می کند.

در مجموع می توان “خواب زمستانی” به نویسندگی و کارگردانی لیلا عاج را یک اثر درخور و قابل تامل دانست . نمایشی که می تواند این امید را در دل ما زنده نگه دارد که هنوز جوانانی هستند که با پشت کار و طی مسیر درست می توانند راه پیشینیان خود را به درستی طی کنند تا به جای حسرت خوردن از دست دادن نویسندگان و کارگردان های گذشته ، به شکوفایی این جوان ها دل ببندیم.

فرهاد ابراهیمی والا – دپارتمان نقد تئاتر فستیوال



میثم سرآبادانی : نگاه تئاتر باید عوض شود / وضعیت تئاتر تفرش بفرنج

نمایش "روایت پیچیده از یک کلنگ زنی ساده" به نویسندگی و کارگردانی مهسا افتحی از تفرش در اولین روز از سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر در بخش خیابانی اجرا شد. به بهانه اجرای این نمایش در جشنواره خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفتگویی با میثم سرآبادانی دستیار کارگردان این نمایش داشته که در ادامه می‌توانید آن را بخوانید:



میثم سرآبادانی دستیار کارگردان نمایش "روایت پیچیده از یک کلنگ زنی ساده" در ارتباط با این نمایش گفت: "نمایش در رابطه با یک اتفاق خیابانی، درگیری بین یک فال فروش با مأمور یک شرکت خصوصی بر سر یک محل است. مأمور شرکت خصوصی به این محل آمده تا کلنگ بزند، فالگیر هم در آنجا مشغول کار خود است که رو در رو شدن این دو با یکدیگر سبب درگیری آن‌ها می‌شود. نمایش از یک دستمایه کمدی برخوردار است و نقدهای فراوان اجتماعی را بیان می‌کند. به بیکاری، خرافات، وعده‌های دروغینی که هیچ وقت جامه عمل به خود نمی‌پوشاند، اشاره دارد. نقد به یک دولت خاصی نیست، در همه دولت‌ها نیز به همین شکل است، ما یک نقد کلی به سیاست‌هایی داریم که حرف‌های خوب می‌زنند ولی در عمل هیچ اتفاقی نمی‌افتد".

سرآبادانی با اشاره به اینکه در هفت دوره از جشنواره حضور داشته و تاکنون در بخش‌های نویسندگی، کارگردانی و بازیگری این جشنواره مقام آورده است. در خصوص معرفی نشدن کارهای اجرایی اش در جشنواره تئاتر فجر گفت: "یکی از محسنات بزرگ جشنواره این است که گروه‌های شهرستانی به جشنواره بیایند و کارشان دیده شود ولی این اتفاق هیچوقت و در هیچ کدام از جشنواره‌های ایران نمی‌افتد. گروه‌های شهرستانی از جنوب، شمال، شرق و غرب به جشنواره می‌آیند و به امید اینکه کارو بازی آن‌ها دیده شود و اجرای عموم بگیرند، متناسب با اجراهایی که دارند در بخش‌های صحنه‌ای، خیابانی و یا بخش‌های دیگر جشنواره حضور پیدا می‌کنند. اما متأسفانه در چندین دوره‌ای که من در بخش صحنه‌ای و

شرکت کردم، هیچ وقت به یاد ندارم که یک کارگردان بزرگ تئاتر و یا سینما در جشنواره از بازی بازیگری خوشش آید و بگوید که چقدر این بازیگر خوبی داشت، من از او استفاده می‌کنم. آن‌ها هم که اجراهایشان به نتیجه‌ای رسیده، تلاش‌ها و ریزنی‌های خودشان بوده، و گرنه از لحاظ دیده شدن، هیچ اتفاقی در جشنواره تئاتر فجر رخ نمی‌دهد. کما اینکه در چندین جشنواره من قول اجرای عموم گرفتم ولی هیچوقت این اتفاق محقق نشد. می‌توان گفت که این از ضعف‌های بزرگ جشنواره است در حالی که یکی از محسنات جشنواره این است که بچه‌های

شهرستان دیده شوند".

این نویسندگان و کارگردان تئاتر خیابانی با بیان اینکه وضعیت تئاتر تفرش و شهرستان های دیگر بسیار بغرنج است گفت: "گروه های شهرستانی از ضعف مالی شدیدی رنج می برند، نه حمایت مالی و نه معنوی می شوند. اکثر نمایش ها به سمت کمدمی آزاد و کارهای سخیف رفته اند و متأسفانه این موضوع آسیب می زند. زیرا ما معتقدیم که رسالت هنرمند این است که مردم را هدایت کند و آنها را یک قدم به جلو پیش برد ولی به این دلیل که کارهای خوب اجرا نمی شود، این اتفاق نیز رخ نمی دهد. وقتی پای صحبت کارگردان ها هم بنشینید، می بینید که حق با آنهاست. چون کارها نمی فروشد و از طرف مرکز حمایت نمی شوند. باید به تئاتر شهرستان نگاه شود و کارها دیده شود. من بعید می دانم اتفاق خاصی برای تئاتر شهرستان بیفتد چون همه فکر می کنند، تئاتر برای تهرانی هاست و برای شهرستانی ها نیست".

سرآبادانی در پایان با اشاره به اینکه در تئاتر خیابانی با عموم مردم روبرو هستیم، گفت: "تئاتر باید نگاهش را عوض کند متأسفانه تئاتر ما به سمت ادای روشنفکری رفته است. یعنی تئاتری می سازیم که روشنفکری باشد در حالی که ادای روشنفکری در می آورد و به همان نسبت هنرمندانمان نیز ادای روشن فکری در می آورند. اصولاً تئاتر برای آدم های کف جامعه است، همچون ما که آدم های کف جامعه هستیم. من به همین خاطر است که تئاتر خیابانی را می پسندم، چون در آن با مردم روبرو هستیم مردمی همچون کاسب، راننده تاکسی، نانوا، بقال نه مخاطبی که ادای روشنفکری در می آورد. وگرنه کارهای صحنه ای که انجام می دهیم شاید خیلی بیشتر از کارهای خیابانی ام باشد اما به این دلیل از تئاتر خیابانی خوشم می آید".



شمع هایی که به یاد آتش نشانان سوختند

در دومین روز از سی و پنجمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر ، به مناسبت بزرگداشت شهدای آتش نشانان حادثه دردناک ساختمان پلاسکو ، مسئولین ، هنرمندان تئاتر و مردم در محوطه تئاتر شهر گرد هم آمدند و با گل و شمع ، یاد و خاطره این مردان فداکار را گرامی داشته و به آنان ادای احترام کردند . مهندس مهدی شفیعی مدیر کل اداره هنرهای نمایشی، دکتر سعید اسدی دبیر این دوره از جشنواره تئاتر شهر ، ایرج راد ، اصغر همت ، هرمز هدایت ، رضا کیانیان ، حمیدرضا نعیمی ، شکرخدا گودرزی ، سارا اسکندری ، رویا بختیاری و ... در این مراسم حضور داشتند.



یادداشتی بر نمایش "جی" به کارگردانی صادق نصیری

مانیفستی برای داوران

معمولا پیش از آغاز هر نمایشی در لحظه ی ورود به سالن ، بروشور نمایش در اختیار تماشاگران قرار می گیرد تا معرفی باشد از آنچه قرار است که روی صحنه مشاهده شود . در بروشور نمایش " جی " جملاتی نوشته شده بود که به طور نمونه جمله اول آن را در اینجا ذکر می کنم:

"در هزاره سوم در خیلی از جوامع فقر ، فحشا ، اعتیاد ، که نشأت گرفته از بی ایمانی مردمان است باعث شایع شدن بیماری های عصبی روانی در سطح گسترده می گردد ..."



متأسفانه من هر چه به دنبال ارتباط این جمله و جمله های دیگری که در بروشور آمده است با نمایش گشتم چیزی دستگیرم نشد!

"جی" داستان مردی است که مدتی از کار بیکار شده و این مسئله باعث به وجود آمدن برخی مشکلات روانی برای او شده است . گویا کارگردان سعی داشته با کنایه به برخی معضلات اجتماعی ، مشکلات عصبی رایج در جامعه را ریشه یابی کند اما در این هدف خود ناموفق عمل می کند چرا که " جی " قصه ای روایت نمی کند که مخاطب بخواهد با آن همراه شود . پرسوناژهای نمایش به درستی معرفی نمی شوند و صرف اینکه بدانیم زن معلم زبان است و مرد بی کار ؛ شخصیت پردازی صورت نمی گیرد !

روند نمایش به گونه ای است که چون هیچ اتفاقی در آن رخ نمی دهد و به تبع آن تعلیقی وجود ندارد ، خسته کننده می شود و مخاطب تنها آرزو می کند که هر چه زودتر این نمایش ۸۰ دقیقه ای به پایان برسد .

گنجاندن چند جمله و اکت به ظاهر طنز که نمی تواند اکثر مخاطبان را به لبخند کوچکی هم وادار کند ، راه حل مناسبی برای از حفظ ریتم نمایش نیست .

و چند نکته مثبت نمایش : طراحی صحنه کاربردی است و کارگردان سعی کرده است از تمامی آکسسوار صحنه به نحوی استفاده کند . نور و موسیقی نیز در خدمت نمایش هستند و به درستی از آن ها استفاده می شود .

اما نکته ای که ذهن مرا در طول نمایش به خود مشغول کرده بود و لازم دیدم در اینجا به آن اشاره کنم این است که نمایش " جی " در بخش بین الملل جشنواره حضور دارد که تعدادی از داوران آن خارجی هستند اما متأسفانه بالانویسی در اجرا وجود نداشت و تنها در بخشی از صحنه های پایانی نمایش بازیگر زن شروع به گفتن مانیفستی به زبان انگلیسی می کند ! صحنه ای بی ربط به کل نمایش . اینکه زن معلم زبان است دلیل قانع کننده ای برای وجود چنین صحنه ای نیست . آیا داوران بایستی

تنها با همین چند جمله در مورد نمایش قضاوت کنند!

در مجموع " جی " نمایشی ضعیف است چون قصه نمی گوید ، ریتم مناسبی ندارد و با جملات تکراری بازیگرها ، مخاطب را خسته می کند و سوالی که در مورد آن باقی می ماند دلیل حضورش در بخش بین الملل جشنواره تئاتر فجر است ؟!

نسترن داوودی – دپارتمان نقد تئاتر فستیوال



پوریا شکیبایی : نیت من از حضور در جشنواره رقابت نیست.

پوریا شکیبایی فرزند زنده یاد خسرو شکیبایی در نمایش " دوازده " به کارگردانی جواد خورشیا بازی کرده است . این نمایش در دومین روز سی و پنجمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر در تالار مولوی به روی صحنه رفت . خبرنگار **تئاتر فستیوال** به همین بهانه گفتگوی کوتاه انجام داده است که می توانید در ادامه بخوانید:

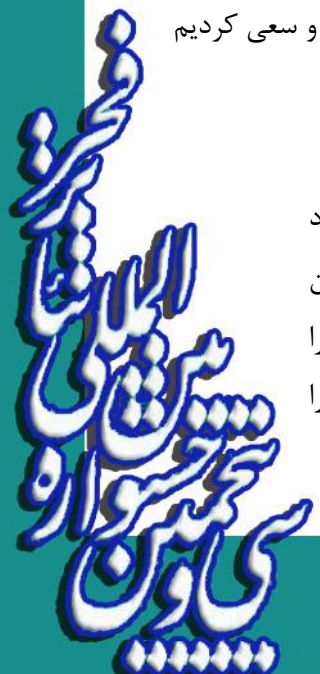


پوریا شکیبایی درباره بازی در نمایش " دوازده " به خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفت : نوع همکاری من با این گروه با یک تلفن شروع شد و پیشنهادی داده شد و بعد هم قراری گذاشتیم و همکاری مان را با شرط و شروط هایی بین دو طرف آغاز کردیم . یک اتفاق خیلی زیبا در این گروه این است که هر ۱۲ نفر که همگی مرد هستیم ، هیچ وقت ، هیچ مشکلی با هم نداشتیم یعنی خیلی خوب و متشخص سعی کرده ایم برای همدیگر کمک باشیم و با هم کار کنیم و هیچ کمکی را از همدیگر دریغ نکرده ایم.

هیچ کس از کس دیگری بالاتر نبود و همه هم سو بودیم و این باعث شد که یک یکدستی برای ما به وجود بیاید که حتی اگر خروجی خوبی هم نداشت برای من تجربه بسیار زیبایی در تمرین ها بود . واقعاً باعث افتخارم بود که با این گروه خوب و ورزیده و آدم های متشخص کار می کنم . نتیجه اش این شد که دیدید و فکر می کنم که مورد قبول باشد.

وی در ادامه درباره ویژگی های خاص این نمایش که موجب شد پیشنهاد بازی در آن را بپذیرد ادعان داشت : متن را خیلی چکش کاری کردیم . در دور خوانی همیشه یک سری جملات عوض می شود . مثلاً ممکن است من به کارگردان بگویم که راضی نیستم این جمله را این کارا کتر بگوید یا مثلاً در دور خوانی می گوئیم فلان جمله ملموس نیست و سعی کردیم کلاً جملات را بشکنیم و به آنچه که بیشتر برای تماشاگر ایرانی ملموس است نزدیک شویم.

شکیبایی همچنین افزود : ولی در عین حال سعی کرده ایم جغرافیای کار را بگیریم . هرچند که این امکان وجود ندارد . چرا که ما در ایران هیئت منصفه نداریم . به همین دلیل ناخودآگاه موضوع برون مرزی می شود اما تلاشمان این بود که آن لهجه و لحن خارجی و بیگانه را به خودمان نگیریم و باعث شویم که اگر تماشاگری دارد کار ما را می بیند بتواند ارتباط بهتری برقرار کنند . نسبت به نمایشنامه ای که از اول و نمایشنامه ای که ما داریم اجرا می کنیم از زمین تا آسمان فرق است.



بازیگر نمایش "دوازده" شانس برگزیده شدن این نمایش را در بخش مسابقه زیاد نمی داند . او در این باره گفت:
شخصاً ، هیچ کاری به مسابقه ندارم . اصلاً به برنده شدن یا مسابقه دادن و اینکه رقابتی وجود دارد ، فکر نمی کنم . ما همه آمده ایم اینجا تا بهترین مان را انجام دهیم و اصلاً نتیجه کار برایم اهمیتی ندارد . نه اینکه بخواهم بگویم جشنواره یا جایزه برایم مهم نیست . همیشه برای همه جایزه و پاداش اهمیت به خصوصی دارد و هیچ کس از تشویق بدش نمی آید . به خاطر اینکه شما از یک خروجی ، یک معدل یا نمره ای می گیرید و طبق آن نمره ی قبولی تشویق می شوید . ولی نیت خود من که امروز این تئاتر را اجرا کرده ام این نیست که رقابت کنم این است که یک اجرای قابل قبولی را برگزار کنیم .

پوریا شکیبایی در پایان اذعان داشت : بهتر است که تئاتر بیشتر حمایت شود.

نقدی بر نمایش "شازده کوچولو" به کارگردانی مهرداد خامنه ای

تجربه گرایی تا کجا؟ یا تئاتر با سینما فرق دارد.

آنچه "شازده کوچولو" به کارگردانی مهرداد خامنه ای را از تئاتر بودن دور و دورتر می کند، طراحی میزانشن است. در واقع ما در "شازده کوچولو" ی او ما با میزانشن تئاتری مواجه نیستیم، بلکه با گونه ای دکوپاژ سینمایی مواجه هستیم که در واقع جایگاه لنز دوربین، چشم تماشاچی است، جایگاهی که به او دیکته می شود، لذت تماشای یک اثر صحنه ای زنده را از او می گیرد، سایر المان های تئاتری به جز نور (حتی بازیگر را) به حداقل نزدیک به صفر



کاهش می دهد و چنان مینیمالیستی می شود و لنز دوربین آنچنان به اجبار زوم (zoom) شده است که هیچ چیز از تئاتر بودن باقی نمی ماند.

اینگونه دکوپاژهای سینمایی چون کسالت بار، گیج کننده و غیرمنطقی است، یعنی از منطق تئاتر پیروی نمی کند؛ لاجرم اثر را دچار افت در ریتم به ویژه در ریتم بصری می کند و تماشاچی نهایتاً با چیزی جز قصه "شازده کوچولو" مواجه نیست، یک نمایشنامه خوانی معمولی (نه با کیفیت) همراه با چند فریم فیلم که به گونه ای به اثر وصله و پینه شده اند که کارکرد احتمالی خود را هم از دست داده اند.

آنچه مهرداد خامنه ای کارگردانی کرده است از نظر من اساساً تئاتر نیست. وقتی تماشاچی همه ی کات ها و قطع شدن های خط روایی داستان را گل درشت می بیند، وقتی جایگیری بازیگران روی صحنه و طراحی نور هدفی ندارد جز کات دادن (!)، وقتی این بازی Zoom in و Zoom out بارها و بارها روی صحنه تکرار می شود و وقتی بازیگران هیچ اکتی ندارند جز میمیک صورت که آن هم حداقلی است، بی شک ما با تئاتر (حتی گونه ای مدرن از آن) مواجه نیستیم. شاید با گونه ای از سینما مواجه باشیم که می شود آن را سینمای زنده (Live) نامید.

سایر تمهیداتی که خامنه ای درنظر گرفته است تا زاویه روانکاوانه اش با اثر اگزوپری را به مخاطب القا کند و یا ناخودآگاه او را

به سمت و سویی خاص ارجاع دهد نیز چنان مینیمالیستی! (رک بگویم سر سری) رخ می دهند که تماشاچی بعد از اینکه از شنیدن قصه اگزوپری لذت برد (فقط از شنیدن قصه)، اگر آن صحنه های پراکنده را یادش باشد، با آسمان و ریسمان بافتن شاید به حال و هوای مدنظر کارگردان برسد، شاید. حضور کمرنگ دکتر روانشناس، که پشت باجه بلیت فروشی است و دیده شدن و نشدندش محل سوال است، اللقاء فضای تیمارستان تنها با یک

میزانشن تئاتری



جفت دمپایی و دستانی بسته و پایان بندی ضعیفی که می توانست حداقل با حضور مجدد دکتر فضا را بشکند و رویا را به واقعیت وصل کند و ... ؛ پس بعد زاویه دید روانکاوانه کارگردان اثر نیز اگر یادداشت روی بروشور و مصاحبه هایش نباشد اساسا توسط مخاطب درک نمی شود ، چون برای ارجاع دادن مخاطب به آن فضا و حالات ، از عناصر تئاتر کمترین بهره را برده است.

مهرداد خامنه ای کارگردانی است اهل تجربه کردن ، تجربه هایی که گاه نتیجه های خوبی دارد و گاه نتیجه های بد که حتی نام تئاتر را هم نمی توان بر آن نهاد . "شازده کوچولو" از نوع دوم است ، اثری که چنان با اجبار تئاتر را به سوی سینما برده است که از تئاتر چیزی باقی نگذاشته و چنان روی نظریه های روانشناسانه متمرکز شده است که همه چیز را حتی همان دکوپاژهای سینمایی را فدای سوژه کرده است ، بی آنکه فرم حقیقی آن را از دل قصه " شازده کوچولو " کشف کند و مخاطب شانس آورده است که حداقل قصه " شازده کوچولو " دز این مسیر آسیب ندیده است و او می تواند مثل دیدن یک نمایشنامه خوانی و یا شنیدن یک نمایش رادیویی ، از آن لذت ببرد.

المیرا نداف - نویسنده مهمان



به قلم حسن شمس کارشناس و مدرس تئاتر و سینما:

ضد یادداشتی بر نقدِ منتقد تئاتر فستیوال ، بر نمایش "شازده کوچولو"

اشاره : **تئاتر فستیوال** در راستای حمایت از نقد و ایجاد و حفظ دیالوگ بین اهالی تئاتر و مخاطبین تئاتر و نیز پیرو سیاست های دپارتمان نقد **تئاتر فستیوال** ، از همه ی اهل نظر و حتی مخاطبین نمایش ها خواسته و می خواهد که نظرات خود را در قالب نقد و یادداشت ، برای **تئاتر فستیوال** ارسال نمایند تا در صورت تایید ، در بخش یادداشت های شما منتشر گردد.

نمایش "شازده کوچولو" به کارگردانی مهرداد خامنه ای در سی و پنجمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر در بخش به علاوه فجر و در سالن خانه،موزه ی استاد انتظامی اجرا شد . نقدی بر این نمایش با عنوان **"تجربه گرایی تا کجا؟ یا تئاتر با سینما فرق دارد"** در **تئاتر فستیوال** منتشر گردید.

حسن شمس ، کارشناس و مدرس تئاتر و سینما و کارگردان و تهیه کننده فیلم ، در پاسخ به این نقد ، ضد یادداشتی نوشته است و برای انتشار در اختیار گروه آگزیته قرار داده است . مهرداد خامنه ای سرپرست گروه آگزیته این ضد یادداشت را برای انتشار در اختیار **تئاتر فستیوال** قرار داده است . ما نیز از این ضد یادداشت و اساسا از هر گونه دیالوگی استقبال کرده و شما مخاطبین عزیز می توانید این مطلب را در ادامه بخوانید:

حسن شمس (کارشناس و مدرس تئاتر و سینما) - قطعا

سینما با تیاتر فرق می کند و قطعا هر کدام ویژگی های خاص خود را در مدیوم خود می یابد ، اما مگر می توان این دو گونه هنری را از هم بیگانه دانست آن هم زمانی که هر دو در خلق موقعیت و وضعیت دراماتیک هدف مشترکی دارند.

سینما درام ماندگاری تصویر است و تیاتر درام ماندگاری یادو خاطره که در آن خلق می شود و در آن از بین میرود

و نمایشنامه تنها اثر ماندگار تیاتر است که برجا می ماند.

تعریف شما از خلق میزانشن (در تعریف متدوال) برای یک اثر صحنه ای چیست؟ آیا غیر از این است که میزانشن می بایست نهایتا با اثر هم سو و هم خوانی داشته باشد؟ آیا هر اثر میزانشن خاص خود را طلب نمی کند؟ آیا تحرک و جابجایی در صحنه به هر دلیل واهی و غیر منطقی و خلق تصاویر بصری به هر بهانه ای نشان از محاسن یک اثر اجرایی است؟ قطعا جواب این سوالات بر همه ما واضح و مبهرن است.

معتقدم اثر "شازده کوچولو" در بخش ایده و دست یافتن به یک اثر تجربی با شیوه ی اجرایی و خلق موقعیت های دراماتیک هم خوانی خوب و مطلوبی دارد ؛ اما همان به اصطلاح میزانشن ها از سمت گروه



فجر
سیاحت بین المللی
سیاحت بین المللی
سیاحت بین المللی



دچار ضعف اجرا است. البته گفتن این مطلب خالی از لطف نیست که اثر می توانست در شکلی دیگر و قالبی دیگر با به اصطلاح میزانشنی دیگر اجرا گردد.

اینکه در استفاده از مدیوم های دیگر برای یک اثر اجرایی چه ترفندهای مناسبی داشته باشیم تا هم اصالت اثر از بین نرود و هم در افزودن به بار معنایی و احساسی اثر کمک شود موضوعی است که کارگردان و گروه اجرایی به خوبی در تلفیق مدیوم تصویر به اجرا بهره درست را برده اند. تصاویر زوم شده بازیگران بر روی پرده اسکرین هم با قصه اگزوپری هم خوانی دارد و هم منطق روانشناسانه اثر و هم در خلق موقعیت های دراماتیک صحنه ای و نه سینمایی.

بهتر است هر اثر در گونه خاص خود مورد نقد قرار گیرد. آیا استفاده از نور های منقطع و به اصطلاح میزانشن های تکراری معنی و مفهوم خاص خود را دنبال نمی کند؟ آیا تکرار در تعریف جدید هنر امری غیر منطقی و بی معنا است؟ آیا تعریف شما از ریتم همان تعریف کلیشه ای از ریتم غیر ملالت بار است؟ آیا در اجرای یک اثر صحنه ای - اجرایی جدای از ریتم به دنبال تمپوهای یک اثر هنری نیستیم؟

وقتی تماشاگر همه خط روایی داستان را - به اصطلاح غیر علمی و غیر تخصصی شما - گل درشت!!! می بیند و جایگزینی بازیگر و نور فقط هدفی جز کات کردن ندارد وقتی نمایش سرشار از تکرار است و نهایتا در تعریف شما با تیاتر مواجه نیستیم حتی گونه ای از تیاتر مدرن، پس در تعاریف خود شما نمایش "شازده کوچولو" گونه ای از تیاتر پست مدرن را تجربه می کند. تجربه ای که در شکل صحیح آن با انرژی بازیگران توانمند اثر چه بازیگران حاضر بر صحنه چه بازیگران تصاویر ضبط شده ایده های ناب و بی آلاشی کارگردان و دراماتورج را به دور از کلیشه های رایج غلط در تیاترهای شبه روشنگری امروز به پیش می برند.

تعریف شما از سینمای live چیست؟ آیا چیزی از سینمای زنده بر صحنه جاری بود؟ که ای کاش این اتفاق واقعا رخ می داد که اگر این گونه بود گروه به شکلی از تیاتر پست مدرن نزدیک تر می شد. نه حضور و جنس بازیگران حاضر در صحنه و نه تصاویر از قبل ضبط شده ی بازیگران در این اجرا در تعریف پست مدرنیستی سینمای زنده قرار نمی گیرند.

صرف استفاده از کلمه live که از ویژگی های تیاتر است دارای پیچیدگی های فراوان است که گاه تعریف درام را دچار سردرگمی می کند. اگر live بودن ویژگی جدایی ناپذیر درام است پس پخش زنده بازی فوتبال بین دو تیم رئال مادرید و بارسلونا که گاه جمعیتی میلیاردي از مردم جهان به نظاره آن می پردازند در تعریف جدید آن گونه ای از درام است که از مدیومی متفاوت از صحنه دیده می شود و در یک آمفی فوتبال رخ می دهد!!!

اگر تماشاگر واقعا با شکل روایت اجرا از قصه اگزوپری لذت ببرد پس قطعاً کارگردان و گروه در کار خود موفق بوده اند، هرچند معتقدم تماشاگر قصه اگزوپری و قصه گروه اجرایی را در یک مسیر جدید و با نگاهی کاملاً روانشناسانه بدست می آورد و نهایتاً به لذتی می رسد که یکی از اصول و تعاریف ابتدایی درام است.

اگر در تعریف جدید مینیمال، گذر آن هم به صورت سرسری است پس چه نیازی به القا بیشتر فضای تیمارستان است؟

هیچ فضا و موقعیتی در اثر سرسری و بی هدف به آن پرداخت نشده است. فضای ذهنی و روانکاوانه اثر از همان ابتدا با ورود مخاطب به مجموعه و با ورودش به سالن به عنوان تماشاگر (به عنوان دو مکان و دو جایگاه متفاوت)



اتفاق می افتد و در مینیمال ترین شکل ممکن چه در بازی بازیگران چه در طراحی ها و چه در موسیقی اثر به درستی راه خود را در ذهن و قلب تماشاگر باز می کند و روایتی نو از شاهکاری ادبی را می بینیم.

اینکه چرا دکتر در پایان نمایش حضور نمی یابد تا رویا را به واقعیت وصل کند؛ حتی در شکل پیشنهادی شما تنها می تواند در حد یک پیشنهاد و نه توصیه باقی بماند. چرا که کارگردان اثر با ایده های خاص خودش در شکل و شیوه ای تجربی شخص دیگری است و این سؤال هم در ذهنم شکل می گیرد اثری که با شما از ابتدا تا انتهای آن هیچ ارتباطی برقرار نکرده چگونه ذهن شما را درگیر خود می نماید که برای پایان بندی آن ایده و پیشنهاد به گروه ارائه کنید و در اینجا با درست و غلط بودن ایده ی پایان بندی شما هیچ مشکلی ندارم.

شاید یک ایراد اساسی در شکل اجرایی اثر گسست بین بازیگر و تماشاگر است.

در شروع اجرا این حس القا می گردد که تماشاگر جزء جدایی ناپذیر از پیشبرد درام است و با گونه ای از تیاتر آگستو بوالی مواجه هستیم اما بازیگری که در ابتدا با تماشاگران ارتباط صمیمانه ای برقرار می کند که موقعیت های جذاب، تاثیرگذار و زیبا شکل می گیرد و مخاطب را آماده ی گونه ای مشارکت در پیشبرد درام می نماید به ناگاه پس از قطع نور تماشاگران و شروع درام اصلی این ارتباط میان تماشاگر و گروه اجرایی دچار پارگی می شود.

ای کاش کارگردان یا به این ایده جذاب و زیبا در اجرا نمی پرداخت یا در ادامه آن را عقیم نمی گذاشت و با همان شکل تیاتر شورایی با هدف درمان بیماری که دچار روان پریشی های ذهنی است، درام را به پیش می برد. اینجا من پیشنهاد و توصیه ای برای کارگردان ندارم اما دلیلی بر نپرداختن به مسئله ای که خود مطرح می نماید و آن مشارکت مخاطب در پیشبرد درام است را متوجه نمی شوم.

هرچند که متن پیش رو نقد نقد اثر است و نقد خود اثر نیست و بیش از این به نقد اثر نمی پردازم.

در پایان اثر شازده کوچولو اثر مهرداد خامنه ای و تیم خوب و یک دستش قطعاً بدون اشکال و ضعف نیست اما بی شک در دسته بندی هنر جزء آثار دراماتیک صحنه ای قرار می گیرد که به درستی از multi media بهره مند است. نه وصله ای به اثر چسبیده و نه به دنبال اضافه گویی است. نه نمایشنامه خوانی و نمایش رادیویی است و نه قصه اگزوپری به تنهایی.

"جهش" بر فراز تئاتر شهر / گزارش تصویری نمایش خیابانی "جهش"



یادداشتی بر نمایش "دلپچه" به کارگردانی سعید دولتی

تنزل نرخ خنده در بازار تئاتر

با نگاهی گذرا به سر فصل های انواع کمدی در می یابیم که ژانر کمدی و به طور کلی خنداندن تماشاچی در تئاتر حساب و کتابی دارد. اگر بنا بر این بود که به هر قیمتی تماشاچی بخندد دیگر مرز های کمدی از بین رفته و نمایش تبدیل به یک کار آزاد می شد. البته اینکه تئاتر آزاد خوب است یا بد بحث دیگری است و مربوط به این مقال نمی شود. اما آنچه مسلم است عدم حضور این چنین نمایش هایی در جشنواره فجر (لاقبل تا امروز) است.

نمایش " دلپچه " دچار همین اشکال است: خنداندن به هر قیمت.



عدم موفقیت این نمایش در ابتدا به واسطه عدم وجود قصه درست - به لحاظ ساختار - در نمایشنامه است. کششی که باید در قصه و ساختار آن وجود داشته باشد، دیده نمی شود، بنا بر این بار کشاندن تماشاچی تا انتهای نمایش روی دوش شوخی های کلامی و ایجاد موقعیت های طنز، اکت ها، موسیقی، رقص ها و فضا سازی های مد نظر کارگردان افتاده است. که به غیر از موسیقی (که ساخته خود گروه نیست و انتخابی است) کارگردانی اثر از پس هیچ کدام بر نیامده است.

فضا سازی نمایش غلط است؛ چون نه ما را به دنیای اجنه می برد نه در حال و هوای خانه بیژن، نه فضای حمام و نه در جایی که با جن گیر که خود جن است ملاقات می کنند (که معلوم نیست کجاست).

نمایش به جای خلق موقعیت های جذاب و با نمک تمرکزش روی شوخی های کلامی، جنسی است و آنقدر شوخی های جنسی زیاد و سخیف است که دیگر از حد خارج می شود و کارکرد خود را از دست می دهد.

اتصال صحنه ها به هم آنقدر دم دستی است که نمایش را از هر گونه منطق روایی تهی می سازد. اجنه هم به هیچ وجه باور پذیر، حتی در فضای طنز نمایش نیستند؛ چرا که صرفا در نمایش برای تفکیک اجنه از انسان ها به پوشش سیاه کیسه ای!! و نوعی بازی فانتزی غیر قابل باور بسنده شده است و کوچکترین و ساده ترین گریمی دیده نمی شود. همچنین در مواجهه بیژن و منیژه با آنها اصلا میزانشن درستی داده نشده است تا به باور پذیر شدن این موجودات کمک کند و نیز موقعیتی خلق کند جذاب و خنده دار از هم زیستی اجنه و انسان در کنار هم.

بازیگران نیز قوی ظاهر نشده اند. اگر شوخی های جنسی را از بازیگران بگیریم دیگر هیچ چیزی برای بررسی باقی نمی ماند. البته بازیگران مقصر این ماجرا نیستند چرا که نه در متن و نه در کارگردانی هیچ عنصر قابل تاملی وجود ندارد که بازی بازیگر را منطقی کند.

نکته مهم در بازی بازیگران نقش های بیژن و منیژه که واقعا آزار دهنده است؛ خندیدن آنها در حین نمایش است که از شوخی های هم در حین اجرا خنده شان می گیرد و به بدترین شکل ممکن این خنده ها جمع می شود!!

نمایش دلپچه به واسطه مواردی که ذکر شد فاقد عناصر تئاتر کمدی (از هر نوع آن) است. اما این نمایش اثر موافقی خواهد بود اگر به عنوان یک تئاتر آزاد معرفی گردد.

محمدجواد حبیبی - دپارتمان نقد تئاتر فستیوال

داورهای جشنواره تئاتر فجر رکورد تاخیر را در ایرانشهر زدند

- با شروع شدن آثار غیر ایرانی بخش بین المللی ، هنرمندان زیادی در سالن های تئاتر رویت می شوند و از نمایش ها استقبال می کنند ، هنرمندانی که تا امروز کمتر در جشنواره رویت شده بودند!
- نمایش " من ، سیزیف " به کارگردانی وسلکا کونچوآ از کشور بلغارستان در تالار قشقای اجرا شد.
- دکتر محمدرضا خاکی ، شیرین بزرگمهر ، رحمت امینی ، بهزاد فراهانی ، فریبا متخصص ، فهیمه رحیم نیا ، هرمز هدایت ، محمد ساربان ، صمد چینی فروشان ، پارسا پیروفر ، علی عابدی و بسیاری دیگر از هنرمندان برای دیدن این نمایش آمده بودند.
- بازگر این نمایش بعد از اجرا ، یاد شهدای آتش نشان را گرامی داشت.
- گروه های بین المللی میهمان جشنواره تئاتر فجر به دیدن نمایش " خانه ابری " به کارگردانی سیامک احصایی و حمید پورآذری در تماشاخانه ایرانشهر نشستند.
- در حالی که هم سالن و هم گروه نمایشی " پنجاه و چهارمین سالگرد تولد خسرو مرادی " برای اولین سانس اجرای خود در تماشاخانه ایرانشهر آماده بودند ، این نمایش به دلیل تاخیر داوران ۳۵۵ دقیقه دیر روی صحنه رفت . این تاخیر در حالی است که داوران اولین اجرای خود را در این روز را داوری می کردند و نمی توانند تاخیر اجراهای دیگر را دلیلی برای عملکرد خود عنوان کنند.
- می توان گفت بیشترین پویایی و سرزندگی جشنواره ای را تئاتر های خیابانی به مجموعه تئاتر شهر می دهند . در واقع اجرای این نمایش ها هم عده ی زیادی را برای دقایقی جذب تئاتر کرده و بعد از پایان اجرا ها هم با دل و جان گروه ها را تشویق می کنند.
- نمایش خیابانی " جهش " به نویسندگی و کارگردانی بریس باتان از کشور فرانسه با استقبال بسیار، از سه ساعت مددم مواجه شده با ۱۰ دقیقه عده ۱۰۰۰ نفر، محوطه تئاتر شرف

- جمع کرد. این نمایش از جنب شرقی پارک دانشجو (خیابان رازی) شروع شد.
- یک ساعت پیش از شروع این نمایش از ستاد جشنواره در بخش تئاتر خیابانی برای این اجرا، نوار کشی و محوطه اجرای نمایش را مشخص کردند و چند پرژکتور هم نصب شد. مهدی شفیعی (مدیر کل هنرهای نمایشی) و پیمان شریعتی (دبیر اجرایی جشنواره تئاتر فجر) هم در محوطه تئاتر شهر حضور داشته و بر این کار نظارت می کردند.
- محمد هادی عطایی، کارگردان نمایش خیابانی "چهار طبقه" بعد از اجرای نمایش خود، به یاد شهدای آتش نشانی از تماشاگران خواست ۱۵۵ ثانیه بایستند و آنها را تشویق کنند.
- تماشاخانه باران هم مثل سایر تماشاخانه ها در سومین روز از سی و پنجمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر حال و هوایی جشنواره ای نداشت و اجرای نمایش در این سالن همانند اجراهای معمول در طول سال بود.
- امروز نمایش "تنها راه ممکن" به نویسندگی و کارگردانی محمد یعقوبی در این سال اجرا شد. خبرنگاری که در کنار خبرنگار تئاتر فستیوال نشسته بود، در حین اجرا خوابیده بود و صدای خروپف او چنان بلند شد که تماشاچیان ردیف جلوی او برگشتند و او را نگاه کردند.
- نمایش "نیمروز اسکا تلند" به کارگردانی ندا هنگامی با نیم ساعت تاخیر شروع شد. این نمایش با استقبال خوبی از سوی مخاطبان رو به رو شده بود.
- از اتفاقات جالب این نمایش نیز مخاطبی بود که چنان خوابیده بود و خروپف می کرد که صدایش در سالن پیچیده بود.
- ساعت اجرای نمایش "بیست نمایش کوتاه درباره سلفی" به کارگردانی محمد رحمانیان که در سالن آفتاب اجرا می شد تغییر کرد. پیش از این پیامکی از سایت تیوال برای کسانی که بلیت نمایش را خریداری کرده بودند فرستاده شد تا برای اطمینان از ساعت اجرا با سالن آفتاب تماس بگیرند. ولی کسی پاسخگوی این شماره تماس نبود، تا اینکه بعد از چند بار زنگ زدن مشخص شد که ساعت اجرای نمایش ساعت ۱۹ می باشد. این نمایش با بیش از ۲۰ دقیقه تاخیر به روی صحنه رفت.
- تماشاخانه مشایخی با توجه به اینکه نمایش هایی را با گروه های معلول پرتوان به روی صحنه می برد، تا کنون استقبال چندانی از آثار نشده است و با سالن های کم مخاطب رو به رو هستند. حتی خبرنگاران هم برای دیدن نمایش ها به این سالن نمی روند. مسئول گیشه این سالن به خبرنگار تئاتر فستیوال گفت: "از ابتدای جشنواره تاکنون قرار است عکاسی از طرف ستاد برای پوشش تصویری نمایش هایمان بیاید ولی هنوز نیامده است!"



- نمایش " گاوی که می خواست شیر باشد " در این سالن برای گروه سنی کودک آماده شده بود ، ولی برای اجرا ، مخاطب کودکی حضور نداشت . کارگردان این کار پیش از شروع نمایش از حاضرین در سالن خواهش کرد تا سعی کنند کودک باشند و گروه را در حین اجرا همراهی نمایند.
- نمایش " اکسیژن " به کارگرانی مهدی ضیاچمنی از مشهد که در خانه هنرمندان اجرا می شد به دلیل بیماری مهسا غفوریان ، یکی از بازیگران این نمایش اجرای دوم خود را از دست داد و کنسل شد . بعد از آن که مسئول ستاد برگزاری جشنواره حاضر در سالن مطمئن شد که این بازیگر امکان حضور روی صحنه را ندارد به تماشاگرانی که بلیت خریداری کرده بودند گفت می توانند به تئاتر شهر بروند و هزینه بلیت شان را دریافت کنند.
- خوشبختانه نمایش این گروه در سانس اول توسط داوران داوری شده بود.
- امیدواریم مشکل مهسا غفوریان جدی نباشد و هرچه زودتر سلامتی خود را به دست آورد و با خاطره ی بدی جشنواره سی و پنجم تئاتر فجر را ترک نکند.

یادداشتی بر نمایش "دوازده" به کارگردانی جواد خروشا

قضاوت بین واقعیت و حقیقت

قضاوت در خصوص اجرای نمایش "دوازده" همچون مضمون نمایش کاری دشوار است، چرا که شاید اشاره به نواقص اجرا از حوصله خواننده این یادداشت خارج باشد، اما آنچه باید اتفاق بیفتد، تجزیه و تحلیل اجرا و نقد آن است که نگارش آن را الزامی می‌دارد.

نمایش "دوازده" برگرفته از نمایشنامه "دوازده مرد خشمگین" اثر رجینالد رز یک تئاتر



اجتماعی است که سوژه خوبی را مورد بحث قرار داده است. پرداختن به چنین سوژه‌ای به خودی خود این نمایش را متمایز کرده زیرا کارگردان بر سوژه‌ای قابل تأمل دست گذاشته که برای مخاطب ایرانی که غالباً احساس را در قضاوت خود دخیل می‌کند، ملموس است و از گونه مسائلی است که می‌تواند با تماشاگر حس ارتباط ایجاد کند.

"دوازده" جلسه هیات منصفه دادگاه را به نمایش گذاشته که قرار است اعضای هیات منصفه آن که هر کدام از طبقه اجتماعی متفاوتی هستند در آن رای به اعدام یا بخشش پسری نوجوانی که مضمون به قتل پدرش است، بدهند و حکم را به دادستان اعلام نمایند. در ابتدا مخاطب به عنوان یکی از اعضای هیات منصفه خود را درگیر قصه می‌بیند و با آنها همراه می‌شود.

"دوازده" اثری دیالوگ محور است که ریتمی کند، طراحی حرکت و میزانشنی ساده دارد. شاید بتوان گفت که کارگردان خواسته است که تمام توجه مخاطبش را متمرکز بر قصه و شخصیت‌های نمایش، روند تصمیم‌گیری و قضاوت آنها بین واقعیت یا حقیقت کند و به همین خاطر با توجه به طولانی بودن متن و پر پرسوناژ بودن نمایش، ریتمی نسبتاً کند را برای کار انتخاب کرده است و هدفش این بوده که مخاطبان را همچون پرسوناژهای قصه از این همراهی خسته کند.

تا اینجا شاید عملکرد کارگردان به درستی صورت گرفته باشد اما نمی‌توان از عدم خلاقیت او در طراحی صحنه و نورپردازی ناقص گذر کرد. در این نمایش که مخاطبان خود را یکی از اعضای هیات منصفه می‌دانند لازم است در صحنه‌هایی از نمایش

با نورپردازی درست و اصولی این دیالوگ بین تماشاچی و فرم اجرایی بیان شود؛ یعنی به گونه‌ای کارگردان می‌بایست تماشاچیان را در این قضاوت دخیل می‌کرد. ولی متأسفانه در مدت ۸۰ دقیقه شاهد هیچ خلاقیتی در این رابطه نیستیم. همچنین طراحی ساده صحنه نیز روند نمایش را یکنواخت جلوه می‌دهد و کارگردان را مجاب به طراحی میزانشن و حرکتی محدود کرده است.

کارگردان نمایش "دوازده" در پرداخت قصه، ارکان اصلی قصه پردازی را رعایت کرده، نقاط اوج و فرود داستان نیز به درستی صورت گرفته و در هر نقطه پیامی را در خود بنا نهاده است که قابل بحث است. کارگردان نمایش تمام تلاش خود را در شخصیت پردازی دوازده پرسوناژ قصه کرده است، در قسمت هایی از نمایش شاهد دیالوگ گویی بازیگران خطاب به مخاطبان هستیم که مستقیماً شغل پرسوناژها و یا توضیحی در رابطه با معرفی پرسوناژها بیان می شود ولی به دلیل پرداخت نادرست، مخاطب از این اتفاق جا می خورد و آن اثری را که باید بر تماشایی می گذارد.

"دوازده" با بازی بی نقص وحید آقاپور و محمدرضا مالکی عمیق نگاه کردن و سریع تصمیم گرفتن را به مخاطب خود گوشزد می کند. این نمایش از پایان بندی خوبی برخوردار است و در صحنه ی پایانی، مجدد ما را با صحنه ی اولیه اجرا مواجه می کند صحنه ای که جلسه هیات منصفه است با یازده رای موافق و یک رای مخالف و در پایان نمایش با یازده رای موافق و یک رای مخالف نمایش پایان می یابد گویی این روند در قصه ادامه دار خواهد بود و بار دیگر تکرار خواهد شد. این را می توان یک پایان بندی زیبا برای نمایشی خوب دانست.

مرجان سادات هاشمی – دیار تمان نقد تئاتر فستیوال



علیرضا داوری: جشنواره امسال برنامه ریزی و سیستم اطلاع رسانی خوبی داشته است.

نمایش "خون، خور، ملمداس" به نویسندگی و کارگردانی علیرضا داوری از بندرعباس یکی از نمایش هایی است که در بخش مسابقه مرور تئاتر ایران سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر در سالن قشقایی مجموعه تئاتر شهر به روی صحنه رفت. به همین بهانه خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفت و گویی با علیرضا داوری داشته است که می توانید آن را در ادامه بخوانید.



علیرضا داوری با بیان اینکه ریشه روایت ملمداس در ایران به زرتشت و ایران باستان برمی گردد، در مورد این موجود افسانه ای توضیح داد: موجودی به اسم پری جهنمی بوده است که در جنوب به اسم ملمداس شناخته می شود، منتها با روایت هایی که اکثرا به دریا و ناخدایان برمی گردد.

وی ادامه داد: مابه ازای اسطوره ملمداس را حداقل در ۲۱ کشور دنیا ریشه یابی کرده ایم مثلا سیرن های یونان، لاولاری، اندیف ها، نمونه های مختلفی از پری ها هستند که از خانواده ی مرمیدها محسوب می شوند که هر کدام فریبندگی های خاص و روایت های خودشان را دارند.

داوری در مورد نگارش متن و کارگردانی نمایش "خون، خور، ملمداس" به خبرنگار تئاتر فستیوال گفت: به لحاظ ساختار نوشتاری ۳ تا ۴ سال است که در محدوده بیان نمایشنامه دنبال یک ساختار روایت می گردم البته می توان گفت فعلاً بیشتر تجربه و آزمون و خطا است و شاید یکسری خامی ها و نپختگی هایی داشته باشد. از جهت رسیدن به آن مقصودی که زبان مورد نظر اسطوره های منطقه خودم است، تجربه به حساب می آید.

این کارگردان همچنین در مورد اجرای عموم این نمایش در بندرعباس و استقبال مخاطبان گفت: از نمایش استقبال خیلی خوبی شد. در حال حاضر فضای تئاتر در بندرعباس واقعا جا افتاده است و از تئاتر استقبال می شود. شما در هر روزی که به این شهر بیایید شاهد استقبال از نمایش ها خواهید بود. آماری که من دارم تا اردیبهشت تمام سالن های نمایش برای اجرا پر است و به علت کمبود سالن گروه های متعددی در نوبت اجرا هستند.

وی در پاسخ به اینکه آیا در بندرعباس تماشاخانه خصوصی هم وجود دارد، گفت: در بندرعباس تماشاخانه های دولتی به بخش خصوصی واگذار شده اند. در واقع الان هرمرزگان تماشاخانه دولتی ندارد، تمام تماشاخانه ها خصوصی است و باید اجازه بها بپردازند.

علیرضا داوری در پایان با ذکر این نکته که امسال ششمین سال حضور او در جشنواره تئاتر فجر است،

در مورد مدیریت جشنواره امسال گفت: امسال جشنواره رو به رشدی داشتیم. بدون استرس و با یک

برنامه ریزی دقیق و یک سیستم اطلاع رسانی خیلی خوب، همانگونه که انتظار می رفت رو به رو شدیم.



یادداشتی بر نمایش "بازگشت در چهارشنبه آخر سال" به کارگردانی رضا حسینی

انتظاری که برآورده نشد

"بازگشت در چهارشنبه آخر سال" در متن و فرم روایت قصه، گرچه کم، اما به شکل مشهودی به آثار رادی شباهت دارد. روایت قصه، فضا و زمان و مکان رخ دادن آن، شخصیت ها و ... متاثر از آثار رادی است، البته تنها مشقی است از روی دست رادی، چرا که ضعف هایی دارد که به کلیت اثر آسیب می زند

"بازگشت در چهارشنبه آخر سال" قصه ی ساده ای دارد، این ساده بودن در لایه ی اولیه خوب و دلچسب است اما علی رغم تلاش نویسنده و در ادامه کارگردان اثر، برای



خلق تعلیق، افزودن پی رنگ ها و خرده پی رنگ ها و به این وسیله ایجاد گره و نفس گیر جلوه دادن فضای نمایش، موفقیت چندانی در این زمینه بدست نمی آورد.

نحوه ارائه قصه، میزانشن، حتی طراحی نور و صحنه و تیپیکال بودن پرسوناژها در حدی که قصه و تعلیق های احتمالی اش را از همان ابتدا لو می دهند و دیالوگ نویسی های ساده برای نمایشنامه، ما را از ابتدا با اثری مواجه می کند که قصه اش را از آغاز تا پایان می توان حدس زد و این گونه می شود که به علت صحنه ثابت و بدون کوچکترین تغییر حتی در آکسسوار و نورپردازی ثابت و ... چشمان مخاطب نیز با اتفاق جدیدی روی صحنه روبرو نمی شود. پس قصه که از اول لو رفته است، صحنه که ثابت است، شخصیت ها و بازی ها نیز تیپیکال هستند و تماشایی می ماند و چند شوخی و چند صحنه به ظاهر احساسی و همین.

"بازگشت در چهارشنبه آخر سال" می توانست اثری قابل توجه در سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر باشد، چرا که برای قابل توجه بودن از قالب های ساده نمایش ایرانی فاصله نگرفته است و قصه گو است و در پی ارائه پیام های فلسفی عجیب و غریبی نیز به مخاطب نیست، بلکه قصه می گوید و حال در آن میان هر کس می تواند لذت خاص خودش را از آن ببرد.

اما نویسنده نتوانسته است نمایشنامه ای محکم و مبسوط بنویسد و ساده بودن و روان بودن را با سطحی بودن اشتباه گرفته است. اتفاقات و تعلیق ها را زود لو می دهد، شخصیت پردازی ها ناقص است و برای مخاطب سوال های بی جواب بسیاری باقی می گذارد و در کارگردانی نیز به جای بهره بردن از فرم برای القا معنای و حس های مورد نظر نمایشنامه، به دام دیالوگ های سطحی می افتد که همین دیالوگ ها جذابیت حداقلی اثر برای تماشایی (پیدا کردن قاتل و پی بردن به اصل ماجرا) را از بین می برد و دست صاحب اثر را رو می کند.

"بازگشت در چهارشنبه آخر سال" آسیب اصلی را از نمایشنامه خورده است، نمایشنامه ای که با کمی تلاش و دقت می تواند به یک اثری صحنه ای قابل قبول تبدیل شود و انتظار تماشایی را تئاتر مشهد برآورده کند، انتظاری که در این اجرا برآورده نشد.

آرزو شفی - دپارتمان نقد تئاتر فستیوال

گروه حرکت و بدن ماها: باید بهای مالی بیشتری به بخش "به علاوه فجر" داده شود

خانه نمایش دا در دومین شب از سی و پنجمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر میزبان گروه حرکت و بدن "ماها" بود. گروه ماها در این شب باز اجرای چهار اثر از فستیوال ماها را برای مخاطبان به اجرا درآوردند. پس از این اجرا خبرنگار **تئاتر فستیوال** با مصطفی شبخوان، بازیگر تئاتر، کارگردان و سرپرست گروه "ماها" و میترا ضیایی کیا پرورمر این گروه که اپیزود "شکرپاره" را به اجرا در آورد گفت و گویی داشته که در ادامه حاصل آن را می توانید بخوانید:



مصطفی شب خوان در رابطه با شکل گیری گروه "ماها" گفت: "گروه "ماها" تقریباً سه سال است که فعالیت خود را در زمینه ی بدن و حرکت آغاز کرده است. اعضای گروه ابتدا از کارگاه های بدن و حرکت شروع کردند و همگی پیشینه ی تئاتری دارند. در مدت این سه سال نیز در سفرهایی که داشتیم، توسط اساتید داخلی و خارجی، سعی کردیم رویکردی متفاوت نسبت به مقوله بدن و حرکت داشته باشیم".

وی با بیان اینکه اعضای گروه "ماها" در این مدت در کنار هم اتفاقات خوبی را تجربه کرده اند، گفت: "ما در این گروه اجراهای زیادی را تجربه کردیم، اجرا در "به علاوه ی فجر" هم اتفاق خوبی برای ما بود. به این وسیله توانستیم چکیده ای از فستیوال یک سال پیش را که در "خانه نمایش دا" داشتیم را دوباره به صورتی کوتاه به معرض نمایش بگذاریم. ما در گروه "ماها" تشنه یادگیری بیشتر، نقد بیشتر و دیده شدن هستیم و امیدواریم راه اجرای "بدن و حرکت" برای دیگر گروه ها بیشتر باز شود".

میترا ضیایی کیا به عنوان یکی از اعضای گروه "ماها" در پاسخ به این که گروه "ماها" بیشتر بر چه چیز تاکید دارد و آن را به فرم در می آورد، گفت: "ما در این گروه هشت نفر هستیم یک سری از اجراهای ما، کارهای گروهی است که معمولاً کارگردانش آقای شب خوان است، یک سری دیگر کارهای تک نفره و سولو داریم که فرم اجرایی آن بستگی به پرورمر، جهان بینی و دغدغه اش دارد. گاهی مواقع مسائل دنیای شخصی اش و گاهی بازتاب اجتماعی که در آن زندگی می کند، را می کند. کانسپت و کرئوگرافی برای همان شخصی است که تک نفره اجرا می کند همچنین طراحی و انتخاب موسیقی نیز بر عهده اوست".

مصطفی شب خوان با بیان اینکه ارتباطی بین چهار اپیزود انتخابی در این اجرا وجود ندارد و ارتباط آن فقط در دنیای بدن است، گفت: "ما یک گروه هستیم که بیان حرکتی را برای اجرایمان انتخاب کرده ایم. هر



جهان بینی ، طراحی و دنیای خود را دارد . از ابتدا قرار بر این نبود که کاری شبیه به دیگری باشد و یا اپیزودها از یکدیگر کمک بگیرند ” .

میترا ضیایی کیا در ادامه در رابطه با اجرای اپیزود ” شکر پاره ” توضیح داد : من حدود ۱۰ سال است که تئاتر کار می کنم و الان چهار سال است که با دنیای بدن آشنا شده ام و در این حوزه فعالیت می کنم . دغدغه این کار برای من از جایی شکل گرفت که همیشه دوره تاریخی قاجار برایم جذاب بود و به عنوان پرورمر می خواستم به گونه ای متفاوت از تئاترهای دیگر به سراغ این سوژه روم . در نهایت به این طراحی رسیدم . موسیقی در این اجرا نقش بسیار مهمی داشت ولی متأسفانه در اجرای امشب سیستم صوتی سالن جوابگو نبود و خستگی در تنم نماند . چون الان نزدیک به سه هفته است که برای ساخت مجدد موسیقی با موزیسین در حال تعامل هستیم ولی در نهایت به آن نتیجه ای که انتظارش را داشتم ، نرسیدم . کاش به سالن های تئاتر امکاناتی داده شود که سیستم صوتی و نوری بهتری داشته باشند . زیرا در این گونه از کارها چون کلام حذف می شود ، کیفیت موسیقی ، نور و صحنه خیلی تاثیر دارد ” .

مصطفی شب خوان در پایان اضافه شدن بخش ” به علاوه فجر ” را به جشنواره تئاتر فجر اتفاقی خوب ارزیابی کرد و گفت : در این بخش سالن ها به کارهایی که در طول سال بیشتر مورد استقبال واقع شدند و یا تجربه ای نو داشتند ، فرصت دوباره اجرا می دهند . ایجاد چنین فضایی برای گروه هایی که قرار نیست در بخش اصلی شرکت کنند ، اتفاق خوبی است . به نظرم بهتر است که به این بخش بهای مالی بیشتری داده شود . شاید اتفاقات عمیق تر و به روزتری در این سالن ها رخ دهد که نظیر آن را در سالن های حرفه ای و گروه هایی که به ظاهر حرفه ای تر هستند ، نبینیم ” .



نقدی بر نمایش "نیمروز اسکاتلند" به کارگردانی ندا هنگامی

یک تئاتر تجربی اصولی و صادق

"نیمروز اسکاتلند" برشی دلچسب و هنرمندانه از "مکبث" شکسپیر است. ندا هنگامی به عنوان طراح و کارگردان و رضا گوران به عنوان نویسنده مونولوگ های "نیمروز اسکاتلند" به خوبی توانسته اند نمایشنامه ثقیل و سنگین "مکبث" را به نمایشنامه ساده تر و روان تر - برای اجرا با یک گروه جوان - بازنویسی کنند.



این بازنویسی با تعهد به متن اصلی و صد البته با

تعهد به فرم روایی آن انجام شده است و این تعهد حتی تا طراحی پوستر و بروشور ادامه یافته است. یعنی ندا هنگامی ادعا نکرده است نویسنده نمایشنامه ای است به نام "نیمروز اسکاتلند" - مثلاً با نیم نگاهی به "مکبث" - بلکه شجاعانه و صادقانه گفته است:

"نیمروز اسکاتلند" براساس "مکبث" ویلیام شکسپیر، طراح و کارگردان: ندا هنگامی.

و این خود یعنی یک گام بزرگ برای برتری این اثر نسبت به سایر آثار تجربی در تئاتر که این روزها طرفداران بی پروای بسیاری دارد.

در فرم روایت، طراحی میزانشن، حرکات نمایشی، اکت های بازیگران، لحن و شیوه ی بیان و حتی در طراحی صحنه و لباس، "نیمروز اسکاتلند" نیم خیزی است به سوی تجربی بودن و خلق موقعیت ها و تصاویر زیباشناختی ناب و نوین؛ در عین اتصال لازم و کافی به اصول کلاسیک چنین نمایش هایی در واقع ندا هنگامی توانسته است با گروه جوانش و البته به کمک طراحی لباس خوب، طراحی گریم جذاب و در هر دو از طریق شکستن ساختارهای کلاسیک، اثری خلق کند که واقعا نامش "نیمروز اسکاتلند" است. یعنی برشی از "مکبث" که جذاب و دیدنی است و در عین حال که کلاسیک نیست، در دام نوآوری های من درآوردی، بداهه پردازی های بی دانش، تغییر فرم های لوث و لوس نیفتاده است، یک اثر تجربی که در تجربی بودنش اندازه نگه داشته است.

تنها نکته ای که کاش ندا هنگامی به آن توجه می کرد، نحوه مواجهه مخاطب عام با این اثر بود، مخاطبی که به احتمال زیاد "مکبث" را نخوانده است و شاید حتی قصه آن را هم نشنیده باشد. "نیمروز اسکاتلند" چون برشی است از "مکبث" که به گونه ای تجربی روی صحنه رفته است، در قصه گویی برای مخاطبی که داستان را

سی و پنجمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر



نمی داند یک پایش (پای تکیه گاهش) لنگ می زند ، پس مخاطب عام وقتی از سالن خارج می شود ، کمی گیج است که “خب قصه اش چه بود ؟” !

و راه حل این مشکل ، شاید افزودن دو خط خلاصه داستان در بروشور باشد و یا حداقل در مقابل نام بازیگران ، نام پرسوناژهایی را که بازی می کنند ، بنویسند به ویژه اینکه هر بازیگر چند پرسوناژ را بازی می کند و یا یک پرسوناژ توسط چند بازیگر اجرا می شود و خب این پازل برای مخاطب عام به سختی حل می شود ، مگر دو مورد فوق یا حداقل یکی از آنها در بروشور رعایت شود.

تئاتر تجربی خوب ، خوب است و چنین گروه های پرانرژی و جوانی ، با چنین حرکت های آهسته و به امید خدا پیوسته ای ، سازنده ی فردای تئاتر هستند ، جوانانی که در تجربه کردن حد نگه می دارند و زیاده روی نمی کنند و علمی و محکم گام برمی دارند و ما منتقد جماعت را (به عنوان سخت گیرترین مخاطبین تئاتر) راضی و امیدوار می کند.

آرزو شفق – دپارتمان نقد تئاتر فستیوال



فرزین صابونی : امیدوارم هنرمندان از ندیدن "جاودانگی" پشیمان نشوند.

نمایش "جاودانگی" به کارگردانی نیما دهقان با بازی فرزین صابونی در سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر به روی صحنه رفت . در ادامه ماحصل گفت و گوی خبرنگار **تئاتر فستیوال** را با فرزین صابونی به بهانه ی بازی در فرمی متفاوت و سختی های اجرایی با تکنیک ویدئو اینستالیشن می توانید بخوانید :



از نحوه انتخاب شدن تان برای این نقش بگویید ؟ آیا آقای دهقان برای ایفای این نقش ممیزی خاصی را مدنظر داشتند ؟ (با خنده)

من چندین سال است که با نیما دهقان کار می کنم و تا الان حدود هشت کار با هم داشتیم . ایده این کار را او سال گذشته به من گفت و سپس با هم در رابطه با این سوژه صحبت کردیم و بر روی آن ایده کار کردیم ، سپس این کار به صورت گروهی به اجرا رسید و تمام اتفاقات این نمایش از تمرینات ، ایده ها و تا اجرایی شدن آن نتیجه همفکری های همه بچه های گروه است

در نمایش "جاودانگی" تمامی بار نمایش بر عهده ی بازیگر است ، تک پرسوناژ بودن این اجرا با چه سختی هایی همراه بود ؟ آیا پیش از این چنین تجربه ای داشتید ؟

تمام بار بر گردن بازیگر نیست ، بلکه بر عهده آهنگساز اثر ، اتاق فرمان - کارگردان که به صورت تکنیکال سیستم تصویری کار را هدایت می کند - و بازیگر است . یعنی این سه همزمان با هم کار را پیش می برند و اگر یکی از ما کوچکترین خطایی کند ، زحمات کل گروه از دست خواهد رفت . ولی در اجرا و صحنه ی نمایش بازیگر بیش از همه در جلوی چشم تماشاچی است و او گمان می کند که من تنها هستم.

این کار در حقیقت مونولوگی است که دیالوگ ندارد ، یک کار تک نفره است که تنها فعالیت فیزیکی دارد ، من قبلا هم چنین تجربه ای را داشتم و خیلی اجرای "جاودانگی" برایم کار عجیبی نبود . ولی با این وجود نمایش ویژگی های خاص خود را دارد ، زیرا مدل کار متفاوت است ، هر چه در تمرینات و اجراها پیش می رویم هر روز کار بهتر می شود.

تمرینات این نمایش چه مدت زمان برد ؟

از روزهای اول که نیما ایده ی اولیه این کار را مطرح کرد ، قرار بود فضای کار به گونه ای دیگر باشد ، ما طی جلساتی که در مورد این نمایش داشتیم ، چندین مدل مختلف از اجرای این نمایش را تست و تمرین کردیم ، حتی کارهای گرافیکی و تصویری آن ها هم آماده شده بود . ولی مراحل مختلفی را گذراندیم تا به این اجرا رسیدیم . زیرا نظرات خیلی متفاوت بود و در حین تمرین مدام پیشنهادهای مختلفی داده می شد و براساس آن پیشنهادات ، نتیجه های جدیدی می گرفتیم . حتی جدل های زیادی با هم داشتیم و نزدیک به دو ماه این مراحل طول کشید به همین خاطر خیلی دیر به نتیجه نهایی رسیدیم و در نهایت ، کار منجر به آن چیزی شد که الان بر روی صحنه می بینید.

با توجه به این که شما از اولین کسانی هستید که سبک اجرایی ویدئواینستالیشن را در ایران تجربه می کنید ، به نظرتان آیا استفاده از این سبک اجرایی در کشور ما با استقبال مواجه خواهد شد ؟ این سبک چه مقدار جای پیشرفت دارد ؟

در وهله اول باید ببینیم نگاهمان از استقبال چیست ؟ اگر بخواهیم استقبال را از منظر تماشاگر یا فروش نگاه کنیم ، موضوع متفاوت است . به عنوان مثال ما از لحظه اول قرار نبود بر فروش آنچنانی “جاودانگی” حساب کنیم و اصلا این موضوع مدنظرمان نبود ، زیرا در این روزها سلیقه ی تماشاچیان تئاتر به شکل دیگری است و برای آن ها این چیزها اهمیت آنچنانی ندارد ، اکثر آن ها تماشاگرانی هستند که به دیدن کار می آیند تا سرگرم شوند ، یا به دنبال جذابیت های دیگری هستند . با وجود این که هر که کار ما را می بیند ، شگفت زده می شود و برایش این نمایش جذاب است و برخوردهای خیلی مثبت و انرژی بخش از تماشاگران دریافت کردیم ولی باز هم فکر نمی کنم که تماشاگر عادی این روزهای تئاتر ، از این سبک اجرایی استقبال زیادی کند ، مگر این که کسانی بیایند و این تکنیک و سبک را با عوامل جذاب برای تماشاگر ترکیب کنند ، مثلاً یکی از جذابیت هایی که این روزها وجود دارد ، کمدی بودن کار و یا حضور چهره های خیلی پرطرفدار مردمی است . اگر این سبک اجرایی با این عوامل ترکیب شود ، ممکن است حتی از کارهای دیگر نیز جذابیت بیشتری پیدا کند.

به نظر من این سبک اجرایی در ایران جای پیشرفت دارد . ولی لازم است که فرهنگ تماشاگر تغییر کند و یا در غیر این صورت باید کاری که تئاتری ها چندین و چند سال است می کنند ، بار دیگر تکرار شود ؛ آن ها خودشان را به سلیقه تماشاگر نزدیک می کنند ، ولی حیف است که چنین سبک و تکنیکی را فدای سلیقه تماشاگر کرد چون وظیفه همه ی ما فرهنگسازی ما در “جاودانگی” تمام تلاشمان را کردیم که این اتفاق بیفتد ، حال بقیه ماجرا با مسئولین و کسانی است که می توانستند از کار حمایت کنند ولی تا الان نکرده اند.

یک ویژگی مهم نمایش “جاودانگی” را می توان میزانشن های اصولی و دقیق آن دانست . اجرای چنین میزانشن هایی چقدر به مهارت بازیگر و چه میزان به تمرکز او وابسته است ؟ چگونه از عهده این مهم برآمدید ؟



اجرای “جاودانگی” اصلا کار ساده ای نیست. من هرچه بگویم تعریف از خود می شود، ولی واقعا کار سختی است. بازیگر این نمایش باید این کار را دوست داشته باشد و اجرای چنین سبکی را قبول داشته باشد زیرا خیلی از بازیگران ما هستند که وقتی به شکل تئوری، برای آنها چنین کاری را توضیح دهید شاید دوست نداشته باشند و آن را قبول نکنند. هر بازیگری که چنین کار را قبول می کند باید با تمام وجودش توان بگذارد. کارهای نیما دهقان معمولا خیلی بازیگر محور نیست. یعنی بازیگری که در کار او بازی می کند به این دلیل نیست که به عنوان بازیگر در آن کار دیده شود، زیرا بیشتر بازیگر باید در خدمت کارگردانی، میزانش ها و فرم اجرایی کار قرار گیرد. به همین خاطر خیلی با کارهای دیگر تفاوت دارد و باید بازیگر این کار خودش نیز دغدغه چنین کاری را داشته باشد و برای اجرای آن انرژی بگذارد، تا بتواند کار را قابل قبول ارائه دهد. این کار آمادگی جسمی می خواهد، برای این کار باید به شکل جدی تمرین داشت، و اگر بازیگری نتواند آن آمادگی جسمی لازم را داشته باشد، از پس کار بر نمی آید. من در ابتدا چند دقیقه از کار را که تمرین می کردم، خسته می شدم و استراحت می کردم در صورتی که من آمادگی داشتم ولی کار به شدت سخت بود، الان بعد از چند اجرا فشار کار مقداری کمتر شده است، تمرین زیاد و دل به کار دادن به نظر من کلید موفقیت چنین کاری است.

با توجه به سختی هایی که عنوان کردید، آیا حاضرید بار دیگر در چنین سبکی حضور داشته باشید؟
بله صد درصد. من این کار را دوست دارم.

چه میزان از استقبال مخاطب راضی هستید؟

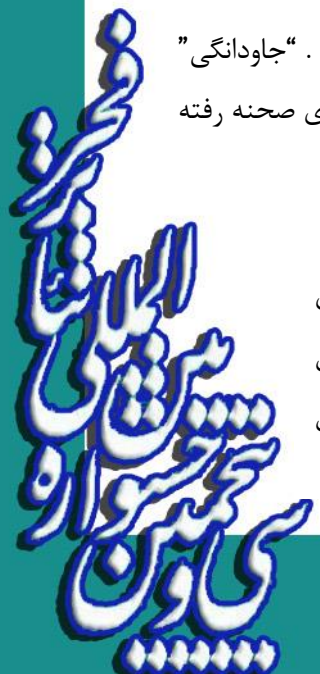
همانطور که گفتم ما نگاه تجاری به این کار نداشتیم، هرچند دوست داشتیم هزینه هایی که کردیم، جبران شود. ولی فروش خیلی متوسطی داشتیم و استقبال آنچنانی از کار نشد. در حالی که ما توقع بیشتری داشتیم و فکر می کردیم که مخاطبانمان باید خیلی بیشتر از این ها باشد. البته خیلی ناراضی نیستیم. ولی از جامعه هنرمندان توقع داشتیم، همچنین دوست داشتیم که اساتید و دانشگاهی ها بیایند و این کار را ببینند، چون این کار از آن دست کارهایی است که می شود راجع به آن حرف زد، من در طی سال ها فعالیتیم در حوزه تئاتر، بر روی این کار به عنوان یک کار خوب ادعا دارم و اعتقاد دارم این کار یکی از کارهای خوب است و برایم بسیار عجیب است که جامعه هنری از آن استقبال نکرد و مخاطب های ما خیلی از جامعه هنری نبودند و آنطور که فکر می کردیم به دیدن این نمایش نیامدند.

توضیح مختصری راجع به نمایش دهید.

ما هیچ عکسی از این کار منتشر نکردیم، معتقد هستیم که مخاطب تا وقتی کار را نبیند، متوجه آن نخواهند شد. “جاودانگی” یک کار تکنیکال و فنی است، تمام کار در واقع با تصویر است، که برای اولین بار در ایران به شکل متفاوت به روی صحنه رفته است. “جاودانگی” به درگیری های روزمره و آنچه این روزها زندگی مردم را درگیر خود کرده اشاره دارد.

و حرف پایانی؟

امیدوارم که من بعد از این کار با جامعه هنرمندان علی الخصوص تئاتری ها برخورد نکنم، چون به آنها حرف های خوبی نخواهم زد. برایشان متاسف هستم که به خودشان زحمت ندادند و به دیدن این کار نیامدند به غیر از هنرمندان معدودی که تعدادشان کمتر از انگشت های دست است. امیدوارم آن ها از این که این کار را ندیدند، پشیمان نشوند.



نقدی بر نمایش " مستاجر " به کارگردانی ستاره امینیان

مالیخولیای استیجاری

مسیر تبدیل شدن یک رمان (novel) به یک نمایشنامه و دراماتورژی کردن آن برای یک اثر صحنه ای مسیری پیچیده ، طولانی و بعید است . مسیری که پیمودنش کار هرکسی نیست و تلاش های صورت گرفته در این مسیر اغلب منجر به شکست شده اند ؛ مگر انگشت شماری . چرا که اساساً مدیوم رمان با نمایشنامه متفاوت است و این قالب ها هر یک سوژه ی خاص خود را



می خواهند و هر سوژه ای را نمی شود به زور به ابژه ای مثل رمان یا نمایشنامه سنجاق کرد . چنان که از هیچکاک نقل است که دو بز فیلمی را که از کتابی اقتباس شده بود می خوردند ؛ یکی از آنها گفت : کتابش بهتر بود!

"مستاجر" به کارگردانی ستاره امینیان نیز از جمله ی همان شکست های پر تعداد در حوزه اقتباس است . امینیان در تبدیل رمان " مستاجر " به قلم رولان توپور کمترین توجه را به اصل اثر داشته است و بیشتر از اینکه تحت تأثیر رمان باشد تحت تأثیر فیلم پولانسکی است ، و با حذف اغلب زمینه های روانشناسانه رمان توپور و پناه بردن به تعلیق های ساختگی و ایجاد صحنه های جنایی برای اثر ، پشت به منبع اقتباس ، همه ی چارچوب ها را در هم شکسته است و تنها ایده ی اولیه رمان " مستاجر " را در خلق نمایشی با همین نام مورد استفاده قرار داده است و این گونه می شود که روند تحول پرسوناژ اصلی نمایش منطقی ندارد و خلق الساعه به نظر می رسد و غیر قابل درک .

در واقع امینیان ایده ی رمان " مستاجر " را در اختیار گرفته و بعد هر بلایی که خواسته است بر سر آن آورده و در مسیر شخصی سازی اثر از منبع اقتباس دور و دورتر شده است و چنان ناشیانه این مسیر را طی کرده است که نه از قصه و ایده ی اولیه چیزی باقی مانده است ، نه از فرم روایت ، نه از شخصیت ها و پرداخت آنها ، نه از پیام و فلسفه ی احتمالی پنهان در اثر .

هیچ چیز باقی نمانده است .

در " مستاجر " به کارگردانی امینیان قصه ای در کار نیست ، آنچه به عنوان قصه به تماشاچی عرضه می شود تنها یک طرح اولیه است که نه زمان دارد ، نه مکانش مشخص است و نه موقعیت را برای مخاطب تشریح می کند . فضا سازی حاصل از این طرح اولیه با دکوری سرشار از آکسسوار فلزی ، طراحی شده در عمق صحنه با میزانشنی خطی و بدون عمق ، درست برخلاف طراحی صحنه ؛ فضایی مالیخولیایی ایجاد می کند که شاید به نظر بیاید که هدف کارگردان همین حس خوابگونه و مالیخولیایی باشد ؛ اما چون این فضا سازی بر بستر قصه شکل نمی گیرد ،

مالیخولیای
سی وین سوارا



و پرسوناژها شبیه پرسوناژهای بسیاری از نمایشنامه ها و رمان هایی هستند که احتمالاً مخاطب قبلاً آنها را خوانده است و به شدت تئیکال هستند و چون منطقی در کلیت اثر وجود ندارد تا مهره های پراکنده ی آن را به هم متصل کند ؛ این فضای مالیخولیایی تنها ریتم اثر را کند و کندتر می کند و چشمان خسته ی مخاطب را که برای دیدن نمایش به عمق صحنه ای با کمترین نور ممکن خیره شده است ، میهمان خواب می کند . چنانکه در اجرایی که من حضور داشتم عینا به خواب رفتن مخاطبین را دیدم.

و به این اضافه کنید بوی تند آب ژاول را که برای تمیز کردن آپارتمان توسط سرایدار استفاده می شد و اصرار کارگردان به این میزان از واقعی بودن نظافت ، اصلاً قابل درک نیست!

تنها چیزی که تماشای این نمایش بی پایه و اساس ، خسته کننده و اطواری را برای من به عنوان مخاطب قابل تحمل می کرد بازی درخشان مرتضی اسماعیل کاشی است ؛ که در هر اثری - خوب یا بد - خوب ظاهر می شود و به نظر من از هم نسلان خودش یک سر و گردن بالاتر است ، البته در زمینه بازیگری . و می تواند استانداردهای بازیگری را در هم نسلان خودش ارتقا دهد ؛ البته به شرطی که در آثاری حضور پیدا کنند که این میزان از استعداد و توانایی در مسیری درست و هنرمندانه خرج شود و الا حضور در آثاری با سطح کیفی " مستأجر " که مخاطب از هر قشری را ناراضی روانه ی خانه می کنند ، به مرور موجب تباهی هنر او در زمینه بازیگری خواهد شد.

تجربه ی گونه ها و ژانرهای مختلف در حوزه تئاتر هم نفع تئاتر و هنرمندان تئاتر است و هم به نفع مخاطب تئاتر . اما تجربه کردن چیزهای نو نیازمند مشق نوشتن های طولانی مدت است و نباید فراموش کرد که زرق و برق های فرمالیستی ، پناه بردن به آنچه این روزها هنر امپرسیونیستی (!) می نامند و هر شلنگ تخته ای را به نام تئاتر مدرن به خورد تئاتر و مخاطب تئاتر دادن ؛ نه به نفع تئاتر است ، نه به نفع هنرمندان و نه به نفع مردم.



بریس باتان : اصل تئاتر خیابانی پرداختن به مسائل اجتماعی است.

نمایش خیابانی " جهش " به نویسندگی و کارگردانی بریس باتان از کشور فرانسه یکی از نمایش هایی است که در سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر در محوطه تئاتر شهر اجرا شد . به همین بهانه خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفت و گویی با کارگردان این اثر نمایشی داشته است که می توانید آن را در ادامه بخوانید.



بریس باتان با بیان اینکه ۴ سال است که کمپانی تئاتر خیابانی " تاک ا تاک " را تاسیس کرده است ، در توضیح نمایش خود گفت : این نمایش جزو اولین اجراهای کمپانی ما است که نامش (" take off " جهش) است که داستان ۳۳ منجم است که داستان شان را از روی کره ی ماه تعریف می کنند . ما برای اجرای نمایش از چوب پا استفاده کرده ایم که روی آن می ایستیم . در واقع اولین گروهی در دنیا هستیم که این نوع نمایش را اجرا می کنیم.

وی با اشاره به اینکه ایده ی اولیه نمایش در سال ۲۰۱۲ شکل گرفت ، درباره تغییرات نمایش در این ۴ سال گفت : قطعاً در این ۴۴ سال اجرایمان خیلی تغییر کرده است و از این به بعد هم خیلی تغییر خواهد کرد چرا که هر موقع ایده ی جدیدی پیدا می کنیم از آن در این کار استفاده می کنیم.

این طراح صحنه و کارگردان تئاتر با ذکر این نکته که کمپانی " تاک ا تاک " تئاتر صحنه ای اجرا نمی کند ، به خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفت : کمپانی ما مخصوص تئاتر خیابانی است و ما به این خاطر تئاتر خیابانی کار می کنیم که همه ی آدم ها می توانند آن را ببینند.

وی در ادامه افزود : ما الزاماً به سوژه های روز نمی پردازیم . اصل تئاتر خیابانی پرداختن به مسائل اجتماعی است و سوژه های ما افراد فقیر و حتی پولدار هستند یعنی ما هر قشری را می توانیم در بر بگیریم ولی نکته ی آن این است که به سیاست کاری نداریم.

بریس باتان با نام بردن کشورهایی که در آن ها اجرا

داشته اند ، در مورد استقبال مخاطبان ایرانی گفت

ما در رومانی ، اسپانیا ، ایتالیا ، لهستان ، هلند ، ایرلند ، بلغارستان ، فرانسه ، بلژیک و ... این نمایش را اجرا کرده ایم . مخاطبان در ایران عالی بودند و برای آن ها خیلی تاثیر گذار بود . مثلاً ما در هلند این نمایش را اجرا کرده ایم ولی مردم اصلاً حرکتی نکردند ، فقط آخر نمایش دست زدند.



یادداشتی بر نمایش "خر مهره" به کارگردانی محسن قصابیان

نمایشی برای رضایت مخاطب و منتقد!

نوشته های فرهاد نقدعلی را نمی شود دوست نداشت. ساده ، قصه گو ، با ریتمی دلپذیر و البته به روز.

حاصل کارگردانی قصابیان بر نمایشنامه "خرمهره" نقدعلی نیز مانند نمایشنامه ، اصولی است و ساده و دلچسب.

قصه گو است ، قصه ای روان و در عین حال دارای گره ها و تعلیق هایی که تماشاچی را جذب نمایش می کند و ریتم نمایش را دلپذیر نگه می دارد .



مکان ، زمان و موقعیت داستان نیز مشخص است و کارگردان نیز به هیچ وجه قصد ندارد با شوخی ها و یا جملات سیاسی ، ماجرا را به امروز پیوند بزند و مخاطب را گول زده و جذابیت کاذب ایجاد کنند.

میزانسن ها نیز هوشمندانه هستند و معنا دار ، بی هیچ شلنگ تخته ای و بی هیچ دکور آنچنانی و حرکات و جای گیری های زاید و بی معنا و خارج از اندازه . همه چیز صحنه ، از دکور گرفته تا همه آکسسوار صحنه و اکت بازیگران و موسیقی در خدمت نمایش است و قصه.

موسیقی نمایش گرچه نوعی گرتنه برداری از آثار و سبک محسن نامجو است ، اما کاملاً بر اثر و فضای آن منطبق است و در ایجاد ریتم و پیش برد نمایش کارآمد و به نوعی دارای پرسوناژ . در واقع موسیقی ، هدایت گر دیگر پرسوناژها بود و به آنها فرمان می داد که چه کنند و چه نکنند.

بازیگران نیز بی هیچ حرکت اضافه و کاملاً مسلط ، به اجرای نقش های خود می پردازند و بازی های کنترل شده ای دارند با کمترین تپق در گفتار و رفتار.

همه اینها در کنار هم ، مخاطب را مجذوب نمایشی می کند . نمایشی که گرچه قصه اش در گذشته می گذرد ، اما حرف امروز است و حال و اوضاع خود مخاطب را در زندگی ماشینی و به زور مدرن شده امروز روزش به یاد او می آورد ، بی هیچ شوخی اضافه ، بلکه با طنزی روان و زیرپوستی و بی هیچ حرف و متلک سیاسی بی مایه که شاید نمایش را برای عده ای جذاب کند اما بی شک جذابیتی کاذب است که از اثرگذاری نمایش و درک شدن پیام واقعی آن توسط مخاطب می کاهد.

کارگردان "خرمهره" در اجرای نمایشنامه نقدعلی ، به یک اجرای موفق دست یافته است ، اجرایی متشکل از یک فضا سازی درست ، میزانسن های معنا دار و منطبق بر قصه و انتخاب بازیگر و گروه به جا و درست که نتیجه همه اینها ، هم مخاطب را راضی می کند و هم اهل فن را و هم منتقدین را.

المیرا نداف - نویسنده میهمان

موسیقی خبری تحلیل



گزارش تصویری نمایش خیابانی "هفت خوان"



سیامک احصایی : متن " خانه ابری " بر اساس روزمرگی نوشته شده است.

نمایش " خانه ابری " نوشته نشمینه نوروزی و زمان وفاجویی و به کارگردانی سیامک احصایی و حمیدپور آذری در بخش مسابقه بین المللی سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر دارد . به بهانه اجرای این نمایش خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفت و گویی با سیامک احصایی داشته که در ادامه می توانید آن را بخوانید:



سیامک احصایی کارگردان نمایش " خانه ابری " در ابتدا درباره روند نگارش متن گفت " : این کار به شکل کارگاهی در بخش های بازیگری ، نویسندگی و کارگردانی از چند ماه پیش آغاز شد . در ابتدا همه چیز از صفر و از چند کلمه ساده شروع شد . سپس تمرین کردیم و در حین تمرین ، متن نوشته شد تا کم کم روند آن پیش رفت و در نهایت به این نمایشی که دیدید، تبدیل شد."

احصایی با بیان اینکه هیچ ایده ی اولیه ای برای این نمایش وجود نداشت ، توضیح داد " : من و حمید پورآذری از قبل می دانستیم که دوست داریم با هم کار کنیم ، سپس تصمیم گرفتیم و گروه نمایش را جمع کردیم . ما در ابتدا فقط می دانستیم که می خواهیم بر اساس روزمرگی کار بسازیم ، طبق معمول همیشه از یک سری اتود ، کلام و جمله شروع کردیم و هر اتود را به جایی رساندیم و کم کم تبدیل به تصویر شد و در آخر برای آن تصویر متن نوشتیم."

وی نمایش " خانه ابری " را به آینه ای تشبیه کرد که مقابل آدم ها گرفته می شود و در این باره گفت " : شاید در آینه ای که ساخته ایم ، ما آدم ها بتوانیم آن چیزی را که هستیم ، ببینیم . ولی این که آن فرد می خواهد چه کند ، به خودش مربوط است و ما در آن دخالتی نمی کنیم . چون به نظر من آگاهی از این که چه هستیم ، کجا هستیم و به چه شکل هستیم ، خود یک خط مشی و شرایطی را تعیین می کند که بدانیم باید چه عملکردی داشته باشیم . این نمایش به نظر من فقط آن آینه است."

احصایی با رضایت از واکنش مخاطبان نسبت به این نمایش گفت " : تماشاچی تئاتر ، نه تماشاچی عام با این نمایش ارتباط برقرار می کند ، آن را می فهمد و راجع به آن حرف می زند . جالب است که نوع برداشت های افراد متفاوت است . ولی پایه همه آن ها یکی است . همه می دانیم که دچار تکرار روزمرگی و ماندن در یک دوره هستیم."

این کارگردان و طراح صحنه در پاسخ به این که برای نشان دادن روزمرگی بیشتر از چه المان هایی استفاده کردید، گفت " : تکرار کارهای بیهوده ، چرخشی که هیچ گاه انجام نمی شود و نتیجه خاصی ندارد ، فقط مدام حرکت می کند".

وی در رابطه با دلیل نام نهادن " خانه ابری " بر این نمایش گفت " : ما به نوعی احساس کردیم که " خانه ابری " اسم خوبی است . وقت انتخاب کردن اسم به این فکر نکردیم که حتما باید مفهوم خاصی داشته باشد . ما این اسم را دوست داشتیم. در هر حال به شرایط بارانی و چکه کردن سقف این خانه ؛ سقفی که هر لحظه ممکن است فرو بریزد ، ارتباط داشت".

سیامک احصایی در ادامه در خصوص جشنواره بین المللی تئاتر فجر به خبرنگار تئاتر فستیوال گفت " : در جشنواره تئاتر فجر آنچه مهم است ، این است که که جشنواره خوب و بی دردسر برگزار شود . در آن کارهای قابل دیدنی حضور داشته باشد و همه چیز نظم خوبی داشته باشد تا مخاطب بتواند آن کارها را انتخاب کند و بدانند که چه چیزی و به چه دلیلی می خواهد ببیند".

کارگردان " خانه ابری " در پاسخ به این سوال که آیا جشنواره تئاتر فجر در طول سال هم بر تئاتر ما تأثیر می گذارد توضیح داد " : بله ، ۱۰۰٪ تأثیر دارد . خیلی از گروه ها به این دلیل کار می کنند که در جشنواره دیده شوند ، برخی دیگر فکر می کنند جشنواره برای آن ها یک سکو است . ما همیشه آدم هایی از نقاط مختلف دنیا نداریم که بیايند کار ببینند . هیچ وقت فیلم کار شبیه خود کار نمی شود و جشنواره تئاتر فجر تنها اتفاقی است که آدم های مختلف از گوشه و کنار دنیا می توانند ببینند که در تئاتر ایران چه می گذرد و بدانند که هنر در این مملکت چه جایگاهی دارد . ما نیز به واسطه جشنواره تئاتر فجر می توانیم کارهایی را که در شرایط دیگر باید با سفر به ۲۰ کشور دنیا ببینیم را در همین جا ببینیم . نه به این دلیل که بگویم اجراهای خارجی اتفاقات خارق العاده ای هستند . به دلیل اینکه می توانیم ببینیم که آن طرف چه خبر است و چه اتفاقاتی دارد می افتد و چه چیزهایی از آن به درد ما می خورد و می توان چه استفاده ای از آن کرد".

یادداشتی بر نمایش "حادثه در ویشی" به کارگردانی منیژه محامدی:

قابل قبولی که اقناع کننده نبود

دیدن نام منیژه محامدی به عنوان کارگردان یک اثر آنقدر جذاب است که می تواند تو را برای دیدن آن نمایش مشتاق کند ، به ویژه آنکه آخرین اثر او به نام " روز ولنتاین " نمایش خوب و جذابی بود به گونه ای که در خاطر من باقی مانده است به همین دلیل برای دیدن "حادثه در ویشی" بسیار مشتاق بودم.

محامدی با تجربه ای که از سال ها فعالیت خود در



عرصه ی تئاتر اندوخته ، نمایشی را به روی صحنه برده است که می تواند مخاطب را راضی به بیرون سالن هدایت کند.

نمایشنامه از آرتور میلر است یکی از نمایشنامه نویسان مورد علاقه ام . میلر نمایشنامه نویسی قصه گو است و در "حادثه در ویشی" نیز قصه می گوید ، قصه ای مربوط به آشویتس و داستان هلوکاست.

داستان نمایش به گونه ای است که پرسوناژها وارد اتفاقی که گویا اتاق بازجویی است می شوند و براساس اینکه یهودی باشند یا نه سرنوشت متفاوتی خواهند داشت . تماشاگر پرسوناژها را در اتفاقی که گویا اتاق انتظار است می بیند یعنی همان صحنه ی نمایش که دکوری کاربردی و در عین حال ساده دارد . دریچه ای که نقطه ثقل صحنه محسوب می شود و در واقع ورودی به اتاق بازجویی است به وسیله ی طراحی نور و موسیقی می تواند دلهره آور باشد و نکته ی جالب توجه در آن این بود که یهودیان در زمانی که در واقع به مرگ محکوم می شوند گویی درون اقیانوس انداخته می شدند ، چیزی که برخلاف دریافت های همیشگی ما از آشویتس است.

محامدی زیر و بم های صحنه ها را به گونه ای می شناسد که توانسته میزانسن های عالی را خلق کند که برای بیننده مجموعه ای از قاب های زیبا باشد . میزانسن هایی که محامدی طراحی کرده ، به گونه ای است که کارگردان های جوان ما بایستی بارها آن را مشق کنند و الگوی خود قرار دهند.

او از موسیقی سوء استفاده نمی کند و آن را برای تاثیرگذاری بر مخاطب به کار نمی گیرد بلکه موسیقی ، کاربردی درست و به جا دارد.

اما همه ی این ها براساس توقعی که از منیژه محامدی می رفت ، کافی نبود.

با آنکه " حادثه در ویشی " قصه می گوید اما متأسفانه به درستی برای مخاطب پرداخت نمی شود و برخی از



پرسوناژها در معرفی خود الکن عمل می کنند و به همین دلیل در صحنه هایی که بایستی مخاطب را تحت تاثیر قرار دهند ، این اتفاق رخ نمی دهد . به طور مثال افسر نازی (با بازی محمد نادری) مشخص نیست که چگونه شخصیتی است ! از اینکه افسر نازی است ، پشیمان است ؟! برای پایش چه اتفاقی افتاده که می لنگد ؟! بالاخره می خواهد به یهودیان کمک کند یا آنکه با آن ها دشمن است ؟! و ...

همانطور که در ابتدا اشاره شد داستان نمایش این گونه است که پرسوناژها یکی یکی وارد اتاقی که گویا اتاق بازجویی است می شوند و اگر یهودی باشند به مرگ محکوم می شوند . اما متأسفانه در این روند ، تعلیقی وجود ندارد و تنها مخاطب منتظر می ماند که نوبت فرد بعدی شود . این عدم تعلیق باعث می شود که نمایش در جاهایی از ریتم بیافتد و مخاطب را خسته کند .

شاید یکی از دلایل این اتفاق بازی نه چندان خوب بازیگران هم باشد . گرچه برخی از بازیگران به خوبی عمل می کنند اما اگر بخواهیم در مجموع گروه بازیگران را ارزشگذاری کنیم ، در حد قابل قبولی ظاهر نشده اند .

در مجموع می توان گفت “حادثه در ویشی” نمایشی قابل قبول است چرا که قصه می گوید و میزانشن های درست و استانداردی دارد . اما زمانی که نام منیژه محامدی می آید توقعات بالا می رود و منتظر دیدن نمایشی بی نقص و تمام عیار هستیم و به دلیل نواقصی که در بالا ذکر شد چون این انتظار برآورده نمی شود ، “حادثه در ویشی” قانع کننده عمل نمی کند .

فرهاد ابراهیمی والا – دپارتمان نقد تئاتر فستیوال

لیلی عاج : تئاتر فجر فرصتی برای بازتولید خوب آثار است.

نمایش " خواب زمستانی " به نویسندگی و کارگردانی لیلی عاج در دومین روز از سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر در تالار انتظامی خانه هنرمندان ایران اجرا شد . به بهانه ی اجرای این نمایش و حضور آندر بخش مسابقه مرور تئاتر ایران خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفت و گویی با کارگردان این نمایش ترتیب داده است که در ادامه می توانید آن را بخوانید :



لیلی عاج در ابتدا در رابطه با نمایش سه اپیزودی " خواب زمستانی " گفت : ایده اولیه از اینجا شروع می شود که من در زندگی از دو چیز بسیار می ترسم ؛ یک بی پولی و دیگری مرگ . هر دو برای من مبهم است . این سوال در ذهنم است که اگر بی پول شوم ، فردای زندگی من چه می شود ؟ یا فردای بعد از مرگ من چه خواهد شد ؟ مهمترین مسئله در این نمایش هم همین دو مورد است .

عاج در خصوص نحوه شکل گیری شخصیت های نمایش گفت : نمی توانم بگویم پروسه ای عجیب و غریب را طی کردم تا این شخصیت ها شکل بگیرند ، فقط می توانم بگویم همه ی شخصیت های این نمایش در اطراف ما وجود دارند و برای پیدا کردن آنها فقط کفایت با دقت نگاه کنیم .

کارگردان نمایش " خواب زمستانی " با اشاره به هزینه های بالایی که گروه های نمایشی باید برای اجرای اثرشان متقبل شوند گفت : مهمترین موضوع در تئاتر بی پولی است ، اینکه من باید برای اجاره یک ساعت پلاتو پول پرداخت کنم . من پیش از حضور در جشنواره این نمایش را در یک سالن کوچک اجرا کردم که ابعادش با این سالن فرق داشت . برای این اجرا در جشنواره مجبور شدم دکوری جدید بسازم . همه این ها باعث ایجاد هزینه برای گروهی می شود که ستاره هم ندارد تا بتواند در اجرای عموم بفروشد . کاری که کاملاً دانشجویی است ، هزینه مالی آن برای من خیلی سنگین است .

وی با اشاره به اینکه در متن این نمایش هیچ تغییری بوجود نیامده است ، خاطرنشان کرد : فقط برای اجرای این نمایش در جشنواره تئاتر فجر به دلیل متفاوت بودن ابعاد سالن دکورمان را عوض کردیم و این مهمترین تغییرمان بود .

عاج در رابطه با اضافه شدن بخش مسابقه مرور تئاتر به جشنواره تئاتر فجر گفت : من از آقای دکتر

تشکر می‌کنم. در مدت اجرای عموم نمایش نقدهایی برای کار نوشته شده و نقاط ضعف و قوت آن بیان شده است. وقتی نمایش وارد مسابقه می‌شود و قرار است اثر داوری شود، فرصتی ایجاد می‌شود تا خودمان را مرتفع کنیم. مهمترین ویژگی که این مسابقه دارد این است که سعی کنیم خودمان را باز تولید خوب کنیم و به سمت رفع عیوب پیش برویم."

کارگردان نمایش "خواب زمستانی" در پایان با اشاره به فاجعه ساختمان پلاسکو و اتفاقی که برای بازیگر نمایشش افتاد، گفت: "آقای مهرداد پژوهش همسر خانم یلدا عباسی بازیگر نمایش هستند که همیشه حامی مالی و معنوی ما بودند، ایشان جزو شهدای آتش نشان نیستند، اما متأسفانه تمام مغازه و اموالشان را در این حادثه از دست دادند. در حالی که اسفند ماه مراسم عروسی آن‌ها بود. برای جوان از دست دادن ناگهانی اموال و دارایی، خیلی سخت است. این همان بی‌پولی است که ما از آن می‌ترسیدیم. حال روحی بازیگر من خیلی بد بود نه ایشان بلکه تمام گروه ما، اما خودش را به اجرا رساند و من فکر می‌کنم جادوی تئاتر است که این اتفاق می‌افتد."



یادداشتی بر نمایش "پزشک نازنین" به کارگردانی حسین رحیمی

پزشکی نازنین به نام تئاتر

اگر می خواهید بدانید بزرگ نمایی چیست و چگونه می توان درست و به جا اگزجره بود ، به تماشای تئاتر "پزشک نازنین" به کارگردانی حسین رحیمی بروید.

اساسا داستان های کوتاه چخوف و برخی نمایشنامه هایش با نوعی بزرگ نمایی دلچسب همراه هستند . شخصیت هایی تیپیکال که هر یک زیر ذره بین چخوف ، بزرگ تر شده و می شوند نماینده ی طبقه خودشان.



در "پزشک نازنین" نوشته نیل سایمون نیز کنار هم قرار گرفتن این داستان های کوتاه ، این بزرگ نمایی را افزایش می دهد و برای گروهی متشکل از بازیگران معلول پرتوان این بزرگ نمایی اصولی ، می تواند شاه راهی باشد برای رسیدن به یک اجرای درست و بی نقص .

و حسین رحیمی در کارگردانی و بازیگرانش در اجرا توانسته اند به خوبی این بزرگ نمایی را عینی کنند و به تماشای القا نمایند . اجرای گروه پاپیون از نمایش "پزشک نازنین" نشان از درک صحیح کارگردان از بزرگ نمایی و اگزجره نشان دادن پرسوناژها و وقایع ، آن هم درست و به موقع دارد.

حسین رحیمی در کارگردانی این نمایش (و البته سایر آثارش با همین گروه) به علت آشنایی کاملش با دو مقوله مهم بسیار موفق عمل کرده است : اول تئاتر و دوم هنرمندان معلول پرتوانی که بازیگران آثار او هستند.

در گام اول انتخاب نمایشنامه هایی که پرسوناژهای چند لایه و پیچیده ندارند و حتی مثل پرسوناژهای "پزشک نازنین" هنرمندان تیپیکال هستند ؛ انتخاب این گونه پرسوناژها و در واقع این گونه نمایشنامه ها ، اولین و محکم ترین گام حسین رحیمی است.

در ادامه انتخاب بازیگران برای پرسوناژهای مختلف ، طراحی میزانشن ، ایجاد ریتم و تمپوی متناسب با بازیگران معلول پرتوان گروه ، دکور کارآمد و ساده و بسیاری موارد دیگر از این دست ، "پزشک نازنین" به کارگردانی حسین رحیمی را دلچسب و تاثیرگذار می کند.

در واقع این طراحی ها و انتخاب ها هر تهدیدی را به فرصت تبدیل کرده و هر کاستی را به توانایی.

مثلا در اپیزود مربوط به کارمند اداره ، استفاده از ۴ صندلی ساده ، چرخش صندلی ها برای به تصویر کشیدن



صحنه عطسه کارمند از نیم رخ ، آهسته نشان دادن (slow motion) این صحنه و ... نه تنها نشانی از معلولیت و یا ناتوانی احتمالی بازیگران برای به تصویر کشیدن اکت یا میمیک خاصی باقی نمی گذارد بلکه صحنه را اغزجره و براساس توانایی بازیگران و بی هیچ کم و کاستی در روایت و زیبایی بصری اجرا می کند . مهران قندهاری و یحیی توکلی به عنوان بازیگران حرفه ای و قدیمی این گروه در شکل گیری این اپیزود نقش مهمی دارند .

از دیگر اپیزودهای خوب و تاثیرگذار ، اپیزود معلم سرخانه است که حسین رحیمی ، هنرمندانه و سنجیده زهرا ستاری بازیگر معلول پرتوانش را در نقش معلم قرار می دهد و یک بازیگر عادی را در نقش ارباب . این اپیزود نه تنها دارای ریتمی درست و میزانسنی اصولی و ساده است . بلکه بازیگران نیز هر دو بسیار موفق عمل می کنند و فضای موجود در داستان را به خوبی القا می کنند . جا دارد این اپیزود توسط اهالی فعال در زمینه تئاتر درمانی (چه در زمینه درمان توسط فعالیت در تئاتر و چه درمان غیرمستقیم مخاطب تئاتر) به عنوان نمونه ای درست و هنرمندانه مورد توجه و بررسی قرار گیرد .

و یا اپیزودی که یک ولگرد با بازی یکی از بازیگران معلول پرتوان به روی صحنه می آید و فریمه حسینی چنان موفق عمل می کند و چنان درست کارگردانی شده است - با میزانسنی ساده ، ریتم و تمپوی منطقی و همراهی یک بازیگر غیرمعلول که بر شرایط واقف است و با ابعاد کار آشنا - که تماشاچی حتی متوجه معلولیت بازیگر نمی شود و احتمالا خود بازیگر نیز برای دقایقی فراموش می کند که معلولیتی دارد . و این معجزه تئاتر است .

بازیگران در نمایش "پزشک نازنین" بسیار هوشمند و حرفه ای هستند . آنان میزانسن را می شناسند . در بیان قوی هستند و به خوبی می توانند توناژ صدایشان را کنترل کنند و بازیگران معلول در کنار غیرمعلول ها ، نه تنها ضعیف تر به نظر نمی رسند . بلکه به خوبی از عهده بالانس کردن توانایی هایشان با آنچه کارگردان از آن ها خواسته بر می آیند و علاوه بر اینها در اجرایی که من دیدم ، حتی تیپ های بازیگران غیرمعلول ، توسط بازیگران معلول پوشش داده می شد و یا اصلاح می گردید و این هوشیاری مطلق ، راه را بر هر ناتوانی آشکار و نهانی می بست .

"پزشک نازنین" به کارگردانی حسین رحیمی یکی از بهترین اجراها از این نمایشنامه است . که این بهترین بودن علاوه بر توانایی و هنر کارگردان و بازیگران ، نتیجه انطباق سوژه و ابژه و فهم این دو توسط کارگردان و نهایتا ترجمه شدن آن به زبان هنرمندان پرتوان معلول .

المیرا نداف - نویسنده میهمان



یادداشتی بر نمایش "راهبان معبد وانگ" کارگردانی احمد سلیمانی

بی کلام قصه گوی دوست داشتنی

"راهبان معبد وانگ" نمایشی بی کلام و مبتنی بر است که در دو پرده روایت می شود. این نمایش داستان چند راهب در معبدی را روایت می کند.

احمد سلیمانی کارگردان این نمایش توانسته با تکیه بر فرم یک اجرای کامل را بدون دیالوگ با زبانی ساده و عاری از هرگونه نماد سازی و یا فرم های پیچیده ی اجرایی برای مخاطب خود به نمایش در آورد.



سلیمانی در این نمایش به دلیل محدودیت در بیان و بی کلام بودن اثر، زبانی فراگیر را برای بیان مقاصد خود انتخاب کرده تا برای تماشاگر آشنا باشد و این رمز موفقیت او است. در نهایت "راهبان معبد وانگ" این ویژگی را دارد که مخاطب از تماشای آن لذت ببرد، با آن ارتباط برقرار کند و صدای خنده اش فضای سالن را پر کند.

مخاطب پس از ورود به سالن اجرای نمایش "راهبان معبد وانگ" با طراحی دکوری پرتابل به رنگ سفید روبرو است، سپس نور سالن می رود و قصه نمایش با تابلویی که در گوشه سالن قرار گرفته و بر آن "ورود دختران به معبد ممنوع" را تذکر داده، نمایان می شود. در حقیقت این تابلو خط اصلی قصه است که سوژه داستان را در بر دارد. طراحی صحنه این نمایش از چهار قاب متحرک تشکیل شده که در صحنه های مختلف تنها با جا به جایی آن ها فضایی متفاوت شکل می گیرد. این نمایش در پرده اول با ریتمی نسبتاً کند پیش می رود و بیشتر به اتفاقات معبد می پردازد اما در پرده دوم نمایش فرمی دیگر به خود می گیرد.

در قسمت هایی ریتم نمایش تند می شود و در این حین به سمت فانتزی بودن گام بر می دارد، به عنوان مثال حضور یک باره ی کیک تولد، گرفتن عکس سلفی پرسوناژها و استفاده ناگهانی از تکنیک نور و سایه که در هیچ جای دیگر نمایش تکرار نمی شود.

کارگردان در این نمایش با طراحی حرکت و اجرای فرمی مناسب توانسته بر وجه بصری تئاتر تأکید کند و پیام و سخنش را در بدن بازیگر و در فضایی که او حضور دارد، بیان کند. دیگر ویژگی این نمایش طراحی موسیقی آن است که هماهنگ با رفتار و حرکت بازیگران شکل گرفته است.

"راهبان معبد وانگ" از بازیگرانی توانمند تشکیل شده، افرادی که با تسلط کامل بر سوژه و فرم اجرایی نمایش هماهنگ با یکدیگر اجرای خوبی را تشکیل می دهند و در قسمت هایی از نمایش که ناگهان ریتم کند می شود،

بازی خوب بازیگران این ضعف را پوشش می دهد . شخصیت پردازی بازیگران این نمایش نیز بر اساس اکت های آن ها شکل می گیرد ولی با توجه به این محدودیت شخصیت پردازی های نمایش کامل صورت گرفته است ، هر اکت و عکس العملی مختص یک بازیگر است به طوری که در مواقع مختلف تماشاگر رفتار و عملکرد پرسوناژ را پیش از اکت او پیش بینی می کند .

ارتباط قوی مخاطب با این نمایش را می توان رمز موفقیت کارگردان دانست ، زیرا در مدت اجرا مخاطب نه تنها از فرم محور بودن نمایش خسته نمی شود بلکه از تا آخرین لحظه به دلیل منطقی بودن روند داستان با نمایش هم گام می شود و راضی سالن نمایش را ترک می کند . و این اتفاق را می توان پایانی خوب بر یک نمایش عنوان کرد .

نسترن داوودی – دپارتمان نقد تئاتر فستیوال



حاشیه های روز چهارم جشنواره تئاتر فجر

"حافظ" به صدر جدول سالن های پر حاشیه جشنواره تئاتر فجر بازگشت!

در حاشیه روزهای قبل جشنواره گفته بودیم ، تالار حافظ با تاخیر ۱۰ دقیقه در اجراها نسبت به دوره های قبلی جشنواره تئاتر فجر روندی رو به رشد و امیدوار کننده دارد اما گویا مشکلات این سالن همچنان حاشیه ساز است.



- آنسامبل "یرما" به کارگردانی اشکان صادقی و الهام شکیب با استقبال خوبی در سالن حافظ رو به رو شد. عده ای از تماشاگران برای دیدن اثر روی پله ها و زمین نشستند.
- گویا همین شلوغی باعث شد که این سالن با نظم روزهای گذشته پیش نرود و از عهده مدیریت آن بر نیایند. تاخیر در اجرا ، اولین مورد آن بود. این نمایش با ۲۵ دقیقه تاخیر در سانس دوم به روی صحنه رفت و پر شدن صندلی های فروخته شده توسط میهمانان ویژه مسئله بعدی بود که حاشیه ساز شد و جالب این جاست که مسئولین سالن به جای اینکه صندلی های فروخته شده را به صاحبانشان برگردانند ، قسمت های پرت و خالی سالن را به افرادی که شماره صندلی داشتند ، دادند و نسبت به اعتراض نسبت به این مسئله هم شاکی می شدند که : مگر چه فرقی دارد؟!!!
- این در حالی است که مسئولین سالن دقیقا برای همین نمایش در سانس قبل مدیریت بهتری داشتند و در حالی که میهمانان خارجی جشنواره که برای دیدن این نمایش آمده بودند و در جایگاه خبرنگاران نشستند و به طبع آن خبرنگاران مجبور شدند روی صندلی های فروخته شده بنشینند ، مسئولین حافظ میهمانان خارجی را از روی آن صندلی ها بلند کرده تا تماشاچیان بلیت دار را سر جایشان بنشانند.
- شبنم قلی خانی ، علی عابدی ، جهانبخش سلطانی و کیوان نخعی از چهره هایی بودند که برای دیدن این نمایش به "حافظ" رفتند.
- نمایش "خرمهره" به کارگردانی محسن قصابیان با اینکه تا به حال دو بار اجرای عموم داشته ولی همچنان در اجرای جشنواره ای هم با استقبال زیاد و با سالن های پر به روی صحنه رفت.
- در سانس اول این نمایش ، صدای خنده ی تماشاگران در طول اجرا تقریبا کل سالن را پر کرده بود.

- داورهای بخش مسابقه **مروار تئاتر ایران** هم این اثر را در سانس دوم دیدند . در یکی از صحنه های این نمایش که بازیگر با تماشاگران شوخی می کند ، داوران را مخاطب خود قرار داد و این اتفاق باعث شد تماشاگران بیشتر بخندند و فضای جالبی شکل گرفت.
- **محمد رضا خاکی ، عزت الله رمضانی فر ، منظر لشگری ، هادی حوری ، محمد ساربان و کیوان نخعی** هم این نمایش را دیدند.
- و اما برسیم به نمایش های خارجی جشنواره که امروز اجرا داشتند . اول از همه نمایش **" سفید "** از کشور **ژاپن** که آخرین شب اجرای جشنواره ای خود را پشت سر گذاشت . این نمایش برخلاف سایر نمایش های غیرایرانی بخش بین الملل با استقبال معمولی رو به رو بود و تقریباً می توان گفت صندلی های سالن اصلی تئاتر شهر پر نشد.
- برای دیدن این نمایش هم **عظیم موسوی ، عزت الله رمضانی فر ، هرمز هدایت و منیژه محامدی** به تئاتر شهر آمده بودند.
- نمایش **" سار "** از کشور **ترکیه** دیگر اجرای غیر ایرانی چهارمین روز از جشنواره تئاتر فجر بود که در تالار سایه به روی صحنه رفت.
- اما استقبال از این نمایش زیاد بود و عده ای مجبور شدند روی پله ها بنشینند.
- هنرمندان هم که معمولاً از اجراهای غیر ایرانی در جشنواره ها بیشتر استقبال می کنند برای دیدن این نمایش هم رفته بودند . **سیاوش طهمورث ، پرستو گلستانی ، هرمز هدایت ، جهانبخش سلطانی ، رضا درمیشیان و کیوان نخعی** از شاخص ترین چهره هایی بودند که نمایش **" سار "** را دیدند.
- **امیر کربلایی زاده** پیش از شروع یک نمایش رفتاری متفاوت از عرف همیشگی تئاتر از خود نشان داد . او که مشاور کارگردان نمایش **" چهل گیس و حسن کچل "** بود قبل از اجرا به تماشاگران گفت : **" اگر گوشی های موبایل تون خاموشه ، روشن کنید . اگه سایلنسه ، روی حالت زنگ بذارید . اگه بچه ای همراهتون هست ، بگذارید راحت باشه و توی سالن رفت و آمد کنه . اگه چیپس یا پفکی همراهتونه با بغل دستی تون شیر (share) کنید تا همه از دیدن این نمایش لذت ببرید "**.
- **پرستو گلستانی** بعد از نمایش **" سار "** این نمایش را هم به همراه **منوچهر والی زاده** دید.
- در بین همه ی حواشی سالن های برگزاری جشنواره ، **تالار هنر** همچنان سوت و کور و کم حاشیه و البته کم مخاطب است.
- با این حال نمایش **" چرخه سودایی "** به نویسندگی و کارگردانی محمد جواد صرامی از اصفهان در این سالن با ۱۵۵ دقیقه تاخیر اجرا شد.
- یک خبر حاشیه ای هم از بخش **" به علاوه فجر "** اینکه نمایش **" چند تکه لغزان بر لبه ی سران یک وضعیت پیچان "** به کارگردانی **علیرضا اجلی** حدوداً یک ربع قبل از اجرای اول خود به ولی در نهایت گویا با پا در میانی **فرهاد شریفی** مشکل برطرف شد و کار به روی صحنه رفت
- در پایان حاشیه های امروز خالی از لطف نیست که اشاره کنیم **کیوان نخعی** (مدیر روابط عمومی مرکز هنرهای نمایشی) شب پرکاری داشت و برای دیدن چند نمایش رفته بود . نکته قابل توجه این بود که وی یرای ورود به سالن صبر می کرد تا همه تماشاچیان وارد سالن شوند و در آخر وارد می شد . این رفتار خاشعانه و خاکی بودن او قابل تحسین است ، از همین جا خسته



کوکونا : جشنواره تئاتر فجر در خاورمیانه اتفاق بزرگی است.

نمایش "سفید" از کشور ژاپن در بخش مسابقه بین المللی سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر در روزهای سوم و چهارم در سالن اصلی تئاتر شهر اجرا شد. به همین بهانه خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفت و گویی با کوکونا (Cocoonaa)، کارگردان این نمایش داشته که در ادامه می توانید آن را بخوانید:



کوکونا (Cocoonaa)، کارگردان نمایش "سفید" از کشور ژاپن در معرفی گروه خود به خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفت: همه ی ما هم شاگردی های دوران دبیرستان بودیم که از سال ۲۰۰۲ گروهی تشکیل داده ایم و کارمان را شروع کرده ایم. بیشترین تمرکز گروه ما روی هماهنگی رقص با تکنولوژی است. از سال ۲۰۱۰ فعالیت های جهانی خود را پیش گرفته ایم تا جایی که توانسته ایم در بیشتر کشورهای خارجی اجرا داشته باشیم.

کارگردان جوان ژاپنی با اشاره به اینکه تاکنون در ۲۲ کشور دیگر نیز اجراهایی را به روی صحنه برده است درباره نحوه دعوت به جشنواره تئاتر فجر اذعان داشت: در ابتدا هیچ شناختی نسبت به این فستیوال نداشتیم. بعد از آن که از طرف آن ها برای حضور در جشنواره دعوت شدیم درباره آن تحقیق کردیم و متوجه شدیم جشنواره تئاتر فجر در خاورمیانه اتفاقی تاریخی و بزرگ است؛ از این دعوت خوشحال شدیم و با کمال میل قبول کردیم.

وی درباره ی اولویت سرگرمی بر قصه گویی در نمایش "سفید" که در آن تکنیک های نور و حرکت با تکنولوژی ادغام شده است، اظهار داشت: اجراهای ما هیچ داستان خاصی ندارد. ما فقط می خواهیم به واسطه تکنولوژی که در آثارمان استفاده می کنیم، قدرت واقعی انسان، قدرت تفکر و قدرت فیزیکی بدن را به تماشاگر نشان دهیم و بگوییم قدرت انسان بیشتر از قدرت تکنولوژی است و می تواند بر آن قالب باشد.

وی در پاسخ به این سوال که آیا در طراحی حرکات فرمی اجراهای خود از فرهنگ سامورائی که متعلق به کشور ژاپن است نیز الهام گرفته یا خیر، گفت: ما برای طراحی حرکات فرمی خود در پرفورمنس مان از همه ی فرهنگ ها الهام گرفته ایم و متعلق به فرهنگ خاصی نیست. فقط در بخش های ساخت و ساز، یعنی ترکیب تکنولوژی با انسان از فرهنگ سامورائی که در آن باید بسیار دقیق بود و شمشیر باید دقیقاً به هدف بخورد الهام گرفته ایم تا بتوانیم تکنولوژی، حرکات انسان، و به خود، تطبیق دهیم.

کوکونا (Cocoon) درباره ارتباط بین صحنه های مختلف اجرا توضیح داد : هر یک از حرکت های این نمایش معنی خاص خود را دارد ولی صحنه های مختلف به هم ارتباطی ندارند . هر بخش از یک فرهنگ یا موضوع خاصی الهام گرفته شده است .

وی همچنین اضافه کرد : هر بار که به روی صحنه می رویم ، ترکیب حرکات را تغییر می دهیم و اگر دقت کرده باشید اجرای شب اول با شب دوم در ایران هم تفاوت هایی وجود داشت . نحوه اجرا به این بر می گردد که آن موقع بخواهیم چگونه با تماشاگر ارتباط برقرار کنیم .

او درباره مدت زمان طراحی و اجرای حرکات یک پرفورمنس افزود : برای طراحی هر پرفورمنس حدود ۲ سال زمان لازم است ولی تمرین اجراها برای هماهنگی ۳۳ ماه طول می کشد .

کارگردان این نمایش در پایان درباره تجربه حضور در جشنواره تئاتر فجر گفت : حضور در ایران برای ما تجربه بسیار خوبی بود . درست است که ژاپنی ها و ایرانی ها از لحاظ فرهنگ و تفکر فرق های زیادی با هم دارند ولی به واسطه این اجرا توانستیم با هم همدل و هم صدا شویم و امیدوارم در آینده هم این همدلی و هم صدایی ادامه داشته باشد و دوست های خوبی برای هم باشیم .



یادداشتی بر نمایش "سلفه" به کارگردانی عامر ابوالهیل از کشور عراق

زرق و برق های یک اتود دانشجویی

یک طراحی صحنه نسبتاً خوب و چند ایده جالب ، نمی توانند منجر به یک نمایش قابل دیدن بشود ، ولی این تمام چیزی است که نمایش "سلفه" به کارگردانی عامر ابوالهیل دارد.

در شروع نمایش کارت هایی به هر تماشاگر داده می شود که روی آن یک موضوع مثلاً جنگ و یک حالت مثلاً حزن را نوشته اند و تماشاگر در حین اجرا بعد از خوانده شدن اسمش باید موضوع و حالت نوشته شده روی کارت را بگوید.



تا اینجا ایده جذابی به نظر می رسد و تلاش برای رسیدن به مفهوم قرعه به گونه ای که قرعه به نام چه کسی می افتد تا موضوع و حالت اش را بگوید خوب است.

در همان ابتدای نمایش دو بازیگر سوار بر اسکیت جلوی صحنه می آیند در حالی که شماره ی درج شده روی پیراهن خودشان صفر است ، که هدف خنثی بودن عدد و امکان ایفای هر نقشی که مخاطب بگوید است ، عدد مورد نظر را می خوانند ، تماشاچی حالت و موضوع را مشخص می کند و بازیگران اتود می زنند.

اما هنوز چیزی از شروع نمایش نگذشته است که قرعه افتادن عددها لوث می شود و ماجرا لو می رود که تماشاگر اساساً سر کار است و دو بازیگر نمایش که قرار است بر اساس موضوع و حالت تماشاگر اتودی را اجرا کنند ، کاملاً با میزانشن و از پیش تعیین شده پیش می روند . چنان که وقتی شماره ای خوانده می شود و در سالن حضور ندارد ، دو بازیگر همچنان کار خود را می کند و آنچه را که به صورت پیش فرض باید بازی کنند بازی می کنند . بدون این که حتا مخاطب موضوع و حالت را بفهمد!

مشکل دوم این است که ما در این اجرا اساساً با نمایش منسجم روبرو نیستیم ، بلکه با مجموعه ای از اتودها روبرو هستیم که دو بازیگر به روی صحنه اجرا می کنند و در نهایت به دنبال هیچ چیز خاصی نیستند . نمی توان با اضافه کردن چند مفهوم همچون جنگ و مهاجرت بین اپیزودها سیر منطقی به وجود آورد.

در واقع هر کدام از این موضوع ها و حالت ها که بازیگران اتود می زنند ، اپیزود هایی هستند که هر چند در مفهوم و محتوا تلاش شده است که بند ارتباطی ایجاد بشود ، اما واقعیت امر این است که تکه های جدا از هم ، بی ربط و در عین حال خسته کننده و تکراری است.

نمایش "سلفه" تنها یک اتود دانشجویی نسبتاً ضعیف است که اندکی زرق و برق به آن اضافه شده تا برای مخاطب جذاب باشد ؛ اتفاقی که به هیچ وجه حاصل نمی شود.

مرجان سادات هاشمی – دپارتمان نقد تئاتر فستیوال



یادداشتی بر نمایش "خاطرات هنرپیشه نقش دوم" به کارگردانی افشین زمانی

هنرپیشه در میزانشی درست

نمایش "خاطرات هنرپیشه نقش دوم" از همان دقیقه آغازین تکلیف تماشاچی را در مواجهه با خود روشن می کند. از همان ابتدا تماشاچی متوجه دقت و نظم گروه می شود و این به واسطه دو امر می باشد: اولاً ذهن منظم کارگردان و دانایی او از نسبت میان خود و اثرش است که (باعث شده همه چیز به اندازه باشد)، دوما تمرین زیاد گروه.

نمایش خاطرات هنرپیشه دارای قصه است، قصه ای ساده ولی خوب و اصولی و متن با روند درست و کشش



اصولی خود، توانسته قصه ساده خود را از خطر تبدیل شدن به نمایشنامه ای خسته کننده حفظ کند. کارگردانی خوب اثر هم در این زمینه (حفظ ریتم) موفق عمل کرده است.

در متن نویسنده به درستی از المان ها استفاده کرده است و پیام مد نظرش را به درست ترین شکل ممکن به مخاطب رسانده است؛ که کارگردان هم به دور از غلو شدگی و یا جو زدگی، با فرمی مناسب این پیام را روی صحنه منتقل می کند. میزانشی های بسیار دقیق کارگردان که کاملاً در فضا سازی اثر موفق است در کنار متن قوی و بازی خوب بازیگران، این نمایش را به کمال رسانده است.

کارگردان از همه عناصر در اختیارش به درستی استفاده کرده است. میزانشی های فعال با توجه به خالی بودن صحنه بسیار کارکرد درستی داشته و به واسطه دیالوگ های بسیار خوب، همچنین شخصیت پردازی های دقیق کاملاً فضای مد نظر متن و کارگردان را به تصویر می کشد.

استفاده از نور و موسیقی هم نیز کاملاً به جا و در میزانشی است.

از دیگر امتیازات مهم این اثر خلاقیت در صحنه پردازی است که بدون دکور و با حداقل آکسسوار توانسته فضا سازی کند. البته در صحنه پایانی تظاهرات و کشته شدن ذوالفقار، به نظر می رسد که می بایست کمی صحنه شلوغ تر و پر هیاهو تر می بود.

نمایش "خاطرات هنرپیشه نقش دوم" نمایشی موفق از لحاظ فرم است، که همه عناصر نمایشی مثل صحنه، نور، لباس، تماشاچیان شاهد یک تئاتر قوی باشند.

محمدجواد حبیبی - دپارتمان نقد تئاتر فستیوال

سینما
تئاتر
فستیوال



حسین فرخی : ما اهداف بلند مدت برای جشنواره تئاتر فجر نداریم . / بخش مرور تئاتر ایران ، سبب کهنگی جشنواره شده است .

حسین فرخی ، پیشکسوت تئاتر ایران چندی پیش نمایش " علی کوچیکه " نوشته سارا تقوی را در خانه نمایش به روی صحنه برد . حال در سی و پنجمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر این نمایش در بخش میهمان و مسابقه مرور تئاتر ایران حضور دارد . به بهانه اجرای این نمایش در جشنواره خبرنگار **تئاتر فستیوال** به سراغ این کارگردان تئاتر رفت و با وی به گفت و گو نشست که در ادامه می توانید آن را بخوانید :



حسین فرخی کارگردان نمایش " علی کوچیکه " در رابطه با حضور این نمایش در جشنواره تئاتر فجر گفت " : در مقررات سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر بخشی تحت عنوان مرور وجود دارد ، که در آن کارهایی که در طول سال اجرای عموم رفته اند ، می توانند متقاضی حضور در جشنواره باشند . گروه نمایش ما نیز به من پیشنهاد دادند که این کار را به جشنواره بیاوریم و در نهایت این نمایش در بخش مرور قرار گرفت " .

فرخی در رابطه کیفیت آثار ارائه شده در جشنواره تئاتر فجر گفت " : نسل جوان در جشنواره تئاتر فجر بسیار پرنرژی و فعال حضور دارند . بخش عمده ای از اجراهای جشنواره را به خودشان اختصاص دادند و کمتر اجراهایی از هنرمندان قدیمی تر تئاتر در این جشنواره دیده می شود . اینکه جوانان تئاتر راه خود را پیدا کنند ، جای خوشحالی دارد . جوانان با حضور در جشنواره نفس تازه ای به حال و هوای تئاتر می دهند . اما متأسفانه بخش تازه های تئاتر ایران دو سالی است که حذف شده ، در سال های پیش آثاری برای حضور در جشنواره تولید می شد ولی این بخش دیگر در جشنواره تئاتر فجر وجود ندارد " .

فرخی با بیان اینکه بخش تازه های تئاتر با برنامه ریزی دقیق تر می توانست در این جشنواره وجود داشته باشد ، افزود " : این بخش با تعداد آثار محدود تری می توانست وجود داشته باشد ، که آن حس و حال رقابتی بودن جشنواره در بخش تازه های تولید باقی بماند . به نظر من در آن صورت جشنواره جذابیت بیشتری داشت . ولی در این شرایط نمایش های بسیاری در جشنواره حضور دارند که در طول سال گذشته اجرا شده اند و همه تصورش بر این است که نمایش های ارائه شده در جشنواره تئاتر فجر را در طول سال دیده اند " .

این پیشکسوت تئاتر با بیان اینکه بخش مرور تئاتر ایران ، به جشنواره فجر حالت کهنگی می دهد ، گفت " : من نمی گویم که این بخش حذف شود ، بخش مرور باید برای کارهایی باشد که در طول سال اجرا شده ، تا کسانی که در طول سال ندیدند ، در زمان جشنواره به تماشای آن بنشینند . ولی به نظر من حذف شدن بخش تازه های تئاتر خیلی حیف بود " .

حسین فرخی با بیان اینکه اجرای نمایش "علی کوچیکه" نسبت به اجرای عموم تغییری نداشته گفت: "کیفیت سالن سایه نسبت به اجرای عموم نمایش ما در خانه نمایش بالاتر بود، همچنین سالن بزرگتری بود و تاثیرات ویدئو پروژکشن کار در این سالن خیلی بهتر صورت گرفت".

وی در رابطه با طراحی صحنه این نمایش گفت: "ما در این نمایش نمی خواستیم از المان و نشانه استفاده کنیم و دکور صحنه ای داشته باشیم. چون اگر قرار بود اینطور فکر کنیم باید حوضی با چند ماهی در وسط صحنه می گذاشتیم و فضای دهه چهل را طراحی می کردیم. این نمایش بیشتر متکی بر بازیگر است و تمام بار نمایش را بازیگر فقط با بدن بیان می کند. من این نمایش را دقیقا بدون دکور تصور می کردم. بازیگر این نمایش، فضا سازی را از طریق بازی خود انجام می دهد. فضای ما همین نوری است که در دایره ای نمایان شده، کل زندگی پرسوناژ نمایش در این دایره بازسازی می شود. ما چند پلان تصویری داشتیم و سعی کردیم در پس زمینه کدهایی را که مهم است، به نمایش در آوریم. این اتفاق نقطه آغاز و پایان این اثر است که در ویدئو پروژکشن نمایان می شود. به عنوان مثال نمایش با فروغ آغاز می شود و با شعر "علی کوچیکه" صدای مرحوم خسرو شکیبایی پایان می یابد. و چند تابلوی دیگر که به فضای تهران در آن دهه مرتبط است".

حسین فرخی در پایان یکی از معضلات جشنواره تئاتر فجر را عدم تعریف برنامه و اهداف بلند مدت بیان کرد و گفت: "جای چنین چیزی در جشنواره خالی است. در صورتی که جشنواره های بزرگ دنیا اهداف بلندمدت دارند و بر آن اساس طراحی می کنند، اما جشنواره ما با تغییر هر مدیری سیستم آن بهم می ریزد. یک سال مسابقه وجود دارد و سال دیگر حذف می شود. امیدوارم دوستانی که این مسئولیت را بر عهده می گیرند بتوانند موفق باشند".



یادداشتی بر نمایش " پاییز نگفته بود " به کارگردانی زیبا دریاسفر

پائیزی که قصه ای نگفته بود

نمایش " پاییز نگفته بود " به کارگردانی زیبا دریاسفر یکی از ضعیف ترین نمایش های جشنواره بود که از بندرعباس در بخش " به علاوه فجر " در سالن سه نقطه به روی صحنه رفت.

نمایشی ملال آور ، خسته کننده ، با ریتمی بد ، بدون قصه و با متنی در حد یک ایده ی تک خطی که ادا نه شخصیت پردازی دارد و نه دراماتورژی در آن صورت گرفته است.

" پاییز نگفته بود " مردی را نشان می دهد که به جنگ



رفته و گویا مرده و احتمالا همسرش هم مرده که برای مخاطب مشخص نمی شود و دیالوگ های نامفهوم و ناقصی در مکان و زمانی نامشخص بین این دو رد و بدل می شود . سه پرسوناژ دیگر (مادر ، همسنگر مرد و یک دشمن) هم هستند که معلوم نیست بود و نبودشان چه تاثیری بر اثر دارد!

از کل خانواده یک مادر را می بینیم که از ابتدا تا انتها در وسط صحنه نشسته است و بازیگر جوانی برای ایفای این نقش استفاده شده که با صداسازی قرار است نقش این مادر را بازی کند ، در واقع باید برای خلق یک شخصیت ، همه ی جنبه های آن پرداخت شده و روح بخشیده شود ، نه اینکه صرفا از صداسازی برای شخصیت سازی استفاده شود . نتیجه ی این انتخاب هم موجب شد همانند سایر پرسوناژ ها ، لوس و غیر قابل باور از آب درآید.

متن از چارچوب های اولیه داستان نویسی هم بی بهره است . نه زمان مشخصی دارد و نه موقعیت و مکان قصه معلوم است . پرسوناژهای این نمایش بدون هیچ قید و بندی از زمان و مکان یکدیگر را می بینند و با هم حرف می زنند.

همان طور که گفته شد ریتم هم ملال آور و کند است و چون قصه ای برای تعریف کردن ندارد مخاطب را با خود همراه نمی کند و حتی کوچکترین حسی هم در او ایجاد نمی کند : نه غم و نه شادی.

و وقتی نمایشی از حداقل های اجرا بی بهره باشد ، قطعاً صحبت کردن درباره دکور و نور و ... در آن بی معنی است! به نظر می رسد این گروه جوان برای اجرای اثر شبه دانشجویی خود در معتبرترین جشنواره تئاتر ایران باید بسیار بیشتر و بیشتر اتود می زدند و تمرین می کردند و یا از یکی از نمایشنامه های معتبر ، قوی و چفت و بست دار برای شروع کار خود انتخاب می کردند ، چرا که : خشت اول گر نهد معمار کج ، تا ثریا می رود دیوار کج.

فرهاد ابراهیمی والا – دپارتمان نقد تئاتر فستیوال



حاشیه های روز پنجم جشنواره تئاتر فجر:

تاخیر داورهای جشنواره ، صدای مرادخانی و شفيعی را هم بلند کرد / ”عکاسی“ سوژه ی حاشیه ساز پنجمین روز تئاتر فجر

داورهای جشنواره در پنجمین روز از جشنواره تئاتر فجر در همه ی بخش های بین الملل ، مسابقه جوان ، خیابانی و ... تاخیر داشتند . این مسئله هم باعث اعتراض مسئولین و هم مردم شد . همچنین ممنوعیت عکاسی در سالن های جشنواره و گرفتن عکس های یواشکی و دور از چشم انتظامات سالن هم حاشیه های جالبی را رقم زد . در ادامه یک روز پر حاشیه جشنواره را مرور می کنیم:



- نمایش ” یتیم خانه فونیکس ” به نویسندگی آرش خیرآبادی و کارگردانی محمد نیازی که از مشهود و در بخش ” مسابقه تئاتر جوان ” در تالار وحدت اجرا شد ، یکی از نمایش های پر مخاطب این روز بود.
- در پایان نیز با تشویق زیاد مخاطبان همراه شد و همه برای گروه دست میزدند.
- در رورانس این نمایش یکی از بازیگران موقع حضور روی سن لیز خورد . علت آن هم گویا خیس بودن سن بود که در حین اجرا مایعی روی آن ریخته شده بود . این خیس بودن نزدیک بود چند نفر دیگر را هم بسرائند!
- عکس و عکاسی از سوژه های حاشیه ساز پنجمین روز از جشنواره تئاتر فجر بود که عجیب ترین آن عکاسی با فلاش !!! در حین اجرای این نمایش بود که نور فلاش آن واقعا تماشاگران را کلافه کرده بود . این در حالی است که کسی به فرد خاطی تذکری نداد و بر خلاف همیشه از نور لیزر هم خبری نبود.
- برای دیدن این نمایش علی مرادخانی (معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) ، مهدی شفيعی (مدیر کل هنرهای نمایشی) ، رضا بابک و لوریس چکناواریان حضور داشتند.



- سردار نقدی معاون فرهنگی اجتماعی سپاه پاسداران که این روزها حضور پررنگی در جشنواره تئاتر فجر دارد ، شب گذشته در تالار حافظ به تماشای نمایش «خوب بد زشت» نشست . او در روزهای گذشته جشنواره نیز به تماشای نمایش " خانه ابری " به کارگردانی سیامک احصایی و حمید پورآذری که در تماشخانه ایرانشهر به روی صحنه رفت ، نشست .
- خدا را شکر می کنیم که برای یک بار هم که شده تاخیر داوران عزیز به نفع ما پیش رفت و تاخیر باعث شد رئیس دپارتمان نقد **تئاتر فستیوال** به دیدن نمایش رسید . نمایش " ماتریوشکا " به نویسندگی ، کارگردانی و بازی **پارسا پیروزر** در سانس دوم به لطف دیر آمدن داوران بخش بین الملل با ۲۵۵ دقیقه تاخیر شروع شد .
- البته ما از صمیم قلب از همه ی داوران عزیز تقاضا داریم به موقع برای دیدن نمایش ها حاضر شوند و مخاطبان را منتظر خود نگذارند ، حتی اگر رئیس دپارتمان نقد **تئاتر فستیوال** به دیدن نمایش ها نرسد!!!
- پارسا پیروزر هم مثل کارگردان نمایش " من ، سیزیف " از کشور **بلغارستان** به هیچ یک از عکاسان حتی با مجوز ستاد برگزاری جشنواره اجازه عکسبرداری از اثر را نداد . در بین اجرا مسئولین مانع یکی از عکاسان با مجوز که در حال عکاسی بود شدند و بعد از اجرا به سوی او رفتند تا احتمالا از او بخواهند عکس های گرفته شده را پاک کند .
- در سانس اول نمایش " ماتریوشکا " صندلی های خالی در سالن دیده می شد اما در سانس دوم سالن پر شد .
- **مجید رجبی معمار** (مدیر عامل خانه هنرمندان و رئیس تماشخانه ایرانشهر) و **شیرین بزرگمهر** این نمایش را دیدند .



- در خانه هنرمندان هم شاهد تاخیر داوران بودیم . این در حالی بود که علی مرادخانی و مهدی شفییعی زودتر از داوران برای دیدن نمایش " آری یا نه " رسیدند و هردویشان هم از این مسئله شاکی بودند . شنیده ها حاکی است که داوران در خانه هنرمندان حضور داشته و گویا مشغول چای خوردن و گپ زدن بودند .
- **جهانبخش سلطانی ، جواد انصافی و معصومه اقاچانی** هم این نمایش را دیدند .
- نمایش " آری یا نه " به کارگردانی **مجید رحمتی** که از شهر اراک در جشنواره تئاتر فجر اجرا شد ، در اجرای عمومی خود با بازیگرانی از بهزیستی به روی صحنه رفت که گویا ۳۳ نفر از این بازیگران نتوانستند به خاطر روند اداری سازمان بهزیستی به جشنواره برسند و فقط یکی از بازیگران کودک نمایش در اجرای جشنواره ای به روی صحنه رفت .
- **رحمتی** در پایان اجرا گفت که با تئاتر می توان کمک زیادی به بچه های بهزیستی کرد .

• یکی دیگر از مسائل حاشیه اما مهم این است که درب سالن استاد انتظامی خانه هنرمندان دچار مشکل شده است و به سختی و با صدای وحشتناکی باز و بسته می شود. از سوی دیگر جهت باز و بسته شدن آن به سمت داخلی سالن است که با استانداردهای طراحی فضاهای عمومی همخوانی ندارد. با توجه با حادثه غم انگیز و تلخ ساختمان پلاسکو، به نظر می رسد ایمن سازی سالن های نمایشی هم باید بسیار جدی گرفته شود تا خدایی نکرده چنین حوادثی تکرار نشود.

• برسییم به مجموعه ی تئاتر شهر که در سالن اصلی خود میزبان نمایش " شاخص " از کشور فرانسه بود. این نمایش در سانس اول خود با ۲۵۵ دقیقه تاخیر شروع شد.

• تماشاچیان از این نمایش راضی نبودند و دقایقی نزدیک به پایان اجرا با تشویق کردن گروه دوست داشتند که اثر زودتر تمام شود. حتی خبرنگار **تئاتر فستیوال** از یکی از تماشاچیان شنید که به دوست خود گفت اگر او هم موافق است، از سالن بیرون بروند.

• در این نمایش افراد زیادی سالن را ترک کردند که یکی از این افراد **شکرخدا گودرزی** بود.

• بازیگران نمایش " شاخص " بعد از اجرای خود با تماشاگران عکس سلفی گرفتند.

• دکتر محمد رضا خاکی، پرستو گلستانی، بهزاد فراهانی، اصغر همت، سیاوش طهمورث، عزت الله رضانی، فر، هرمز هدایت، محمد ساربان، شکرخدا گودرزی و فهیمه رحیم نیا از این نمایش دیدن کردند.

• در تالار چهارسو از اجرای نمایش " یادگار گاده ر "

به نویسندگی و کارگردانی قطب الدین صادقی استقبال خوبی صورت گرفت. تا جایی که تماشاگران علاوه بر پله ها، چهار ردیف هم روی زمین به تماشای کار نشستند.

• این نمایش با یک ربع تاخیر شروع شد و یک ربع هم کارگردان پیش از اجرا صحبت کرد. صادقی گفت قرار بر این بود که ستاد برگزاری جشنواره تئاتر فجر بروشور این نمایش را تهیه کنند که این کار



انجام افتادند. نگرفت و خود گروه هم دیر به فکر تهیه آن افتادند. بنابراین لازم دانست تا قبل از اجرا

توضیحاتی درباره تاریخچه بین النهرین، قوم ماد و ... بدهد.

• و اما باز هم سوژه عکس و عکاسی! در حین اجرای این نمایش مسئولین سالن چهارسو نگرانی زیادی داشتند تا کسی عکس و فیلم نگیرد. تا جایی که یکی از مسئولین سالن **یارتا یاران** (عکاس) را هم شناخت و اجازه عکاسی به او نداد. با این حال یکی از آقایان حاضر در سالن از ابتدا تا انتهای نمایش با موبایل خود فیلم و عکس گرفت و کسی هم تذکری به او نداد.

• در پایان نیز یکی از اعضای گروه اعلام کرد که به رسم همیشگی تئاتر دعوت می کنیم از آقای صادقی که به روی صحنه بیایند، اما علی رغم آنکه مخاطبین تشویق کردند و همچنان منتظر بودند، کسی نیامد. صادقی

ترجیح داد از اتاق نور با دوستان و آشنایانش خداحافظی کند.

- **مرجانه گلچین** به همراه **جواد انصافی** و **تینو صالحی** از کسانی بودند که برای دیدن این نمایش به چهارسو آمدند.
- اجرای نمایش **"دیابولیک، رومئو و ژولیت"** به کارگردانی **آتیلا پسیانی** از دیگر اجراهای سالن ایران شهر بود. پسیانی قبل از اجرا از سالن بیرون آمد و گفت هیچ کس حق ندارد با موبایل روشن وارد سالن شود و همه حتما باید آن را خاموش کنند. او بار دیگر بعد از ورود تماشاگران به سالن هم بر این موضوع تاکید کرد. از کسانی هم که در ردیف اول نشسته بودند خواست وسیله هایشان را از سر راه بردارند تا جلوی راه نباشد.
- پسیانی همچنین اضافه کرد: محض اطلاع می گویم، **خسرو و ستاره (پسیانی)** خواهر و برادر هستند.
- **تالار مولوی** میزبان اولین اجرای **"گرگ و میش"** بود که از کشور سوئیس و در بخش بین الملل در جشنواره حضور دارد این اثر از لحاظ تعداد روز و سانس اجرایی رکورد دار است به طوری که ۵۵ روز و در هر روز ۳ سانس اجرا می شود.
- نکته قابل توجه درباره ی این نمایش این است که بازیگر ندارد و صرفا طراحی نور، موسیقی و حس است. و ظرفیت سالن در هر سانس ۲۵ نفر است.
- به کسانی که بیماری های میگرنی و چشمی دارند دیدن این نمایش **"پیشنهاد نمیشود"** چون ممکن است به خاطر حجم کم و زیاد شدن نور، اذیت شوند.
- و اما دو خبر کوتاه از بخش **"به علاوه فجر"**: یکی استقبال کم و خالی بودن تماشاخانه دا در اجرای نمایش **"یک مساوی چهار"** و دومی استقبال زیاد از نمایش **"همان باش که نیستی"** به کارگردانی **سامان ارسطو** در سالن فانوس
- ارسطو در پایان این نمایش به اینکه به جای سلفی انداختن در موقع حوادث و خندیدن به اوضاع بهتر است به فکر کمک کردن و چاره باشیم اشاره کرد.
- آقای **دکتر صابری** و خانم های **دکتر احمدی و شریفی**، از میهمانان نمایش **"همان باش که نیستی"** بودند. ارسطو در پایان نمایش ابراز امیدواری کرد که صدای بچه های تی اس به گوش وزارت بهداشت و مسئولان بیمارستان روزبه و پزشکی قانونی برسد و حمایت های لازم برای آنها صورت بگیرد.
- **نمایش های خیابانی** همیشه با اتفاقات جالبی همراه است. حوض محوطه تئاتر شهر که در ایام جشنواره محلی برای اجرای نمایش های خیابانی است، در بین اجرای گروه های مختلف، محلی برای بازی بچه ها است و صحنه های جالبی را بوجود می آورد.
- در نمایش خیابانی **"مستند پخش نشده میرزا"** داورهای عزیز بخش خیابانی هم تاخیر داشتند و این مسئله باعث اعتراض مردم شده بود که در سرمای این روزهای تهران منتظر شروع این نمایش بودند. **محمد هادی عطایی**، کارگردان این نمایش هم در همراهی با مردم گفت که حاضر است همراه کسانی که معترض اند، برود اعتراض کند. در نهایت یکی از خانم های معترض با فرزندش روی یکی از صندلی های داوران نشست و کار را دید.
- در نمایش خیابانی **"حق با کیه"** به کارگردانی **مجید امینی** که بازیگران نمایش بدون آنکه شناخته شوند، در قالب یک زن و شوهر و در بین مردم شروع به دعوا کرده و مردم هم بازی شان را باور کردند. اما این اتفاق بیشتر از ده دقیقه طول نکشید و آنها همچنان که مثلا دعوا می کردند از جمعیت فاصله گرفته و رفتند و دیگر هم برنگشتند و معلوم نشد سرنوشت تئاترشان چه شد! مدت این نمایش در جدول اجراهای خیابانی ۴۰ دقیقه نوشته شده است.



گزارش تصویری نمایش خیابانی "نیمه"



علیرضا رحیم دل : جشنواره تئاتر فجر قله تئاتر ایران است.

نمایش " چند خوان رستم " به نویسندگی مشترک علیرضا و احسان رحیم دل و کارگردانی علیرضا رحیم دل از شهر پاکدشت در سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر به روی صحنه رفت. به همین بهانه خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفتگویی با کارگردان این اثر انجام داده که می توانید در ادامه بخوانید:



در این نمایش دو شخصیت تاریخی و اسطوره ای ایران یعنی حکیم فردوسی و رستم دستان از دل تاریخ بیرون کشیده شده و به زمان حال می آیند و از این طریق مشکلات و اتفاقات امروزی در قالب طنز مطرح می شود. علیرضا رحیم دل در رابطه با شکل گیری این ایده و نوشتن متن به خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفت: اگر دقت کنید در یکی از سریال های تلویزیون که در حال پخش است، وقتی از هر شغلی صحبت می شود، رو به دوربین می گویند به کسی بر نخورد! ما هم احساس کردیم که نمی شود از کسی انتقاد یا شوخی کرد، مگر آنکه آن فرد مرده باشد. چه بهتر از کسانی استفاده شود که اسطوره های این تاریخ اند و کم کم در حالی فراموشی هستند. ما هر آنچه از رستم شنیده ایم درباره جنگ و جنگاوری و خونریزی است ولی شاید به این فکر نکرده باشیم که رستم می تواند آدم طنز و شعر پردازی باشد. شاید او هم سرگرم کشاورزی و زندگی خودش بود و به واسطه ی فردوسی ماندگار شد.

وی افزود: برای گفتن دغدغه های روز جامعه احتیاج به دستاویزی داشتیم که بتوانیم حرفمان را از آن شخص یا شخصیت بزنیم که دچار مشکل هم نشویم و به کسی هم بر نخورد. هدفمان فقط این بود. نمی دانم چقدر موفق بودیم.

او درباره قیاس اسطوره های تاریخی و مردمان معاصر توضیح داد: کسانی که در حال حاضر زندگی می کنند هم اسطوره هایی هستند که زیر بار مشکلات کمر خم نکرده اند. می خواهیم بگوییم یک کارگر شاید خیلی از رستم قوی تر باشد یا شاید یک خواروبار فروش از فردوسی قوی تر باشد. چون هیچ کدامشان زیر بار این همه فشار کمر خم نمی کنند. همه ما در گیر وام اختلاس و مسائل دیگری هستیم ولی داریم ادامه می دهیم و زندگی می کنیم.

رحیم دل در خصوص قسمت هایی از دیالوگ فردوسی و رستم در این نمایش که به نظم نوشته شده است، اذعان داشت: من رشته ادبیات خوانده ام و هم من و هم برادرم دستی بر شعر داریم. با اعضای انجمن ادبی هم در این رابطه بحث داشتیم و آنها می گفتند که شما فردوسی و رستم را ضایع کرده اید ولی در واقع این طور نیست



به نظر من در این نمایش از اسطوره ها استفاده ی بهینه و مثبتی شده است . ما با آنها شوخی نکرده ایم . اگر شما به مونولوگ آخر رستم دقت کرده باشید ، تمام آنچه در طول نمایش به او نسبت داده شده ، از نگاه و دیالوگ رستم پس گرفته می شود و رستم همچنان یک اسطوره است .

او با اشاره به بازخورد مثبت این نمایش در اجرای عمومی خود گفت : من از همان ابتدا به بچه های گروه گفتم اگر به مرور بر تماشایی های ما اضافه نشود ، ما مطمئنا اجرا را کنسل می کنیم . ولی خدا را شکر که بازخورد خوبی داشتیم و یک نفر حتی هشت بار برای دیدن کارمان آمده بود و تقریبا کل دیالوگ های نمایش را از حفظ بود .

در پایان علیرضا رحیم دل درباره حضور در سی و پنجمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر اظهار داشت : جشنواره تئاتر فجر فرصت خوبی است که دور هم کارهای یکدیگر را ببینیم و در واقع قله تئاتر این مملکت جشنواره تئاتر فجر است . ولی برای من کار کردن به خاطر عشقم که تئاتر است بیش از هر چیزی اهمیت دارد . مهم این است که بتوانیم به واسطه آن حرف مان را بزنیم .



املت وطنی / گزارش تصویری نمایش خیابانی " املت با گوجه ایرانی "



یادداشتی بر نمایش "جزیره" به کارگردانی سعید دشتی

"جزیره" ی پرهیا هو

قصه گویی برگ برنده نمایش "جزیره" به کارگردانی سعید دشتی است. او به خوبی فهمیده است که تنها از پس قصه گویی و ایجاد همزادپنداری می‌توانند مخاطب زیادی را با خود همراه کند، اما این برگ برنده ای است که سعید دشتی نتوانسته است کمال استفاده را از آن ببرد و آن هم به دلیل غرق شدن بیش از حد در قصه گویی و دخیل کردن پیرنگ ها و خرده پیرنگ های تو در تو است. نمایش روایتگر دو روز از زندگی یک خانواده است. در این دو روز گویا موضوع اصلی خواستگاری دختر خانواده است، اما به این بهانه با معضلات این خانواده روبه‌رو و آشنا می‌شویم.



دشتی با به هم ریختن سیر منطقی روایت قصه و با به مرور، رو کردن ماجرا توانسته مخاطب را تا انتها با خود همراه کند و مخاطب هر لحظه منتظر باشد که وجه دیگری از ماجرا را مشاهده کند، اما مشکل سعید دشتی در این میان زیاده گویی است، اعتیاد پدر، نزول کردن پدر، مرگ مادر، سی دی فروشی برادر، فرار برادر با دختری در روز عروسی اش، قتل توسط برادر، بی پولی کل خانواده، فرار دختر بزرگتر با داماد خانواده قبل از ازدواج، تمایل به سقط جنین دختر بزرگتر، خیانت دختر بزرگ تر، اعتیاد داماد خانواده، بیکاری و بی پولی وی و حامله بودن دختر خانواده و...

آیا به راستی نیاز بود که این همه ماجرای با ربط و بی ربط را به کل اثر نمایشی اضافه کنیم؟! آیا با فقط چند مورد از این معضلات هم نمی‌توانستیم آنچه را که باید نشان دهیم؟ آیا این میزان از شلوغ کاری از ترس کارگردان در ناتوانی در قصه گویی نیست؟ در این میان در مواقعی دست کارگردان رو می‌شود. مثلاً وقتی چنین خانواده ای با صدای آهنگ همسایه ناگهان سرخوشانه شروع به رقصیدن می‌کنند، این پیام را به مخاطب که بارها چنین صحنه هایی را در سینما و تئاتر دیده است می‌رساند که قرار است در چند لحظه بعد شاهد رخ دادن فاجعه ای باشد. استفاده از این شیوه تکراری دیگر تأثیر خودش را بر مخاطب از دست داده است و بیشتر اثر را به سمت لوث شدن می‌برد.

در طراحی نور در ابتدای نمایش زیاده‌روی بی دلیلی صورت می‌گیرد. به گونه ای که مدام نور موضعی بر چهره بازیگران تابانده می‌شود و این تعداد جابجایی نور چشم تماشاگر را آزار می‌دهد. این در حالی است که این طراحی نه از لحاظ بصری و نه از لحاظ مفهومی موفق نیست.

دومین مسئله که به طراحی صحنه نیز مرتبط می‌شود، اضافه کردن نوارهای نوری آبی رنگ در کل دکور کف نمایش است، کاملاً بی مفهوم و بی ربط به کل طراحی صحنه و فضای رئال نمایش. هرچند تلاش شده است با این طراحی نور بر دور دکور

فضای جزیره ای را در دکور نیز القا کند، اما اساساً نیازی به چنین طراحی و به وسیله ی آن رساندن چنین مفهومی نیست.

با این حال جزیره در اولین قدم آنچنان برگ برنده بزرگی دارد که بی انصافی است اگر آن را اثری قابل دیدن ننماییم، اثری که قصه می‌گوید، سرگرم می‌کند و البته بی شک ضعف هایی هم دارد.

آرزو شفیق - دپارتمان نقد تئاتر فستیوال

حاشیه های روز ششم جشنواره تئاتر فجر:

پر مخاطب ترین روز چهارسو با آروند دشت آرای

چشم بر هم زدیم و شش روز از جشنواره سی و پنجم تئاتر فجر گذشت . با همه ی حواشی و لحظات خوب و بد آن . اما همچنان داورها در اجرای نمایش ها تاخیر می کنند و باعث بی نظمی هستند . نیمی دیگر از اجراهای جشنواره باقی مانده و ما همچنان امیدواریم و منتظر تغییر این وضعیت!



- نمایش " درباره تصویرت از من تجدید نظر کن " (ادیشن) به کارگردانی آروند دشت آرای در تالار چهارسو از کشور ایران و هلند به روی صحنه رفت.
- استقبال از این نمایش بسیار خوب بود و تماشاگران ایرانی و غیر ایرانی زیادی برای دیدن این اثر به تالار چهارسو رفته بودند . این استقبال به حدی بود که می توان گفت این نمایش پر مخاطب ترین نمایش تا به اینجای جشنواره بود.
- **علی مرادخانی** (معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) هم امشب این نمایش را برای دیدن انتخاب کرده بود.
- مشکل اجرای این نمایش اما برخلاف سایر نمایش ها ساعت شروع آن نبود . بلکه اتفاقا با تاخیر کمی آغاز شد اما مشارکت تماشاگران در اجرا ، باعث شد زمان پایان آن غیرقابل کنترل شود طوری که با آن که زمان سانس دوم آن در جدول اجراهای جشنواره ساعت ۲۱ ذکر شده است ، سانس اول آن ۲۰:۵۰ تمام شد.
- این مسئله باعث تداخل برنامه ها و بی نظمی در تالار چهارسو شد و تماشاگرانی که برای سانس دوم آمده بودند از این تاخیر متعجب بودند که وقتی تماشاگران سانس قبل تا آن لحظه در سالن هستند نمایش آنها قرار است کی شروع شود؟! از حاشیه های اجرای این نمایش هم مشارکت و فعالیت خوب تماشاگران بود . **بهزاد فراهانی** که برای این دیدن این نمایش رفته بود هم در اجرا شرکت داشت . یکی از تماشاچیان هم موقعی که انتخاب شد تا روی صحنه برود ، رو به یکی از بازیگران گفت که من فلانی هستم و با شما آشنا هستم !! اما بازیگر او را نمی شناخت!
- در یکی از صحنه ها هم که ماجرای نمایش در هندوستان رخ می داد از یکی از تماشاگران دعوت شد تا در نقش دوست یکی از پرسوناژ ها ظاهر شود . اتفاق جالب این بود که چهره ی این بازیگر به صورت اتفاقی شبیه هندی ها بود او هم تصمیم گرفت این نقش را در قالب یک هندی ایفا کند و نتیجه با مزه و دلنشین شد.

- و اما حاشیه های اجرای نمایش " شیشه " به کارگردانی امیر دژاکام که در تالار سایه اجرا شد این بود که کارگردان پیش از اجرا اعلام کرده بود هیچ کس حق ندارد روی زمین و پله ها بنشینند و به خاطر ظرفیت محدود سالن زمزمه هایی مینی بر این که خبرنگاران جا نداشته باشند ؛ شنیده می شد.
- اما در نهایت وقتی عده ای خارج از ظرفیت صندلی ها می خواستند وارد شوند ، دژاکام با احترام گفت : " بر سر ما منت می گذارید . " و این شد که عده ای هم روی پله ها نشستند . امیر دژاکام پیش از شروع نمایش گفت : علاقه ای نداشتیم که مردم روی زمین و پله ها بنشینند.
- او همچنین اضافه کرد : " همه ما تاثیری ها از شرایط و کار کردن خسته ایم اما من خسته تر هستم . من سی سال است که کار می کنم و الان هیچ انگیزه ای ندارم و تایید و تکذیب هیچ کس برایم مهم نیست . اگر در جشنواره حضور دارم فقط به خاطر این است که حرف هایی دارم که باید شنیده شود " .
- او درباره اجرای این نمایش هم تاکید کرد : " این ۴۵ دقیقه حرف های من است اما برای افرادی که کم حوصله هستند این نمایش به شدت حوصله سر بر است چرا که بیشتر یک نجواست " .
- اما در نهایت مخاطبان از این اثر راضی بودند و با رضایت از سالن خارج شدند.
- نکته جالب این اثر مونولوگ ، آن بود که کلا به زبان انگلیسی اجرا شد و بالانویس فارسی داشت.
- نمایش " هاروی " به کارگردانی ملودی آرام نیا در تماشاخانه ایرانشهر دقیقا راس ساعت و بدون حتی یک دقیقه تاخیر در سانس دوم اجرا شد . مدت ها بود اجرای به موقع تئاتر برایمان تبدیل به آرزو شده بود و کم کم هم تبدیل به نوستالژی شده است!
- این اجرای به موقع هم شاید به خاطر عدم حضور داوران همیشه بی نظم جشنواره باشد که در این سانس حضور نداشتند .
- زانوی مسعود کرامتی در حین اجرای نمایش " هاروی " به میز خورد و شدیداً درد گرفت که باعث شد لحظه ای دیالوگش را فراموش کند ولی دیالوگ بداهه مهدی بجستانی دیگر بازیگر نمایش ، فرصتی را بوجود آورد تا کرامتی به شرایط طبیعی بازگردد

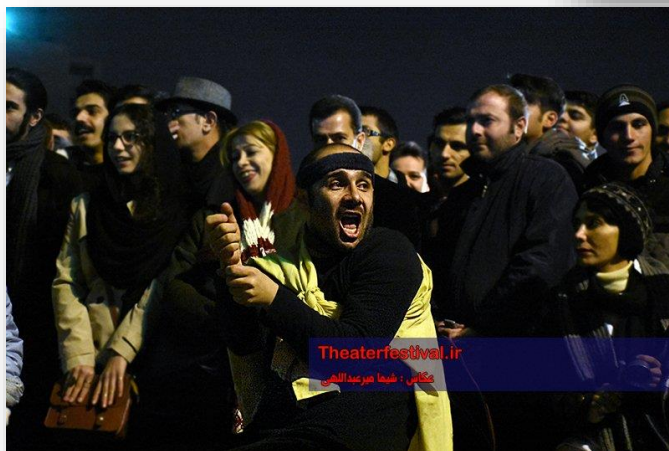


- امشب نوبت به سالن سنگلج رسید تا تاخیر داوران باعث تاخیر ۲۵ دقیقه ای نمایش " چریکه چپای هالوز " از مهتاباد شود.
- مهدی شفیعی (مدیر کل هنرهای نمایشی) ، ارمان بهداروند و کوروش سلیمانی این نمایش را دیدند.



- نمایش " ناسور " هم به کارگردانی افسانه زمانی در تالار حافظ نیم ساعت دیر شروع شد.
- اصغر دشتی و میهمانان بخش بین الملل به دیدن نمایش "ویدئو کال ۲" در تماشاخانه موج نو نشستند.
- امروز گردهمایی هنرمندان نابینا و ناشنوا در جشنواره تئاتر فجر در محوطه مجموعه تئاتر شهر برگزار شد . به همین خاطر عده ی زیادی از این هنرمندان را می توانستید ببینید که با زبان اشاره با هم گفتگو می کنند.
- نمایش های خیابانی جشنواره تئاتر فجر که از بسیار جهات مورد بی توجهی هستند از یک جهت رقابت خود را با نمایش های صحنه ای حفظ کرده و پایاپای آنها پیش می رود و آن هم در تاخیر اجراهاست !!! تقریبا هیچ اجرایی در نمایش خیابانی به موقع شروع نمی شود.
- از اتفاقات جالب نمایش های خیابانی امروز ، نمایش " داستان مردم " بود که به صورت بداهه و با شرکت مردم در اجرا به نمایش در آمد . در پایان نیز یکی از مخاطبان نقد خود را نسبت به اجرا به کارگردان گفت و همین موضوع باعث شد بین تماشاچیان بحث و گفتگو شکل بگیرد.
- در نمایش " آقای دلواپس " هم که پرسوناژی به نام آتش داشت ، طوماری بین مردم و آتش نوشته شد و به امضای تماشاچیان رسید . به آنها گفته شد هر آنچه دوست دارند می توانند به این طومار اضافه کنند.

گزارش تصویری نمایش خیابانی "مستند پخش نشده میرزا"



ندا هنگامی : نسبت به انتقاد و پیشنهاد به جشنواره بی تفاوت شده ایم.

ندا هنگامی کارگردان تئاتر ، نمایش " نیمروز اسکاتلند " را با گروه تئاتر پرما ، بر اساس نمایشنامه " مکبث " اثر ماندگار ویلیام شکسپیر طراحی و کارگردانی کرده است . وی این نمایش را در تماشخانه ارغنون به روی صحنه برد و اکنون در سی و پنجمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر در بخش مسابقه بین الملل حضور دارد . به بهانه اجرای این نمایش در جشنواره خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفت و گویی با این کارگردان داشته است که در ادامه می توانید آن را بخوانید:



ندا هنگامی کارگردان نمایش " نیمروز اسکاتلند " با بیان اینکه این نمایش در بخش مسابقه بین الملل جشنواره تئاتر فجر قرار دارد ، در رابطه با انتخاب این نمایشنامه گفت " : هر کارگردانی دلش می خواهد یکبار به سراغ متن های شکسپیر برود و این موضوع برای هر کارگردانی یک وسوسه است . علاوه بر آن این گروه ، از هنرجویان من بودند و حدود یک سال و نیم است که بازیگری را شروع کرده اند و قرار بود که کار اولشان را من کارگردانی کنم . این گروه از داخل ورک شاپ انتخاب شده بود و فکر کردم به عنوان معلم موظف هستم که این بچه ها را وارد پروسه حرفه ای کنم . به همین خاطر تصمیم گرفتم که اولین دست و پنجه نرم کردن این گروه در تئاتر با متن سخت مکبث باشد و بر یک ایده پر چالش روان شناختی بپردازد . ما برای این نمایش حدود یک سال و نیم روی این اثر کار کردیم . من ایده هایی برای اجرای این کار داشتم و فکر کردم این کار با بازیگر حرفه ای ممکن است موفق نباشد . همچنین تمرینات این نمایش مدت زمان طولانی را می طلبید و بازیگران حرفه ای اغلب وقت زیادی برای تمرین ندارند و برای همین " نیمروز اسکاتلند " با این گروه شکل گرفت . در مرحله اول تحلیل و خوانش متن را سپری کردیم و پس از آن به ایده اجرایی ، آمادگی بدن و ذهن رسیدیم " .

هنگامی در رابطه با طراحی صحنه نمایش گفت " : من از ابتدا می خواستم که مکبث شکسپیر را در یک صحنه عریان اجرا کنم و تصمیم نداشتم که از دکور و آکسسوار ویژه ای برای این کار استفاده کنم . بلکه می خواستم تمام این ها توسط بازیگر اتفاق بیافتد ، دوست داشتم تمام ایده های ذهنی من اعم از اینکه مکبث دچار یک بیماری روان پریشی است و لیدی مکبث دچار یک بحران چندگانه است را بر خود بازیگر متحمل شود و او خودش را به چالش بکشد . در واقع از عمل این شیوه فرمالیستی ، اجرا انتخاب شده و فرم هایی که در نمایش دیدید ، فرم هایی نیست که از بیرون ذهن کارگردان طراحی شده باشد و در واقع ایده ی کارگردانی است " .

وی در پاسخ به اینکه چه پیشنهادی برای بهبود روند برگزاری جشنواره تئاتر فجر دارید ، گفت " : این سوال برای من که ۱۸ سال کارم این است ، سوالی بی پاسخ است چرا که ما کارگردان هایی که به صورت حرفه ای کار می کنیم ، مقداری نسبت به انتقاد و پیشنهاد به جشنواره بی حس شده ایم . من واقعاً بدم می آید که هر سال در مراسم اختتامیه جشنواره یکی روی سن می رود و از فقر و بیچارگی تئاتر ما و نبود سالن می گوید . اگر این روش قرار بود جواب دهد ، تا حالا داده بود " .

هنگامی در پایان افزود : بهتر است شیوه مان را عوض کنیم ، واقعا پیشنهادی ندارم . یعنی فکر می کنم کسانی که در دبیرخانه کار می کنند از جمله دبیر فجر و مشاوران ایشان اگر تئاتری باشند که قطعا هستند ، خودشان همه معضلات را می دانند . اگر این معضلات حل نمی شود ، قطعا نمی توانند که آن را حل کنند و مشکل از جای دیگری است . من فکر می کنم هر سال یک عده دلسوز فقط می خواهند جشنواره را سرپا نگه دارند و به نظرم ریشه از جای دیگری خراب است " .

جواد خورشایده: ایده‌ی تبدیل فیلم به تئاتر را همیشه در ذهن داشته‌ام.

نمایش "دوازده" به کارگردانی جواد خورشایده دومین روز سی و پنجمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر در تالار مولوی به روی صحنه رفت. خبرنگار تئاتر فستیوال به همین بهانه گفتگوی کوتاهی با کارگردان این اثر انجام داده است که می‌توانید در ادامه بخوانید:



جواد خورشایده درباره تجربه حضور در سی و پنجمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر به خبرنگار تئاتر فستیوال گفت: «نمایش "دوازده" حاصل چندین ماه تلاش بچه‌هاست و بعد از اجرای عموم مان در سالن پالیز، خوشبختانه در جشنواره فجر هم پذیرفته شد و من از این اتفاق خوشحال هستم. این اولین حضور من به عنوان کارگردان در جشنواره تئاتر فجر است. محکی که ببینم در رقابت چه اتفاقی می‌افتد.

کارگردان نمایش "خدایس" درباره دلیل انتخاب این متن برای اجرا توضیح داد: «انتخاب این متن چند دلیل داشت، اول اینکه فیلم "دوازده" مرد خشمگین یکی از بهترین فیلم‌های تاریخ سینما است و من سالها پیش به این فیلم علاقه داشتم. مجدداً بعد از چهار سال این فیلم را دیدم و دوباره لذت بردم. در برهه‌ای از زمان، در زندگی شخصی‌ام هم قضاوت که در این نمایش از ارکان اصلی است برایم خیلی مطرح شد. از طرف دیگر چندین سال پیش ایده‌ای در ذهنم بود که یک فیلم را تبدیل به تئاتر کنم. تمام این عوامل دست به دست هم داد و برآیند تمام این اتفاقات تبدیل به نمایش "دوازده" شد.

خورشایده درباره تغییرات اجرای جشنواره‌ای نمایش "دوازده" نسبت به اجرای عموم گفت: «ما در اجرای جشنواره‌ای مان تغییرات عمده‌ای داشتیم هم در دکور، هم گریم و هم در نور اما ترکیب بازیگران تغییری نکرده است. ترجیح ما این بود که یک اجرای متفاوت تری نسبت به اجرای عموم داشته باشیم.

وی در خصوص انتخاب بازیگران این نمایش توضیح داد: «اولین نکته‌اش این بود که شناختی از بازیگران مطرحی که با ما کار کردند وجود داشت و این شناخت باعث شد که این افراد با تجربه با ما همکاری کنند. اسم گروه ما "چیز" است که افراد و بازیگران هم سن و سال خودمان عضو آن هستند. در نهایت به کمک ترکیب با تجربه‌ها و جوان‌ترها کنار هم نمایش "دوازده" را به سرانجام رساندیم.

میهران توماسیان : نمایش "سار" به هر بیننده ای احساس متفاوتی را منتقل می کند.

میهران توماسیان کارگردان ارمنی تبار ترک که با دو نمایش "سار" و "تو ماهی نیستی" از کشور ترکیه در سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر شرکت کرده است ، پس از اجرای نمایش "سار" گفت و گویی با خبرنگار **تئاتر فستیوال** داشته است که می توانید آن را در ادامه بخوانید.



میهران توماسیان با بیان این نکته که اکثر مواقع با اشیاء اجرا می کند ، در این باره توضیح داد : در واقع با تغییر ظاهر اشیاء داستان هایی را خلق می کنم . کاغذ داستان های بسیاری به ما می دهد به همین خاطر در نمایش "سار" ، داستان های مختلفی درون یکدیگر قرار دارند پس هر لحظه که حس می کنی که نمایش در حال تمام شدن است ، ادامه پیدا می کند و داستان جدید دیگری خلق می شود.

او ادامه داد : این نمایش به هر بیننده ای می تواند داستان یا احساس متفاوتی را منتقل کند به طور مثال برای دانشجویان می تواند مبارزه با امتحانات شان باشد ، برای من مبارزه برای هویتم است چون قصد داشتند هویت و ملیت من و همینطور کل دنیا را از بین ببرند و این هویت را تبدیل به زباله ای کنند اما در نهایت موفق نشدند و از درون این زباله پرنده ای بیرون آمد . بنابراین برای هر کسی این می تواند مبارزه ای باشد در برابر کسانی که سعی می کنند به هر طریقی جلوی راهش را بگیرند اما هر چقدر می خواهند راه شما را مسدود کنند ، شما راه جدیدی پیدا می کنید و دوباره به هدف و امیدتان می رسید.

این بازیگر تئاتر با اشاره به اینکه ۱۳ سال از فعالیت گروه تئاتر او می گذرد ، درباره حضور فستیوال های مختلف گفت : ما در فستیوال های مختلفی مانند فستیوال تئاتر آلمان ، فرانسه ، پرتغال ، ارمنستان ، بلغارستان ، آمریکای جنوبی ، لبنان و ... شرکت کرده ایم . در هر دفعه با اشیایی که وجود دارد ، بدون داستان خاصی نمایش مان را اجرا می کنیم و داستان را به خود بیننده ها می سپاریم که هر کس هر برداشتی که خودش دوست دارد بکند.

وی همچنین در مورد تفاوت تئاتر و پرفورمنس و اینکه نمایش "سار" در چه دسته ای قرار می گیرد ، به خبرنگار تئاتر فستیوال گفت: اولین تفاوت تئاتر با اجرای من این است که اجرای من دیالوگ ندارد ، گرچه تئاتر هم می تواند دیالوگ نداشته باشد و بعد اینکه من خیلی از صورت و حرکات بدنم برای نشان دادن چیزی استفاده نمی کنم . از نظر من "سار" پرفورمنس است و تئاتر یا رقص نیست.

توماسیان در پایان در مورد وضعیت تئاتر در ترکیه توضیح داد : در ترکیه تئاترهای کلاسیک طرفدار دارد .

سالن خصوصی بسیاری وجود دارد ، خانه هایی که آن ها را تبدیل به سالن کرده اند که وقتی از بیرون نگاه می کنی به نظر نمی آید سالن تئاتر باشد ولی درون آن سالنی است که ۵۰ نفر ظرفیت دارد و بیننده هم دارد . در ترکیه تئاتر های خصوصی که به صورت زیرزمینی فعالیت می کنند و تعداد شان خیلی زیاد است ، بسیار قدرتمند هستند چون نسل جوان نمایشنامه ها را می نویسند و به مسائل روز می پردازند . خیلی با آن ها ارتباط برقرار می کنم و نسل نو تئاتر ترکیه را بسیار دوست دارم



فرهاد جم : امیدوارم دوباره به صحنه تئاتر بازگردم.

فرهاد جم بازیگر تئاتر ، سینما و تلویزیون پس از مدت ها دوری از عرصه ی بازیگری ، با آنسامبل ، “یرما” به کارگردانی اشکان صادقی و الهام شکیب به صحنه بازگشته است . به بهانه ی اجرای این نمایش در سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر ، خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفت و گویی با فرهاد جم داشته است که می توانید آن را در ادامه بخوانید.



فرهاد جم با اشاره به اینکه دست مایه قرار دادن نمایشنامه “یرما” برای اجرای آنسامبل کار دشواری بود ، در این رابطه گفت : ایجاد هماهنگی واقعا بسیار سخت است . باید در حرکات مان ریتم موسیقی را داشته باشیم . در ضرب آهنگ ها اینکه چه جایی باید شروع یا قطع کنیم ، این مسئله باید رعایت شود.

او ادامه داد : در حقیقت من از بدو شروع کار ، با گروه نبودم . شاید یک ماه از تمرین دوستان گذشته بود که بهشان ملحق شدم . در مدتی که برای اجرای عموم تمرین کردیم و زمانی که اجرای عموم داشتیم و همچنین تمرینات مربوط به جشنواره ، سختی کار را با پوست و گوشت و استخوان حس کردم.

بازیگر آنسامبل “یرما” در مورد مدت زمان تمرین گروه اجرایی این اثر گفت : من برای اجرای عموم حدود ۴۰ روز تمرین کردم ولی بچه ها حدود ۳ ماه تمرین داشتند . برای جشنواره هم حدود ۱۵ روز پیش شروع به تمرین کردیم.

او همچنین در مورد استقبال مخاطبان در زمان اجرای عموم و جشنواره تئاتر فجر به خبرنگار تئاتر فستیوال گفت : در اجرای عموم با اینکه ساعت اجرا خوبی نبود ، ساعت ۱۷:۳۰ تابستان ، ولی استقبال خوب بود و از این نوع نمایش ها در کشور ما خیلی اجرا نمی شود ولی اکثر کسانی که نمایش را دیدند ، با آن ارتباط برقرار کردند و دوست داشتند و انرژی اجرا را دریافت کرده بودند و فکر می کنم درمجموع راضی بودند.

فرهاد جم در در مورد دور بودن از صحنه ی تئاتر در سال های اخیر گفت : دلایلی وجود دارد که الان زمان مناسبی برای بیان آن ها نیست ولی امیدوارم که دوباره به صحنه بازگردم ولی باید ببینیم که چه پیش می آید.

او در پایان در مورد جشنواره تئاتر فجر گفت : جشنواره همیشه بیننده و تماشاچی خودش را دارد و تب و تاب جشنواره هم همیشه هست . برای دوستان عزیزی که کار نمایش می کنند ، آرزوی موفقیت می کنم.



یادداشتی بر نمایش "چند خوان رستم" به کارگردانی علیرضا رحیم دل

چند خوان فاصله تا شاهکار شدن!

"چند خوان رستم" یک نمایش سرگرم کننده و قصه گو است، با سوژه ای جذاب و موفق در ارتباط با مخاطب.

اگرچه نباید در این نمایش به دنبال طراحی صحنه، لباس و نورپردازی عجیب و غریب و خاص بود ولی سادگی و روایت روان قصه ویژگی های مثبت اثر می باشد.

این نمایش که با چاشنی طنز به خوبی می تواند با مخاطب ارتباط برقرار کند دارای کاستی هایی است که مانع از آن شده تا با نمایشی صد در صد رو به رو شویم.



برادران رحیم دل - نویسندگان این اثر - برای مطرح کردن مشکلات و دغدغه های امروزی به سراغ دو شخصیت اسطوره ای - فردوسی حکیم و رستم دستان - رفته اند و با قرار دادن این دو در موقعیت زمان حال، مشکلات و دغدغه های امروزی را مطرح کرده اند. اگر چه این ایده، ایده ای تازه و نو نیست و تا به حال نمایش ها و به خصوص فیلم های زیادی با این ایده کار شده است که شخصیتی را از دل تاریخ در زمان معاصر قرار دهند اما این ایده به خاطر تضادی که به خودی خود در درونش دارد، دست نویسندگان را برای بست دادن قصه و ایجاد موقعیت های خلاقانه و جدید باز می گذارد. این به خلاقیت در نویسندگی و پختگی متن بر می گردد که بتواند از این ایده به خوبی استفاده کند و شرایط و موقعیت های متفاوت و نوآورانه ای را خلق کند.

در این نمایش هم می توان گفت که علی رغم آنکه میتوانست قرار گرفتن رستم در موقعیت های مختلف شرایط دراماتیک تری را به وجود آورد اما پرداخت کمی در هر صحنه صورت می گیرد و به سرعت از روی هر کدام از آن عبور می کند. جزئیات در هیچ یک به خوبی طراحی نمی شوند و به همین خاطر به خصوص در برخی از صحنه ها که کمترین پرداخت را دارند، مطرح کردن مسائل امروزی در حد غر زدن باقی مانده است. مثلاً صحنه پادگان اصلاً ساخته و پرداخته نشده است و نه حس، و نه فضای پادگان را به مخاطب نمی دهد و اگر گفته نشود که رستم مجبور است به "سربازی" برود کسی متوجه پادگان بودن آن نمی شود.

دیگر مسئله در رابطه با متن این نمایش، مطرح شدن موضوعات بر اساس همان پیش فرض های همیشگی در ذهن مخاطب است. مثلاً در موقعیت مترو به شلوغی و ازدحام جمعیت و به دزدی که ممکن است اتفاق بیفتد اشاره می شود که برای همه تصویر پیش فرضی را از مترو بوجود می آورد که قابل حدس و بدون نوآوری است. در صورتی که می توانست خلاقانه تر مطرح شود. این مواردی که اشاره شد باعث می شود که این نمایش را در حد یک نمایش ساده و معمولی تنزل دهد و مانع از شاهکار شدن آن شود.

استفاده از دیالوگ های نظم بین فردوسی و رستم ، بر گرفته از قالب شعری شاهنامه ، نقطه قوت اثر است و چاشنی طنز را بیشتر از موقعیت های دیگر به نمایش اضافه کرده است و به همین نسبت می توان گفت این دو پرسوناژ پر رنگ تر از سایرین شده اند .

سایر پرسوناژ ها کمتر از حد تیپیکال هستند و نسبت به پرداخته شدن هر صحنه می توانند خنده ی بیشتری را از مخاطب بگیرند . با این حال همه بازیگران این نمایش به خوبی از عهده ی نقش هایشان بر می آیند و با اینکه فرصت بداهه گویی دارند ، از متن خارج نمی شوند .

با همه ی این تفاسیر می توان گفت که نمایش ” چند خوان رستم ” اگرچه با کمی لکنت ولی نمایش قابل قبولی به روی صحنه رفته است و به خوبی با مخاطب ارتباط برقرار کرده است .

فرهاد ابراهیمی والا – دیارتمان نقد تئاتر فستیوال



محمد جواد صرامی: "چرخه سودایی" فضایی سورئال دارد

نمایش "چرخه سودایی" به نویسندگی و کارگردانی محمد جواد صرامی کاری از اصفهان در چهارمین روز از سی و پنجمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر در تالار هنر به روی صحنه رفت. خبرنگار **تئاتر فستیوال** به بهانه حضور این نمایش در بخش مسابقه تئاتر جوان و نسل نو جشنواره، گفت و گویی با کارگردان این اثر ترتیب داده است که ماحصل آن را در ادامه می‌توانید بخوانید:



محمد جواد صرامی در رابطه با شیوه نگارش این نمایش و دلیل انتخاب سوژه نمایشنامه گفت: "دو سال پیش کارگاه هملت نویسی داشتیم که در آن ایده‌های نو و جدید نسبت به هملت به نمایشنامه‌نویس‌ها داده می‌شد. من در این کارگاه حدود پنج اتود زدم که یکی از آن اتودها "چرخه سودایی" بود. نگارش این نمایشنامه حدود یک سال و نیم برد و در نهایت به شیوه تجربی آن را در اصفهان اجرا کردیم. فضای نمایشنامه فضایی سورئال است، اعضای گروه همگی جوان و تحصیلکرده تئاتر و یا دانشجوی تئاتر هستند. قصه نمایش نیز در رابطه با خودکشی اوفلیا در نمایشنامه هملت است. سپس او در چرخه بی‌عدالتی به عشق قرار می‌گیرد."

صرامی با اشاره به طراحی گریم و صحنه نمایش "چرخه سودایی" گفت: "لحظه‌ای که اوفلیا خودش را به رودخانه می‌اندازد برای من خیلی زیبا بود، در طراحی به این فکر کردم که آیا می‌شود کنار او در رودخانه یک ماهیگیر باشد و یا با چند تکه چوب بخواهد در آنجا آتشی روشن کند و یا قبری که در گوشه‌ای قرار گرفته ناگهان کنده شود و در کنار همه این اتفاق‌ها یک ماهی در آن رودخانه شنا کند. سعی داشتم رودخانه‌ای را تصویر کنم که از بس عشق‌ها خود را در آن کشته‌اند، عمقش کم شده است. من در این نمایش بستر جدیدی را فراهم کردم که بتوانم در آن بی‌عدالتی نسبت به عشق یک زن را نشان دهم."

وی شانس دریافت جایزه در جشنواره را بالا دانست و گفت: "من این نمایش را برای بخش نسل نو فرستادم و چون سنم زیر ۳۵ سال است، توانستم در آن بخش شرکت کنم. اگر اجرایی که داوران حضور دارند را خوب پیش ببریم، فکر می‌کنم سه یا چهار کاندیدا داشته باشیم."

صرامی در پایان با بیان این که به دلیل مدت زمان کوتاه اسکان فرصت دیدن نمایش‌های جشنواره برای گروه‌های شهرستانی فراهم نمی‌شود، افزود: "کیفیت جشنواره تئاتر فجر به دبیری آقای اسدی بهتر شده است، اما مهمترین

چیز برای یک هنرمندی که به جشنواره می‌آید، این است که از اولین تا آخرین روز در جشنواره حضور داشته باشد و به تماشای تمامی آثار بنشیند ولی برای گروه‌های شهرستانی تنها سه روز اسکان در نظر گرفته‌اند. همچنین در این دوره از جشنواره رسیدگی و پذیرایی از گروه‌ها کم شده است ولی این مشکلات طبیعی است، مهمترین چیز این است که از یکم تا دوازدهم در جشنواره باشیم تا بتوانیم تفکراتمان را با یکدیگر در میان بگذاریم



حمید پورآذری: جشنواره تئاتر فجر در این دو سال اخیر هویت پیدا کرده است.

نمایش “خانه ابری” نوشته نشمینه نوروزی و محمدزمان وفاجویی و به کارگردانی مشترک حمید پورآذری و سیامک احصایی یکی از نمایش هایی است که در بخش مسابقه بین الملل جشنواره تئاتر فجر به روی صحنه رفت. به همین بهانه خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفت و گویی با حمید پورآذری در مورد این نمایش که به روزمرگی می پردازد، داشته است که می توانید آن را در ادامه بخوانید.



حمید پورآذری با اشاره به اینکه دچار روزمرگی است، در این رابطه گفت: در مملکتی زندگی می کنم که در آن روزمرگی وجود دارد و گویی قرار نیست اتفاقی بیافتد و این مسئله محصول چهار سال اخیر است. ما بنا نیست راهکار ارائه بدهیم ولی راهکارش این است که همگی کاری کنیم و نخواهیم این روزمرگی وجود داشته باشد. ابتدا باید تصویر دقیقی از وضعیتی که داریم را ببینیم و بعد فکر کنیم که چه کار باید کرد که کار سختی هم نیست و فکر عجیب و غریبی نمی خواهد. تنها باید کمی تجدید نظر کرد.

وی در ادامه در مورد جشنواره تئاتر فجر گفت: جشنواره تئاتر فجر رویداد مهمی است و به نظرم بعد از ۳۵ دوره، در این دو سال اخیر در راه هویت پیدا کردن، قدم برداشته است. جشنواره تئاتر فجر رویکرد نداشت، به نظر می رسد در این دو سال به سمت این می رود که رویکرد پیدا کند و تکلیفش مشخص شود. قبلاً آثار، تولیدات تازه بودند، تولید جدید یعنی شتابزدگی. گروه ها نمی دانستند در کدام سالن اجرا می روند و اولین اجرای شان در جشنواره بود. اما وقتی کار در سال اجرا می شود، همه می دانند سالن شان کجا است و قرار است کجا اجرا بروند و هم اینکه شتابزدگی دیگر معنایی ندارد و همه چیز مشخص است. این نکته مثبتی است و در همه جای جهان وجود دارد.

این کارگردان تئاتر در مورد تاثیر جشنواره تئاتر فجر بر تئاترهایی که در سال بعد به روی صحنه خواهند رفت، گفت: نمی دانم چه تاثیری می گذارد اما می تواند یک جمع بندی باشد. اگر همه چیز درست انتخاب شود، می تواند ویتترینی باشد که در یک سال چه اتفاقاتی افتاده است. این مهمترین چیز است. وگرنه تا زمانی که زیرساخت ها درست نشود و تعریف نشود که تئاتر به چه درد ما می خورد و چرا باید تئاتر داشته باشیم، جشنواره هیچ تأثیری نمی تواند بگذارد. وظیفه جشنواره تأثیرگذاری نیست بلکه یک رپرتوار است.

یادداشتی بر نمایش "علی کوچیکه" به کارگردانی حسین فرخی

خلق تصویری دلچسب از علی کوچیکه

غالباً به نمایش در آوردن قصه های ماندگار برای ما همیشه دلچسب و جذاب است.

وقتی شاهد اجرای قصه ای باشیم که از کودکی آن را شنیده ایم و هر یک از آن قصه تصویری در ذهن خود تصور کرده ایم، می تواند انگیزه ای باشد تا به تماشای یک اثر نمایشی بنشینیم.

این اتفاق برای ما به عنوان مخاطب هم جذاب است و هم ما را اندکی دچار تردید می کند. جذاب به این خاطر که



دوست داریم قصه مورد علاقه مان را بر روی صحنه تئاتر ببینیم و تردید از اینکه قرار است با اثری روبرو شویم که یکبار در ذهنمان نقش بسته و خود از شخصیت های آن تصویری در ذهن ساخته ایم و این مسئله کار را برای ما سخت می کند. این سوال برایمان ایجاد می شود که آیا کارگردان توانسته همسو با ایده قصه، سوژه مورد نظر را پرداخت کند یا خیر؟

"علی کوچیکه" به کارگردانی حسین فرخی از آثاری است که دست بر چنین سوژه ای گذاشته، سوژه ای که برای مخاطب آشناست و با شنیدن نام نمایش به یاد شعری از فروغ فرخزاد می افتد.

سارا تقوی نویسنده این اثر با استفاده از پرسوناژ "علی کوچیکه" قصه فروغ فرخزاد را از منظر دیگری به نمایش درمی آورد و به آن قصه شاخ و برگ می دهد و شخصیت های جدیدی به آن اضافه می کند.

نمایش "علی کوچیکه" از زبان مادر علی روایت می شود و فلاش بکی به قصه دارد.

کارگردان این اثر با استفاده از دکوری ساده نمایش را با شیوه اجرایی مونولوگ برای مخاطب به نمایش می گذارد و بار دیگر قصه را در ذهن او تصویر سازی می کند بدون آنکه به پرسوناژها هویت اصلی دهد و پرسوناژها دیده شوند.

فرخی ریتمی تند را در آغاز برای این نمایش در نظر گرفته است و بدون کوچکترین مکثی شروع به تعریف قصه می کند. در این نمایش ما از علی کوچیکه تنها یک کلاه پسرانه می بینیم، بار نمایشی و ایفای نقش این پرسوناژ بر عهده سارا تقوی است.

ویژگی اصلی این نمایش قصه گویی آن است، کارگردان به معرفی شخصیت هایی می پردازد که در روند قصه بسیار تاثیرگذارند و مخاطب با بازی خوب سارا تقوی حضور آن شخصیت ها را بر روی صحنه احساس می کند، از همسایه های علی کوچیکه گرفته تا هم کلاسی ها و معلم او.

اجرای مونولوگ اساساً به مهارت بازیگر وابسته است چرا که اگر بازی او نتواند تاثیری بر مخاطب بگذارد و او را با



نمایش همراه کند ، یعنی قصه بر او نفوذ نکرده و نمی تواند اثر نمایشی موفقی شکل بگیرد . ولی خوشبختانه این اتفاق در علی کوچیکه به درستی رخ داده ، دلیل اصلی آن نیز این است که بازیگر این نمایش نویسنده اثر است ، شخصیت ها و موقعیت های داستان همگی زاینده فکر اوست و دغدغه اش خلق چنین اثری بوده ، بنابراین در اجرای نمایش سعی می کند اگر متن کاستی هایی دارد با بیان درست و بازی بی نقص آن کاستی ها را جبران کند و نتیجه ثمر بخشی را رقم بزند .

دیگر نقطه مثبت این نمایش ، شروع و پایان آن است . در ابتدای نمایش مخاطب با تصویری از فروغ فرخزاد بر روی پروژکشن روبرو می شود به طوری که اثر را به مخاطب معرفی می کند . ولی اساسا درک قصه نیازمند خواندن شعر فروغ نیست و مخاطبی که شعر را نخوانده باشد نیز به راحتی قصه را درک می کند و کارگردان در صحنه هر آنچه را که باید به او می دهد و سپس با انتخاب درست و به جا از قسمتی از شعر علی کوچیکه با صدای دلنشین خسرو شکیبایی نمایش به پایان می رساند و به جرات می توان گفت اگر کارگردان چنین تدبیری نمی اندیشید ، نمایش هیچ گاه اینگونه تاثیرگذار پایان نمی یافت . علی کوچیکه در پایان با تلنگری به مخاطب و به فکر واداشتن او پیام اش را می رساند و از او خداحافظی می کند .

نسترن داوودی – دیارتمان نقد تئاتر فستیوال



گزارش تصویری نمایش خیابانی "زیر زمین"



فاطمه کاظمی: تئاتر فجر زمینه خوبی را برای دیده شدن فراهم می کند.

نمایش "زندگی من و موريس" به کارگردانی محمد جواد سجادی در بخش "به علاوه فجر" سی و پنجمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر حضور دارد. به بهانه اجرای این نمایش در جشنواره خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفت و گویی با فاطمه کاظمی نویسنده و بازیگر این نمایش انجام داده است که در ادامه می توانید آن را بخوانید:



فاطمه کاظمی در رابطه با ایده شکل گیری متن گفت: " این متن اقتباسی نیست. ما تنها از یک سری متن ها الهام گرفته ایم. ایده اولیه یک نمایش را محمدجواد سجادی، کارگردان نمایش دادند و من بر اساس آن ایده اتود زدم و کار به صورت کارگاهی شکل گرفت. به همین خاطر نمی توان گفت که نویسنده ۱۰۰ درصدی کار من هستم. بر همین منوال اتود تصویری و دیالوگ گفتن متن نیز شکل گرفت. ما این متن را برای شرکت در جشنواره های مختلف فرستادیم ولی به ما می گفتند که اقتباسی است، در صورتی که اصلاً اینگونه نیست."

وی در ادامه توضیح داد: " زندگی من و موريس " در مورد تبعات جنگ برای دختری است که نامزدش را از دست داده و به خاطر اتفاقاتی که در جنگ می افتد، دچار روان پریشی شده است. او هر روز خاطرات را با خود مرور می کند. شکل گیری متن اینگونه پیش رفت که آقای سجادی به من گفتند، با کفشت حرف بزنی و ایده نمایش در ذهنم شکل گرفت و گفتم چرا این کفش روی دریا نباشد. ایده ی اولیه کار خیلی ناپخته بود، ما از سال ۹۳ روی این متن کار کردیم، کم کم متن دارای عمق شد و سپس زمینه ضدجنگ به متن دادیم."

کاظمی با بیان اینکه "زندگی من و موريس" اثری کارگاهی بوده، در رابطه با نحوه نزدیک شدن به پرسوناژ این نمایش گفت: " من برای اینکه در این نمایش بازی کنم، نویسنده متن شدم. و این قضیه برای من برعکس است. وقتی به صورت کارگاهی کار می کنید، شخصیت را با تمام جزئیاتش درک می کنید، آن را می سازید و در محور آن شخصیت دیالوگ می گوید و کاملاً در شخصیت آن پرسوناژ فرو می روید."

نویسنده نمایش "زندگی من و موريس" با اشاره به اینکه نخستین بار است که در جشنواره تئاتر فجر حضور دارد،

گفت: " ما در گروه "زاوش" به سرپرستی آقای سجادی فعالیت می کنیم. این گروه سال گذشته نمایش "هفت خوان هملت" را در جشنواره استانی فجر داشت، ولی من اولین بار است که وارد جشنواره فجر شده ام. جشنواره فجر رزومه خیلی خوبی است و زمینه خوبی را برای دیده شدن و آشنا شدن با دیگران فراهم می کند. خیلی خوشحال هستم که کار قابلیت حضور در جشنواره را داشته است."

یادداشتی بر نمایش " یرمای درون من " به کارگردانی ستاره تبریزان

اتود دانشجویی ساده و قابل قبول

نمایش " یرمای درون من " نمایشی مبتنی بر فرم ، توسط گروهی جوان از اصفهان در بخش " مسابقه جوان " سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر در خانه هنرمندان اجرا شده است.

اجرای شسته رفته و با طراحی میزانشی دقیق و فرمی جذاب و دیدنی . نکته قابل توجه این اثر استفاده درست موسیقی در هر صحنه با حرکات فرمی ، و کاملاً متناسب با کلیت اثر و در ارتباط موفق با مخاطب است .



قصه ی این نمایشنامه برگرفته از نمایشنامه معروف " یرما " لورکاست که البته در بروشور کار هیچ اشاره ای به اقتباس از آن نشده است . در اینجا دو پرسوناژ زن و مرد و دو پرسوناژ سایه به گونه ای مبارزه ی درونی این دو را با تلفیق حرکات فرمی با موسیقی نشان می دهد ، به علاوه ی یک پرسوناژ انتزاعی دیگر که گویی فرمی نمادین ، از درون این زن و مرد است . این زن و شوهر که از داشتن فرزند محروم هستند ، تلاش می کنند تا صاحب فرزندی شوند و در عین حال نیروی شرم مانع این امر است . این کش و قوس به خوبی توسط حرکات فرمی دراماتیک شده و تنوع بصری لازم را ایجاد کرده است .

اگرچه همه ی بازیگران به لحاظ تکنیک و اجرا تمام سعی خود را کرده اند تا به بهترین نحو از عهده این طراحی و میزانشن ها بر آیند ولی به نظر می رسد بیشترین تمرکزشان بر اجرا بوده و چاشنی ارتباط حسی کافی با مخاطب را از دست داده اند .

در این نمایش همه چیز در نهایت سادگی است : طراحی صحنه ، لباس و نور . و شاید همین سادگی به این گروه جوان کمک کرده تا بیشترین تمرکز خود را بر روی بازی بدنی خود بگذارند و از این راه به تجربه و پختگی لازم برسند .

" یرمای درون من " با الهامی موجزانه از نمایشنامه یرما توانسته اثر تجربی قابل قبولی را برای مخاطبان خود به نمایش بگذارد و آنها را از سالن روانه ی بیرون کند .

مرجان سادات هاشمی _ دپارتمان نقد تئاتر فستیوال



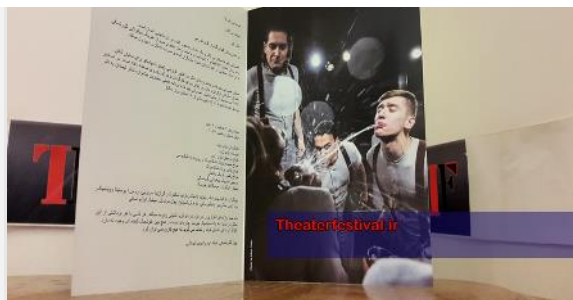
حاشیه های روز هفتم جشنواره تئاتر فجر:

وقتی لهستانی ها برای ما سنگ تمام گذاشتند.

بالاخره در هفتمین روز از سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر، نمایش "همسرایی یتیمان" از کشور لهستان در بخش بین الملل جشنواره به روی صحنه رفت که در نهایت احترام، بروشوری به زبان فارسی و انگلیسی به مخاطبان ارائه داد.



- نمایش "همسرایی یتیمان" از کشور لهستان در تالار حافظ اولین اجرای خود را پشت سر گذاشت. اجرایی بسیار پر مخاطب و با استقبال بسیار زیاد!
- اما این حجم از استقبال مسئولین حافظ را به شدت به زحمت انداخته بود. با اینکه برای اجرای ساعت ۸:۳۰ از ساعت ۸:۱۵ اجازه ورود به سالن را دادند، با این حال نمایش با بیش از ۲۰ دقیقه تاخیر شروع شد.
- ابتدا کسانی که بلیت داشتند به سختی وارد شدند و بعد که نوبت به کسانی شد که کارت اختصاصی جشنواره را داشتند، هجوم و فشار جمعیت باعث شد، درب سالن حافظ از جا کنده شود و به روی تماشاچیان بیفتد!!
- بعد از آن هم یک ردیف از پروژکتورهایی که برای دکور با فاصله ای از صندلی تماشاچی ها با چسب وصل شده بود به خاطر هجوم تماشاچیان و عبور آنها از وسط صحنه، جدا شدند.
- مهمترین اتفاقی که می توان در اجرای جشنواره ای این نمایش به آن اشاره کرد و تا مدت ها به یاد سپرد، بروشوری است که در نهایت احترام و به زیبایی طراحی شده و پیش از شروع اجرا به تماشاگران داده شد. بروشوری به دو زبان فارسی و انگلیسی و با برچسب سفارت کشور لهستان در تهران. ما هم ضمن تقدیر از این رفتار محترمانه، امیدوارم همه ی اجراهای جشنواره، چه داخلی و چه خارجی، به همین اندازه به مخاطبین خود احترام بگذارند.



- تعداد تماشاچی به اندازه ای بود که سه سوی صندلی های سالن حافظ کاملاً پر شده بودند . بعد از آن صندلی های پلاستیکی در سمت چهارم سالن هم چیدند و که این صندلی ها نیز پر شدند . در نهایت عده ای هم روی پله ها و زمین نشستند و عده ای هم پشت صندلی های پلاستیکی ، ایستاده نمایش را دیدند
- در همه ی این لحظات هم یژی ژون ، کارگردان این نمایش به نشستن تماشاچی ها نظارت داشت و اوضاع را مدیریت می کرد.
- در پایان نیز بعد از اجرای رورانس ، تماشاچیان همچنان دست می زدند و گروه را تشویق می کردند و راضی از سالن بیرون رفتند
- هنگام خروج از سالن ، درب بزرگ کارگاه دکور را باز کردند تا جمعیت خارج شود.
- فقط نکته اینجا است که اگر هنگام ورود به سالن ، یک ردیف از پروژکتور های نمایش جدا شد ، هنگام خروج تماشاچی ها هر چهار سمت پروژکتورها جدا شدند
- **علی مرادخانی** (معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (، **مهدی شفیعی** (مدیر کل هنرهای نمایشی (، **هرمز هدایت** ، **فهیمه رحیم نیا** ، **اتابک نادری** ، **عظیم موسوی** ، **منوچهر اکبرلو** ، **سیاوش طهمورث** ، **محمد رضا خاکی** ، **مریم معترف** و **هوشنگ قوانلو** برای دیدن این نمایش رفته بودند.
- **گروه های بین المللی** اما همچنان حاشیه ساز بودند . گروهی از میهمانان خارجی برای دیدن نمایش " **کابوس شب نیمه تابستان** " به خانه هنرمندان رفتند و پیش از همه وارد سالن شدند . اما تعدادشان به اندازه ای بود که هنوز افراد بلیت دار وارد نشده ، سالن تقریباً پر شده بود و عده ای روی زمین نشستند.
- **معصومه آقاجانی** که برای دیدن نمایش پسرش - **پویان درزی** - رفته بود ، به مسئول سالن می گفت اگر کسی بدون جا مانده است حاضر است روی تشک های سالن بنشیند و صندلی خود را به تماشاچی دیگری بدهد.
- از حاشیه های دیگر این نمایش ، بدون بالانویس بودن نمایشی بود که مبتنی بر دیالوگ است . میهمانان خارجی هم که چیزی متوجه نمی شدند خوابشان گرفته بود.
- در پایان **شکوفه طاهری** کارگردان " **کابوس شب نیمه تابستان** " اجرای این نمایش را به دو نفر از مادران بازیگرانش که در سالن حضور داشتند تقدیم کردند . **معصومه آقاجانی** مادر **پویان درزی** و **مادر ابراهیم عزیزی** .
- نمایش " **بیستون می تازد** " به نویسندگی و کارگردانی **امین رضایی اردانی** که از مشهد در بخش مسابقه **بین الملل جشنواره تئاتر فجر** شرکت کرده است با بالانویسی با فونت ریز و در بالاترین قسمت پیشانی سن اجرا شد و داور های غیر ایرانی مجبور شدند روی صندلی های ردیف های عقب تر بنشینند تا بتوانند بالانویس را ببینند و بخوانند.



- در این نمایش از دستگاه مه ساز استفاده شده بود و غلظت مه های ساخته شده مخاطبان را اذیت می کرد . که در نهایت باعث شد **دکتر مسعود دلخواه** و **فرهاد مهندس پور** که دیگر داوران بخش بین الملل هستند هم مجبور شدند صندلی های خود را عوض کنند و عقب تر بروند.
- این تغییر جای داوران هم کارگردان نمایش را به اشتباه انداخته بود و او که داورها را ندیده بود ، نمی دانست بالاخره در آن سانس داورها نمایش او را دیده اند یا نه!
- "منظومه خوانی جمعی " ادیسه " از **کشور یونان** در تالار اصلی مجموعه تئاتر شهر برگزار شد که حضور برای عموم مردم آزاد بود و همه می توانستند با دریافت شماره به عنوان یکی از نقش خوانان در این منظومه خوانی شرکت کنند . به هر کدام از افراد شرکت کننده در پایان مجسمه ای به عنوان یادگاری داده می شد.
- نقش خوانان از هر کشوری که بودند با زبان مادری خودشان متن را می خواندند و بر روی پرده ای بزرگ متن به دو زبان فارسی و انگلیسی نشان داده می شد.
- **سید رضا صالحی امیری** وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به همراه علی مرادخانی و مهدی شفیعی به تماشای نمایش " پستو " به کارگردانی **سید حسین موسوی** و **کامران جباری** که از شهر **بیجار** در **تالار قشقایی** اجرا می شد ، نشستند.
- نمایش " **گاهی** " به کارگردانی **محمد رضا درند** و **سعید زندی** از **کرمانشاه** در **سالن چهارسو** با یک ربع تاخیر همراه بود.
- استقبال از این نمایش خوب بود و بخش عمده ای از تماشاگران میهمانان و همشهری های گروه نمایشی بودند
- نمایش " **مجلس مچاله خوانی** " از **تویسرکان** در **تماشاخانه سنگلج** اجرا شد
- گروه این نمایش یکی از جوان ترین گروه های اجرایی در بخش مسابقه تئاتر جوان بودند.
- در قسمتی از این نمایش بر اساس قصه بازیگر اثر باید از چند نفر از تماشاگران امضا می گرفت . او به همین منظور طبق میزانشن کاغذی را جلوی داوران برد و از آنها امضا گرفت.
- **سجاد طهماسبی** در پایان ، اجرای این نمایش را به **رکن الدین خسروی** تقدیم کرد . گفتنی است مراسم تشییع این استاد گرامی ، صبح امروز - جمعه هشتم بهمن ماه - از مقابل تالار وحدت برگزار می شود.



- نمایش "کارنامه بندگان بیدخس" به کارگردانی آرش آشاداد در تماشاخانه ارغنون با ۴۰ دقیقه تاخیر همراه بود. در حالی که در بلیت نمایش و جدول برنامه ها ساعت آغاز نمایش ۱۸ ذکر شده بود. مسئولین سالن گفتند که ساعت اجرا ۱۸:۳۰ است و در بلیت ها اشتباه درج شده است. البته در نهایت همان ۱۸:۳۰ هم شروع نشد و آغاز آن ۱۸:۴۰ دقیقه بود.
- با توجه به استقبال نسبتا کمی که از بخش به علاوه تئاتر فجر می شود، تماشاخانه ارغنون امشب با استقبال خوبی مواجه شد.
- بر خلاف آنچه در بروشور مدت زمان این نمایش ۵۵ دقیقه ذکر شده بود، مدت زمان این نمایش ۴۰ دقیقه بود.
- تماشاخانه استاد مشایخی با اجرای "حواست کجا بود؟" توسط جانبازان اعصاب و روان، میزبان میکائیل شهرستانی بود.
- در انتهای نمایش هر کدام از جانبازان و ایثارگران خاطره ای تعریف کردند و میکائیل شهرستانی هم چند دقیقه ای صحبت کرد.
- این نمایش در تماشاخانه استاد مشایخی با استقبال خوبی روبه رو شد.
- و اما چند حاشیه در بخش نمایش های خیابانی در محوطه تئاتر شهر: نمایش خیابانی "حریم شخصی" به کارگردانی سید جمال میرجعفری، یک نمایش شورایی بود و در ابتدای نمایش از مردم خواسته شد، یک سری حرکات را انجام دهند که داورهای بخش خیابانی هم شروع به همراهی با مردم کردند و حرکات را انجام دادند.
- پیش از شروع این نمایش، تماشاگران شهدای آتش نشان را تشویق کردند.
- بهزاد فراهانی هم برای دیدن نمایش های خیابانی در محوطه تئاتر شهر آمده بود و مردم با او سلفی می گرفتند.

محمد یعقوبی: باید ساختار روشن و واضحی برای انتخاب آثار وجود داشته باشد

محمد یعقوبی کارگردان و نمایشنامه نویس مطرح تئاتر ایران در سی و پنجمین جشنواره ی تئاتر فجر ، نمایش ” تنها راه ممکن ” را در بخش ” به علاوه فجر ” به روی صحنه برده است . خبرنگار **تئاتر فستیوال** به همین بهانه گفتگویی با او ترتیب داد که می توانید در ادامه بخوانید:



محمد یعقوبی که نمایش ” تنها راه ممکن ” را اولین بار در سال ۸۳ در تئاتر فجر به روی صحنه برده است ، درباره اجرای مجدد آن در جشنواره سی و پنجم ، به خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفت : برای اولین بار من نمایش ” تنها راه ممکن ” را در سال ۸۳ در جشنواره فجر اجرا کرده ام و سال بعد اجرای عمومی آن به روی صحنه رفت و گذشت . همانطور که در این سال ها می بینید ، من همه ی کارهایم را دارم مجددا اجرا می کنم . به خصوص به خاطر اینکه دو کارگاه داشتم فکر کردم بهتر است که ” تنها راه ممکن ” را دوباره اجرا کنم.

او درباره تغییرات بوجود آمده در این نمایش توضیح داد : از لحاظ فرم اجرایی تغییرات بسیار زیادی صورت گرفته است . در اجرای امسال یک اپیزود به اسم ” کلاغ ها و آدم ها ” هم به آن اضافه شده است که در متن قبلی نبود . اساسا از لحاظ اجرایی در آن نمایش قدیمی یک دکور سنگین و پروژکشن داشتیم و بازیگران حرفه ای و نیمه حرفه ای و چند جوان در آن بودند . اما الان همه گی جوان هستند و بعضی های شان اولین کار تئاتری شان است و هیچ دکوری در صحنه وجود ندارد و فقط مبتنی بر بازیگر است .

وی همچنین ادامه داد : دلم میخواست کارگاه بازیگری بچه ها وابسته به هیچ چیزی نباشد و بدانند که به قول معروف جلوی تماشاگر برهنه هستند و باید بازی شان را درست کنند و باید فقط متکی به خودشان باشند . از این راهکار استفاده کردم و تأثیرش را می بینم . روزهای اول بچه ها می گفتند یعنی چه ؟! ما حتی یک چهار پایه هم نداشته باشیم ؟! گفتم نه . باور کنید که تماشاگر در پنج دقیقه اول ، این قرارداد را می پذیرد . فکر کنم الان خودشان هم به این نتیجه رسیده اند که جز این نباید باشد .

یعقوبی در خصوص پر پرسوناژ بودن این نمایش و استفاده از چند بازیگران در یک نقش اذعان داشت

: دلیل اصلی پر پرسوناژ بودن و تغییر چرخشی بازیگران این بود که دیدم یک نقش را چهار نفر دوست دارند بازی کنند . البته تعدادشان بیشتر بود اما در نهایت آنهایی را که به نظرم آمد بهتر هستند انتخاب کردم تا نوبتی بازی کنند اما فارغ از این موضوع اجرای این نمایش فرمی داشت که به ایده ی من کمک می کرد ، مثلا یک لحظه را همزمان دو نفر بازی می کنند . در نهایت به نظرم رسید یک لحظه را در آن واحد ، دو یا سه گونه دیدن ، از لحاظ اجرایی جالب به نظر می رسد .

یعقوبی که معتقد است نمایش "تنها راه ممکن" باید داوری می شد، درباره داوری آثار در بخش "به علاوه فجر" جشنواره اظهار داشت: مسلماً اجرا در بخش "به علاوه فجر" تأثیری به حال من به عنوان یکی از اعضای گروه ندارد. من خیلی تمایلی به حضور نداشتم. از علاقه بچه ها با خبر شدم و دیدم حق شان است ولی فکر می کنم وقتی می توانست به حال شان خوب باشد که داوری می شدند و در بخش اصلی جشنواره حضور می داشتند. من هرگز درخواست حضور در بخش اصلی را نداده ام چرا که باید جشنواره ما را دعوت می کرد. به نظر من بخش "به علاوه فجر" بیشتر برای تماشاخانه های خصوصی فایده داشت.

کارگردان نمایش "تنها راه ممکن" پیشنهاد داد: این ساختار خیلی خوبی است که اجراهای عمومی به جشنواره تئاتر فجر می آید، چرا که آثار در شکل پخته ای به جشنواره راه می یابند و اجرا می شوند ولی امیدوارم ساختار روشن و واضحی برای انتخاب آثار وجود داشته باشد. یعنی این گونه نباشد که با چانه زنی، ملاحظه کاری و محافظه کاری انتخاب بشوند. فقط برای اینکه همیشه می دانیم که جشنواره تئاتر فجر زیر ذره بین تندروها و محل منازعه جناح های سیاسی است. به همین خاطر افرادی را که آثار را برای فجر انتخاب می کنند، ملاحظه کاری می کند.

محمد یعقوبی در پایان گفت: امیدوارم جامعه ما به جایی برسد که تا این حد سیاست زده نباشد و انتخاب آثار بر اساس کیفیت شان باشد اما فعلاً از آن روزها فاصله داریم و به نظر می رسد که فعلاً مجبور هستند دست به عصا بروند که نکند فلانی بیاید و اثر او مشکل داشته باشد و برای شان درد سرد ایجاد شود. حتی تندروها برای ما که در بخش "به علاوه فجر" هستیم مطلب می نویسند و باعث می شود شورای نظارت به ما بگوید این تغییرات را بدهید چرا که جشنواره فجر به هر حال هنوز یک جشنواره سیاسی تلقی می شود.

محمدهادی عطایی: وضعیت تئاتر خیابانی فاجعه است/ همه چیز به غیر از هنر ارزش افزوده دارد

نمایش خیابانی “چهار طبقه” به نویسندگی و کارگردانی محمدهادی عطایی یکی از نمایش هایی است که در سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر در محوطه تئاتر شهر اجرا شد. به همین بهانه خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفت و گویی با محمدهادی عطایی داشته است که می توانید آن را در ادامه بخوانید.



محمدهادی عطایی با بیان اینکه نمایش “چهار طبقه” نگاهی به زندگی ماشینی دارد، در رابطه با این نمایش گفت: این نمایش اشاره به این دارد که هرچه خانه ها کوچک تر می شوند، دل ها از یکدیگر دورتر می شوند. در واقع نگاهی به معضلات حال حاضر جامعه دارد، اینکه خیلی از افرادی که کارهای بزرگی می کنند، آن کار هیچ ارتباطی با تحصیلاتشان ندارد. من چهار قشر جامعه را در یک موقعیت یکسان قرار دادم، در این موقعیت عکس العمل های آن ها به شدت متفاوت است و اینکه شغل شان بر روی آن ها تأثیر گذاشته است.

او در ادامه در مورد وضعیت تئاتر خیابانی به خبرنگار تئاتر فستیوال گفت: وضعیت تئاتر خیابانی فاجعه است برای اینکه سال های گذشته حمایت مالی می شدیم. برای طرح ایده و اجرا سه میلیون تومان می دادند و حداقل با دو بازیگر به روی صحنه می آمدیم. امسال یکی، دو تا رپرتوار داشتیم، پارسال هم همین بود.

او ادامه داد: اما مسئله از سمت مرکز هنرهای نمایشی نیست چون آقای شفیع جزو معدود مدیرانی هستند که به رپرتوارها، بازیگران، کارگردانان و صنف نمایش خیابانی احترام می گذارند. می آیند، می ایستند و مثل مردم نمایش ها را نگاه می کند. یا در دفتر تئاتر خیابانی آقای خلیلیان زحمت می کشند ولی معاونت هنری که قرار است به ما بودجه بدهند، حمایتی نمی کنند.

این بازیگر تئاتر با بیان اینکه امسال، سال تئاتر بود، در این رابطه گفت: امیدوارم سال دیگر، سال هیچ هنری نباشد چون بلایی که امسال سر تئاتر آمد، مطمئناً سال دیگر سر آن هنر می آید. امسال هیچ حمایتی نشد، هیچ رپرتواری نداشتیم. کارها در جشنواره فجر تولید و بعد به امید خدا رها می شود و دیگر هیچ حمایتی نمی شود.

عطایی با اشاره به این نکته که سال ها است تنخواهی که برای جشنواره ها می گیرند، تغییری نکرده است، گفت: می خواهم بدانم چگونه است که همه چیز ارزش افزوده دارد، بهای همه چیز بالا می رود به غیر از هنر. انشاءالله این آخرین دوره ای است که در جشنواره های خیابانی مخصوصاً فجر شرکت خواهم کرد.

وی افزود: در این سرما روی تخته ای راه می رویم که مدام صدا می دهد و راه رفتن مان با افکت موسیقی همراه است. جایی که لباس عوض می کنیم یک زیر پله است. این احترامی است که برای ما قائل هستند.



حضور " آقای دلواپس " در تئاتر شهر / گزارش تصویری



نقدی بر نمایش " آبگوشت زهرماری " قاسم لطفی خواجه پاشا:

خط سیر آبگوشت تا زهرمار

نمایش " آبگوشت زهرماری " نمایشی دغدغه مند است . این نمایش ظاهرا ! سعی دارد به صورت خیلی کلی نسبت مردم با حکومت را به چالش بکشد و در بستر تاریخ نشان بدهد که مردم قربانی بازی قدرت طلبان هستند .

اما نمایش با وجود کمیدی های متعدد و اغلب خنده دار دچار ایراد هایی است که با بر طرف کردن آنها می تواند در اجرا قوی تر ظاهر شود .



نمایشنامه قصه دارد اما ظاهرا جای پیرنگ اصلی و فرعی در قصه عوض شده است . نمایش از مقطعی خط سیر قصه را گم می کند و آنقدر درگیر ماجرای باریک خانم می شود که اصلا ماجرای آشپزخانه و دغدغه آنان فراموش می شود و در نهایت برای برگشت به خط اصلی فرصتی باقی نمی ماند و لاجرم پایان بندی نمایش سر هم بندی می شود . ریشه این مسئله در این است که در نمایشنامه از فلاش بک استفاده نشده است . روایت قصه باید از جایی شروع می شد که ما در فلاش بک ها ماجرا را دنبال می کردیم . با این طرفند اثر قصه گو تر و نزدیک تر به فضای نقالی ایرانی می شد و همچنین می توانست سیر منطقی تری را تا پایان در پیش بگیرد . نکته بعدی چند پاره بودن متن است که در راستای همان عدم سیر منطقی است . اتفاقاتی که می افتد هیچ ارتباط درستی با یکدیگر ندارند . ما فقط در ماجرای باریک خانم سیر منطقی و روایت درست داریم که این بخشی از کل نمایش است . این سیر در اجزا وجود دارد اما در به هم پیوستن این اجزا و تشکیل یک قصه واحد ، متن دچار اشکال است ، به همین دلیل باید از طرفند فلاش بک استفاده شود . البته اینکه در پایان متوجه می شویم همه اینها خواب بوده است توجیهی است بر این نبود سیر در اجزا ، اما توجیهی دم دستی . کشته شدن مرد در آشپزخانه چه ارتباطی با کل نمایش دارد ؟ اگر بنا بر این است که در بازی بالا دستی ها ، مردم قربانی شوند ، چرا مرد کارگر به دست خود شخصیت های آشپزخانه (در بخشی از نمایش که در آشپزخانه هستند نه

در عمارت و اندرونی و حمام و ...) کشته می شود ؟! و اساسا کشته شدن او چه ارتباطی به مابقی ماجرا ها دارد ؟ این سوال ها ، سوال هایی است که تماشاچی را در تحلیل پیام نمایش دچار تردید می کند . به همین دلیل باید گفت : نمایش "ظاهرا" سعی دارد نسبت مردم با حکومت را به چالش بکشد و در بستر تاریخ نشان بدهد که مردم قربانی بازی قدرت طلبان هستند .

آیا مقصود نمایش این است که مردم را قربانی نشان دهد ، یا اینکه احمق و یا سودجو ، که حاضرند آبگوشتی با آن وصف درست کنند ؟

سیر آبگوشت تا زهرمار



اگر هیچ کدام اینها مد نظر نیست پس مقصود از ابژه دربار و شاه و کارگر و غیره چیست ؟

لازانيا چه شد؟

همچنين در کارگردانی اثر مواردی مثل ریتم ده دقیقه ابتدای کار ، نا هماهنگی حرکات جمعی ، عدم توجه به صدای بازیگران

که در مواقع حضورشان در عمق صحنه به سختی شنیده می شود ، دچار اشکال است.

صدای آواز ها عمدتاً شنیده نمی شد و نیز حرکات نوازنده تنبک هنگام نواختن کاملاً تمرکز زدایی می کرد.

البته شوخی های نمایش در بسیاری از موارد واقعا خنده دار است و بازی اغلب بازیگران خوب . همچنین خلاقیت در طراحی

صحنه و دکور نیز ستودنی است.

در مجموع باید گفت که نمایش ” آبگوشت زهرماری ” به واسطه فرم و فضای کم‌دی ای که دارد پتانسیل تبدیل شدن به یک

نمایش جذاب و قوی را بسیار داراست.

محمد جواد حبیبی - دپارتمان نقد تئاتر فستیوال



کارگردان "من، سیزیف": جشنواره تئاتر فجر برای ایران اتفاق خوبی را رقم زده

گروه puppetslab از بلغارستان، نمایش "من، سیزیف" را در سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر به روی صحنه برده است. به همین بهانه خبرنگار **تئاتر فستیوال**، گفت و گویی با ولسکا کونچوآ (Veselka Kuncheva) (، کارگردان این گروه انجام داده که می توانید در ادامه بخوانید:



ولسکا کونچوآ درباره معرفی گروه تئاتری خود به خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفت: گروه ما به سرپرستی خانم ماریتا گولومه آ (Marieta Golomehova) تاکنون بر روی پروژه های مختلفی کار کرده است. بیش تر از ۲۰ سال است که این گروه فعالیت دارد و در واقع از زمان دانشجویی آن را تشکیل داده ایم و تا به حال ادامه داشته و امیدوارم تا آخر عمر هم ادامه داشته باشد. ما در این گروه بیش از ۲۰ اجرای مختلف در جشنواره های گوناگون و البته با سبک کاری متفاوت داشته ایم.

وی در رابطه با نحوه ی آشنایی خود با جشنواره تئاتر فجر افزود: قبل از اینکه به جشنواره دعوت شویم، آن را نمی شناختم. اما بعد از آن در اینترنت جستجو کردم و فهمیدم این جشنواره واقعا به صورت گسترده و عظیمی برگزار می شود و واقعا تاثیرگذار است. چرا که در واقع گروه ها و اجراهای زیادی حتی از کشورهای مختلف در آن حضور دارند. بنابراین جشنواره تئاتر فجر واقعا برای کشور شما اتفاق خوبی را رقم زده است.

کارگردان نمایش "من، سیزیف" که تا به حال تجربه حضور در جشنواره های زیادی را داشته، در این باره توضیح داد: گروه ما تا به حال بیش از ۱۵ اجرا در کشورهای مختلفی مثل روسیه داشته و اجراهای زیادی در دور تا دور اروپا تجربه کرده ایم. البته فعالیت های ما در تئاتر فقط در رابطه با تئاتر عروسکی نیست و ما تجربه های تئاتر متفاوتی داشته ایم.

کونچوآ در خصوص شیوه اجرایی خود از ابتدای انتخاب متن تا اجرا روی صحنه اذعان داشت: ما ۹ ماه روی این نمایش کار کرده ایم که در ابتدا به صورت اجراهای خصوصی بود. در طول این ماه ها تجربیاتی را با عروسک های مختلف پشت سر گذاشته ایم. در واقع تعداد عروسک هایی که روی آن تمرین کرده ایم بیشتر از آن چیزی است که شما در این نمایش دیده اید. همچنین تمرین های زیادی روی حرکات بدن انجام دادیم تا اینکه بعد از ۸ ماه تصمیم گرفتیم که دیگر کافی است و به بهترین فرمی که می خواستیم، رسیده ایم.

او همچنین درباره قصه ی نمایش توضیح داد: این یک قصه ی تجربی است. من بر روی متن "من - سیزیف" آلبو کامو کار کردم و بعد از آن تلاش کردم تا به زبان فکری او نزدیک شوم. بعد از آن هم با بازیگر به واسطه ابزارهای تئاتری روی صحنه مثل موزیک، نور، و... تمرین کردیم. این طور شد که چرخه متن بزرگ و بزرگتر شد. این متن در واقع قصه ی زندگی انسان است. وقتی که معنای زندگی را می فهمد، دوست دارد



در نهایت که به این متن رسیدم دیگر نمی خواستم که آن را تغییر دهم . چرا که این خیلی مهم است که به متنی بررسی که برای اجرای خاصی نوشته شده است.

او درباره معنای عروسک های مختلف نمایش در هر صحنه عنوان کرد : هر صحنه ، دوره ای از زندگی ما است .

همان طور که در ابتدای نمایش دیده اید ، در صحنه اول دو عروسک سیاه و سفید روی شانه های بازیگر وجود دارد . ما معتقدیم انسان ها با این دو وجه خوبی و بدی به دنیا می آیند و این خودشان هستند که می توانند هر یک را انتخاب کنند . سپس ما زندگی انسان را وسعت دادیم و در هر صحنه به دنبال یافتن معنای زندگی می گردیم.

کارگردان نمایش ” من ، سیزیف “ درباره رضایت از اجرا در جشنواره تئاتر فجر افزود : بسیار خوشحالم که در جشنواره تئاتر فجر شرکت کرده ام . ما برای تماشاگران بسیار خوب حرفه ای و با دیدی باز اجرا کرده ایم و از این بابت بسیار راضی هستم .
او در پایان درباره حضور خود در ایران ابراز کرد : ایران واقعا زیبا است.

گزارش تصویری نمایش خیابانی "بزم و رزم"



یادداشتی بر نمایش "دو به دل" به کارگردانی سلمان پهلوان:

"دو به دل" اثری از تمدن ناشناخته

نمایش "دو به دل" در ششمین روز از سی و پنجمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر به نویسندگی جلیل امیری و کارگردانی سلمان به نمایندگی از شهرستان جیرفت کرمان در تالار هنر به روی صحنه رفت.

جلیل امیری در مقام نویسنده با وفاداری به ساختار ارسطویی کوشیده تا روایتی پر کشش در دنیای کوچک درام خود به وجود آورد. روایتی که بر مبنای "شک" استوار گردیده، امیری در جای جای اثر خود و در میان تمامی دیالوگ ها تلاش کرده است تا این عنصر غالب را به شکلی واضح و حتی گاه غلو شده و اغراق آمیز به نمایش بگذارد.



گاه مخاطب در سرتاسر اثر حاضر با نمادپردازی هایی خام دستانه و ابتدایی رو به رو می شود که در متن خوش ننشسته (همچون اشاره هایی به نمایشنامه های نویسندگان خارجی) و با این کار شاید فقط موجبات خنده مخاطبش را فراهم می کند.

اما در این بین نباید خلق کاراکترهایی موفق را نادیده گرفت، پرسونا های که با وجود داشتن شخصیت هایی تیپیکال (هم چون سید، مرد کتاب فروش، زن های سنتی و خانه دار و ...) در نمایش به زیبایی جای گرفته اند و مخاطبین شان را همراه خود تا انتها می کشانند و این مهم امکان پذیر نیست مگر با وجود کارگردانی چیره دست.

سلمان پهلوان در جایگاه کارگردان توانسته تا اثری چشم نواز را برای تماشاگران به منصفه ظهور بگذارد. وی با استادی تمام در مدیریت، نوع چینش و جای گذاری بازیگرانش کوشیده و به درستی از تمامی ظرفیت های صحنه استفاده کرده است. همین امر موجب شده تا پهلوان را بتوان در زمره کارگردانان موفق و صاحب سبک به حساب آورد. تمامی این موفقیت ها ممکن نمی شود مگر با همراهی بازیگران نمایش.

بازیگران قدرتمند با بیان و بدن تربیت شده را می توان یکی از عناصر موفقیت نمایش "دو به دل" به حساب آورد چرا که کلیه بازیگران، شش دانگ بر سر صحنه حاضر هستند و همین امر موجب شده تا باور پذیری بیشتری برای مخاطب از اثر حاضر به وجود آید.

جلیل امیری در نگارش متن خود از قاعده حقیقت ماندی آن چنان که شایسته است پیروی نمی کند؛ اما سلمان پهلوان به عنوان کارگردان اثر با همراهی بازیگران قدرتمند، توانسته است نقایص نمایشنامه را تا حد زیادی بپوشاند و مخاطب را با نمایشی جذاب رو به رو می سازد.

مرورید نیک بین - تئاتر فستیوال



اختتامیه بخش های عکس ، پوستر و هویت بصری سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر
اختتامیه زودهنگام سه بخش از جشنواره



گزارشی از مراسم اختتامیه بخش عکس، پوستر، هویت بصری و نمایشنامه

علی مرادخانی: رسالت تئاتر با حضور سه نسل در کنار هم به جا آورده شد.

مراسم اختتامیه بخش پوستر، عکس،
نمایشنامه‌نویسی و پژوهش جشنواره تئاتر فجر
برگزیدگان خود را شناخت.



به گزارش **تئاتر فستیوال**، مراسم اختتامیه بخش پوستر، عکس، نمایشنامه‌نویسی و پژوهش سی و پنجمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر شامگاه جمعه ۸ بهمن ماه در تالار دکتر ناظرزاده کرمانی تماشاخانه ایرانشهر با حضور علی مرادخانی معاون هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، مهدی شفیعی مدیرکل هنرهای نمایشی، سعید اسدی دبیر سی و پنجمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر، مهدی افضلی مدیر موسسه توسعه هنرهای معاصر، مجید رجبی معمار مدیر عامل خانه هنرمندان، عیسی‌علیزاده مدیرعامل سازمان زیباسازی شهر تهران، رضا کیانیان، ابراهیم حقیقی، حسین پارسایی، عطالله کوپال، محمد حاتمی، سیاوش طهمورث، مریم معترف، مسعود فروتن، فریدون خلیلی مدیر کانون ناشنوایان، رضا معطریان، روزبه حسینی و جواد عاطفه برگزار شد. پس از قرائت قرآن مجید، این مراسم با قطعه نمایشی «قهرمانان بی‌ادعا» برای تقدیر از قهرمانان آتش‌نشان حادثه ساختمان پلاسکو آغاز شد.

در ابتدای این مراسم، سعید اسدی دبیر جشنواره تئاتر فجر ضمن خوش‌آمدگویی به حاضران گفت: «این مراسم تنها به قصد اهدای جوایز برگزار نشده است بلکه پایان این مراسم می‌بایست به یک رویداد اجتماعی و فرهنگی تبدیل شود. **وی افزود:** پس از رخداد غم‌انگیز ساختمان «پلاسکو»، جشنواره را با یاد قهرمانان میهن و شهدای آتش‌نشانی آغاز کردیم تا به کسانی که برای حفظ جان مردم تلاش می‌کنند، علاقه خود را نشان دهیم. اسدی درباره تأثیرات نشست‌هایی که همزمان با جشنواره در زمینه دیگر حوزه‌های هنری برپا شده است، توضیح داد: «با برگزاری نشست‌هایی در حوزه‌های هنری دیگر چون گرافیک، پوستر و هویت بصری به انتخاب هنرمندانی رسیدیم که امروز مفتخریم تا آثار برگزیدگان را در نمایشگاه و چاپ کتاب داشته باشیم».

وی با اشاره به ایجاد بخش نمایشنامه‌نویسی در جشنواره تئاتر فجر افزود: «برای جشنواره تولیدات نمایشنامه‌های ایرانی از اهمیت بالایی برخوردار بوده است که آثار برگزیده از ۱۰ اثر انتخاب شده، اعلام میشوند. دبیر سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر همچنین با اشاره به برگزاری همایش «شهر و شهروندی و مسئولیت اجتماعی تئاتر» به عنوان یکی از رویکردهای مهم این دوره از جشنواره گفت: «از انجمن



هنرهای نمایشی و ستاد خبری جشنواره و هنرمندانی که با شرکت آثار خود به جشنواره رونق می‌دهند و داوران که با نکته سنجی بسیار به انتخاب آثار می‌پردازند؛ تشکر می‌کنم.

در ادامه این مراسم برگزیدگان بخش‌های عکس، پوستر و هویت بصری، پژوهش و نمایشنامه‌نویسی معرفی شدند. همچنین از ۵ گروه نمایشی توان‌خواهان مرتبط با مضامین مسئولیت اجتماعی؛ نیز تقدیر کردند. از جمله این افراد، حسین رحیمی، سرپرست گروه تئاتر پاپیون و دبیر ستاد جشنواره فجر در بخش "به علاوه فجر" تماشاخانه استاد مشایخی بود.

وی ضمن تشکر از مسئولین برگزاری این جشنواره گفت: من بعد از ۱۵ سال کار با کودکان معلول ذهنی، ناشنوا و مبتلا به سندرم داون، حضور در فستیوال‌های خارجی و دریافت جوایز از این فستیوال‌ها بالاخره توسط صاحبان اصلی هنر در این مملکت دیده شدم و جایزه گرفتم.

رحیمی افزود: این جایزه برای من ارزشمندتر و شیرین‌تر از تمام آن جایزه و تقدیرها در جشنواره‌های خارجی است. وقتی در مملکت خودت هنر تو دیده شود، ناخواسته انرژی برای ادامه دادن راه بیشتر می‌شود. هر کس دوست دارد در خانه خودش دیده شود. از آقای سعید اسدی دبیر جشنواره و مهدی شفیعی مدیرکل هنرهای نمایشی تشکر می‌کنم که اولین دبیرخانه‌ای بودند که به کار ما اهمیت دادند. وقتی ما می‌گوییم تقدیر، لزوماً به معنی جوایز نقدی نیست.

حسین رحیمی پس از دریافت تقدیرنامه، تی‌شرتی از گروه تئاتر پاپیون را به ستاد برگزاری جشنواره تقدیم کرد و در ادامه گفت: تمام افراد گروه نمایشی پاپیون که در جشنواره لهستان با این تی‌شرت وارد شدیم که روی آن «ایران سرزمین من است» و «ایران؛ این سرزمین مهر و دوستی» حک شده است.

از دیگر بخش‌های این مراسم، تقدیر از دبیران فجر استانی بود که توسط حسین پارسایی و ارمغان بهداروند مدیرعامل انجمن هنرهای نمایشی ایران صورت گرفت و از بابک نهرین دبیر جشنواره فجر استانی آذربایجان شرقی، جهانشیر یار احمدی دبیر جشنواره فجر استان بوشهر، سید جواد اشکذری دبیر جشنواره فجر استان خراسان رضوی، محمد یاقوت‌پور دبیر جشنواره فجر استان خوزستان، محمود دهقان هراتی دبیر جشنواره فجر استان یزد، امیر صادقی دبیر جشنواره فجر استان فارس، سحر مشرفی دبیر جشنواره فجر استان مازندران تقدیر شد.

در پایان مراسم علیرضا غفاری که اجرای این مراسم را بر عهده داشت از علی مرادخانی معاون هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی درخواست کرد به روی صحنه بیاید و با خبرهای خوش اهالی تئاتر را غافلگیر کند.

علی مرادخانی معاون هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز ضمن تشکر از ستاد جشنواره تئاتر فجر و اظهار امیدواری برای ادامه حرکات مستدام در این حوزه بیان کرد: آنچه به همه‌گیر شدن تئاتر در کشور کمک می‌کند همت و حمیت افراد حاضر در این هنر است که اگر نباشد، این اتفاق رخ نمی‌دهد.

وی درباره کارهای انجام شده با رویکرد مسئولیت اجتماعی مطرح کرد: در این دوره ما از افرادی دعوت کرده‌ایم که در اجتماع کمتر دیده می‌شوند چرا که وظیفه اصلی تئاتر بر خلاف حوزه‌های دیگر هنری، ایجاد گفتگو بین انسان‌ها در جامعه است.

معاون هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با اشاره به توجه انی دوره از جشنواره تئاتر فجر به متون ایرانی اضافه کرد: خوشحالم که در این دوره از جشنواره به متون داخلی توجه بسیاری شده است چراکه ما در ایران باید جست و جوگر هویت خودمان باشیم و نمایشنامه‌های خوب ایرانی را روی صحنه ببریم.



مرادخانی درباره گروه‌های شرکت کننده در این دوره از جشنواره تئاتر فجر گفت: با توجه به آماری که همکاران داده‌اند، در گروه‌های این دوره از جشنواره شاهد شرکت افراد زیر ۳۵ سال بوده‌ایم. درواقع این اتفاق یعنی جوانان ما به جایی رسیده‌اند که می‌توانند کار مشخصی را ارائه بدهند.

وی افزود: حضور سه نسل در کنار هم به طور حتم باعث اختلاف نظراتی می‌شود که بسیار طبیعی است اما چقدر خوب شد که در این دوره هنرمندان سه نسل به مشترکاتی رسیده‌اند و رسالت تئاتر را به جا آورده‌اند.

معاون هنری وزیر ارشاد با اشاره به دیگر اتفاقات مثبت جشنواره مطرح کرد: امسال توانسته‌ایم در بخش‌های مختلف جشنواره شاهد آثار خوبی از هنرمندان شرکت کننده باشیم که خود یکی از اتفاقات خوب این دوره محسوب می‌شود.

وی افزود: همچنین شاهد حضور هنرمندان خانمی بودیم که در بخش خیابانی به اجرای نمایش می‌پرداختند که این امر مسئولیت‌پذیری خانم‌ها را در این بخش بیشتر نشان می‌دهد.

مرادخانی در پایان گفت: از همه هنرمندان شرکت کننده و تمام کسانی که در برگزاری این جشنواره دستی داشتند تشکر می‌کنم و امیدوارم این همت و پیوستگی همیشه وجود داشته باشد.

وی از زمینهای ولنجک که محل تأسیس تئاتر پایتخت خواهند بود خبر داد و گفت: این زمین در حال پیگیری است، این زمین‌ها از سوی وزارت مسکن تحویل گرفته شده‌اند و اطلاعات تکمیلی آن به زودی از سوی مدیرکل هنرهای نمایشی اعلام خواهد شد. در این مجموعه هفت سالن برای نمایش‌های مختلف با تأثیر از هفت شهر عشق عطار با مبتنی بر معماری مدرن ساخته خواهد شد.

مرادخانی همچنین به مسأله بیمه هنرمندان و بدهی ۵۰ میلیاردی صندوق اشاره کرد و با تأکید بر مذاکرات با نوبخت، سخنگوی دولت مبنی بر تأمین بدهی از طریق اوراق گفت: اکنون نزدیک به ۶۰۰۰ هزار نفر در نوبت صندوق بیمه هنرمندان هستند.

او در بخش پایانی سخنان خود بیان کرد: به زودی بازسازی سالن اصلی مجموعه تئاتر شهر آغاز می‌شود. همچنین طبقه پایینی برج آزادی مراحل پایانی ساخت خود را می‌گذرانند و در اختیار اهالی تئاتر قرار می‌گیرد. نورپردازی این مجموعه نیز به اتمام رسیده است.

